



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره دهم - دی ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، المیرا حصارکی، چیافوادی
فرید دانشفر نسترن فتیحی، پویان فراستی
علی پویا، شیوا سعیدی، سحر قاسم نژاد

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه‌آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در
قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً
به معنای تأیید محتوای تمامی آن‌ها از سوی
ماهنامه نیست.

تحریریه

مجله اقتصاد و مدیریت

- ۲..... سر مقاله: هوا بس ناجوانمردانه سرد است.
- ۳..... نیرو پارسه: مجری پروژه‌های نیروگاهی مقیاس کوچک.
- ۶..... دکتر جلیوند: شرکت‌های ایرانی برای تحولات بازار آماده باشند.
- ۸..... نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک.....
- ۹..... صندوق بین‌المللی پول چگونه و چرا تاسیس شد؟.....
- ۱۰..... گزارش نوآوری و خلاقیت در اقتصاد کشورها.....
- ۱۱..... دانایی، سرمایه کلیدی برای توسعه و نوآوری است.....
- ۱۵..... احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چه پیش‌شرط‌هایی دارد؟.....
- ۱۶..... احیای سازمان همراه با مهندسی مجدد.....
- ۱۶..... برنامه‌ریزی، همه را درگیر توسعه می‌کند.....
- ۱۸..... سازمان برنامه جدید نیازمند اتاق فکر برای بازار سرمایه است.....
- ۲۰..... بررسی تولید و مصرف سوخت در ایران، عربستان و عراق.....
- ۲۲..... سیری در اندیشه‌های اقتصادی ابن‌خلدون.....
- ۲۴..... آرامش به بورس یرمی‌گردد.....
- ۲۵..... سلامت همه آفاق در سلامت توست.....

مجله فرهنگ و خانواده

- ۲۶..... حکایت‌های زمستانی در شب یلدا.....
- ۲۷..... به بهانه سالروز تولد محمدعلی جمالزاده، پدر داستان‌نویسی ایران.....
- ۲۸..... زمستان را به خانه بیاورید.....
- ۲۹..... غم نان؛ لذت نان.....
- ۳۰..... ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد.....
- ۳۱..... نگاهی به ۱۰ بازیکن ثروتمند فوتبال جهان.....
- ۳۲..... رحمت هر دو جهان.....

دعوت از خوانندگان گرامی برای ارسال خاطرات و تجارب‌زندگی

ماهنامه «خوارزم» در نظر دارد یکی از صفحات خود را در هر شماره به درج گوشه‌ای از خاطرات و تجارب تلخ و شیرین خوانندگان گرامی اختصاص دهد. در این راستا از تمامی خوانندگان ارجمند، اعم از مدیران، کارشناسان و کارکنان گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی (شامل ستاد و شرکت‌های وابسته) و خانواده‌های ارجمند آنان دعوت می‌شود در صورت تمایل، این‌گونه خاطرات - به‌ویژه از تجارب حرفه‌ای و شغلی - خود را که می‌تواند برای دیگران جالب توجه و مفید واقع شود، به صورت فشرده تنظیم و با رعایت نکات ذیل برای درج در ماهنامه «خوارزم» ارسال فرمایند:

نام و نام خانوادگی، سطح تحصیلات، نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک و تلفن تماس نویسنده در آن قید شود.

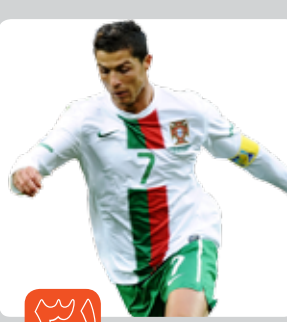
حجم مطالب از سه صفحه ۸۴ (هر صفحه حدود ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند و تایپ آن تحت برنامه word انجام شود.

ماهنامه در ویرایش، تلخیص و تنظیم مطالب رسیده آزاد است.

مطالب ارسالی در صورت تأیید یا عدم تأیید مسترد نمی‌شود.

نشانی پستی ماهنامه «خوارزم»: تهران، خیابان ملاصدرا، انتهای خیابان شیراز جنوبی، تقاطع برزیل غربی، شماره ۲۵، طبقه دوم، ماهنامه خوارزم (بخش خاطرات)

نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir



هوا بس نا جوانمر دانه سرد است

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

اقتصاد ایران شرایط ویژه و بسیار متفاوتی را تجربه می‌کند که گاه امکان تحلیل و توصیف علل، عوامل و راه‌های برون‌رفت از آن به کمترین مقدار خود می‌رسد. به نظر می‌رسد که راندن در جاده‌های مه‌آلود که در شماره‌های نخست ماهنامه توصیف شده بود، اکنون در مسیری پرپیچ‌وخم و البته سنگلاخ قرار گرفته است که پیش رفتن در آن به دشواری صورت می‌پذیرد. به نهایت نرسیدن مذاکرات هسته‌ای در روزهای آغازین آذرماه، موجب واکنش بیش از حد منفی بسیاری از سرمایه‌گذارانی شد که انتظارات فراتر و غیرواقعی‌تری از مذاکرات داشتند و تمام سرنوشت بازار سرمایه را به تفاهم ناشی از مذاکرات گره زده بودند. این واکنش مضاعف، با افت شدید قیمت نفت در هفته‌های اخیر همراه شد که خود موجبات سختی‌های فراوانی را در اقتصاد وابسته به نفخات نفت کشور به بار آورد. در کنار این موارد نوظهور، کاستی‌های همیشگی، از جمله عدم بهبود فضای سرمایه‌گذاری، عدم تصمیم‌گیری کارآمد در خصوص عامل مهمی مانند نرخ سود سپرده‌های بانکی، نوسانات و تغییرهای پی‌درپی مقررات، ضوابط و دستورالعمل‌ها موجب شد که جرقه‌هایی که امید به خروج اقتصاد از رکود را قوت می‌بخشیدند، کم‌سوتر شوند و پیش رفتن در اقتصاد بزرگ اما ناهموار ایران را سخت‌تر از گذشته نمایان کنند.

به نظر می‌رسد علل عدم توفیق کافی دولت تدبیر و امید در این زمینه از یک سو فراوانی و پیچیدگی مشکلات و ضعف‌های به ارث رسیده از سال‌های قبل و از سوی دیگر عدم انسجام کافی در تیم اقتصادی و مالی دولت - در درون دولت و مجلس با دولت - باشد، که تا چنین است، تحقق تمامی اهداف اقتصادی دولت ناممکن خواهد بود. نهایت ساده‌انگاری آن است که پنداشته شود با اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدتی مانند صدور بخش‌نامه‌های یک‌شبه، تذکر به یک یا چند نهاد مالی و پولی، بستن یا باز کردن نماد برخی سهام‌ها، تغییر برخی مدیران در بازار سرمایه یا پول و مواردی از این قبیل، اقتصاد بهبود می‌یابد و در نتیجه شاخص بورس هم به‌عنوان دماسنجی کارا، روند صعودی به خود می‌گیرد. باور قوی آن است که باید فضای سرمایه‌گذاری بهبود یابد و اقتصاد از روزمرگی خلاصی پیدا کند تا امور معیشتی نیز سروسامان پذیرد.

در این میان، رسالت بنگاه‌ها بسی سنگین‌تر و البته بفرنج‌تر است. بنگاه‌های اقتصادی از یک سو باید با خلق ارزش و گسترش عملیات سودآور خود، انتظارات سهام‌داران را برآورده کنند و از سوی دیگر با پیش مداوم ریسک و مدیریت آن از چنین گردنه‌های مهیبی به سلامت عبور کنند. اتخاذ سیاست انفعالی و به انتظار بهبود نشستن، با هر توجهی باشد، نمی‌تواند تدبیر درستی باشد. نیمه پر لیوان آن است که حتی در این فضای بفرنج، می‌توان فرصت‌های مناسبی را هم شکار کرد و هم‌چنین دست به اصلاحات ساختاری زد تا «فردا کز این غمان برسد مژده امان»، بتوان با سرعت بیشتری به سمت اهداف بلندپروازانه پر گشود. گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، در این هیاهو و آشفته‌بازار، با این ایمان تغییرناپذیر و باور راسخ که در پی هر سختی آسانی و گشایشی است، برنامه‌های خود در ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها را با دقت، آرامش و البته تدبیر بیشتری پیش می‌برد. ناگفته نپیادست که پیشروی در چنین فضایی انرژی زیادی طلب می‌کند و نیازمند تدابیری ویژه است. در فضایی که کمبود نقدینگی و آشفستگی بازار پول یکی از نشانه‌های بارز آن است، شرکت باید از نیمه‌دی‌ماه جاری نزدیک به ششصد میلیارد ریال سود نقدی سهام‌داران ارجمند را پرداخت کند و هم‌زمان، اقساط خرید نیروگاه منتظر قائم را پرداخت کرده، بابت بهینه‌سازی عملیات و تجهیزات نیروگاه، سرمایه‌گذاری کند، نقدینگی لازم برای افزایش سرمایه‌های شرکت‌های سرمایه‌پذیر را فراهم آورد و به سایر اقدام‌هایی که برای تحقق اهداف برنامه راهبردی هفت ساله ضرورتی حیاتی دارند، بپردازد و این در حالی است که نه بازار سرمایه ظرفیت حرکت‌های بزرگی مانند دادوستد بلوکی سهام را دارد و نه شرکت‌های سرمایه‌پذیر، به دلیل بحران نقدینگی قادر به پرداخت سوده‌های نقدی خود هستند. به این ترتیب باید معمای امکان‌پذیری ضرورت خروج نقدینگی در مقابل عدم ورود نقدینگی قابل توجه را به‌گونه‌ای غریب حل کرد که بیشتر به معجزه می‌ماند تا تدبیر.

تردیدی نیست که شرکت به عهده‌ی که با سهام‌داران و ذی‌نفعان راهبردی خود در قالب برنامه هفت ساله بسته است، تعهد کامل دارد و تمام کوشش خود را بر آن نهاده است که نه‌تنها برنامه‌های راهبردی، بلکه سود سال جاری نیز به‌مراتب بیشتر از سال گذشته و باکیفیت‌تر تحقق یابد. اکنون مجموعه مدیرانی که در تمامی گروه خوارزمی ایثارگرانه تلاش می‌کنند، خود را برای رقم زدن فصلی نو در این گروه جوان و رو به رشد تجهیز کرده‌اند. در این راستا افزایش بهره‌وری و کارایی بنگاه‌ها، راهبری هزینه‌ها، مدیریت ریسک و توسعه عملیات و بازار و تحقق برنامه راهبردی هر کدام از شرکت‌ها از اولویتهای مهم برخوردار است.

با این تحلیل که شرایط اقتصادی در ماه‌های باقی‌مانده از سال نودوسه تغییر چندانی نخواهد یافت و دشواری‌ها در ماه‌های آینده نیز تداوم خواهد داشت، با توکل، زانوی اشتر می‌بندیم و برای مرحله دوم از افزایش سرمایه‌ای که در مجمع فوق‌العاده سال گذشته به تصویب رسید، آماده می‌شویم تا خورشید بهبود که دمید و جان‌های خسته از رکود قوت گرفت، گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی رسالت تاریخی خود را به نیکوترین روشی که ممکن است، به انجام برساند، زیرا پروردگار جهانیان چنین وعده کرده است که در پس هر برگ‌ریزی بهار سبزی نهفته است و «ان مع العسر یسر».

آشنایی با شرکت‌های گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

نیروپارسه؛ مجری پروژه‌های نیروگاهی مقیاس کوچک



نیروپارسه در یک نگاه

شرکت تولید و توسعه ایستگاهی نیرو پارسه در تابستان ۱۳۹۰ تاسیس شد و در فاصله کوتاهی با امضای موافقت‌نامه بلندمدت همکاری با شرکت صنایع سنگین هیوندای کره جنوبی (HHI)، اجرای پروژه‌های نیروگاهی مقیاس کوچک با استفاده از موتور ژنراتورهای پایه گازسوز هیوندای در ایران و کشورهای منطقه به صورت EPC و تامین قطعات یدکی و خدمات پس از فروش آن را به عهده گرفت. در حال حاضر شرکت نیرو پارسه یک نیروگاه ۸/۳ مگاواتی با استفاده از یک دستگاه موتور ژنراتور هیوندای در محل فضای نمایشگاهی تولید پراکنده برق و حرارت هم‌زمان نیروگاه طرشت با سرمایه‌گذاری خود و یک نیروگاه ۱۶/۳ مگاواتی با استفاده از دو دستگاه موتور ژنراتور هیوندای در شهرک بزرگ صنعتی شیراز با سرمایه‌گذاری شرکت تعاونی حدیث مهر پارس در حال نصب و راه‌اندازی دارد. بر اساس اهداف تعیین‌شده، شرکت نیرو پارسه در طی سال ۱۳۹۳ ساخت، نصب، راه‌اندازی و بهره‌برداری نیروگاه‌های مقیاس کوچک با مجموع ظرفیت ۵۰ مگاوات را با سرمایه‌گذاری خود و ۱۵۰ مگاوات را تا پایان سال ۱۳۹۴ برای سایر سرمایه‌گذاران آغاز کرده است. شرکت تولید و توسعه ایستگاهی نیرو پارسه با پشتوانه تجارب طولانی سهام‌داران خود در خصوص سرمایه‌گذاری، مشاوره و خدمات فنی و مهندسی، بازرگانی، تامین کالا و تجهیزات و خدمات جامع پس از فروش، درحیطه‌های زیر فعالیت می‌کند: نیروگاه‌های تولید پراکنده هم‌زمان برق و حرارت و برودت (مقیاس کوچک) با استفاده از موتور ژنراتورهای پایه گازسوز (گاز طبیعی) برای نیروگاه‌های دائم کار و با هدف اختصاصی توسعه نیروگاه‌های تولید پراکنده هم‌زمان برق و حرارت و برودت (مقیاس کوچک) برای صنعت‌گران و سایر سرمایه‌گذاران.

توانایی‌های شرکت نیرو پارسه

خدمات مشاوره و مهندسی در زمینه طراحی و نظارت بر اجرای احداث نیروگاه‌های مقیاس کوچک تولید هم‌زمان برق و حرارت و برودت
فروش مولدهای گازسوز هیوندای به همراه همه تجهیزات CHP و CCHP

اجرای پروژه‌های نیروگاهی هیوندای به صورت EPC

سرمایه‌گذاری در تولید برق و حرارت در قالب نیروگاه‌های مقیاس کوچک

ارائه خدمات بهره‌برداری نیروگاه‌های مقیاس کوچک

خدمات پس از فروش و تامین همه قطعات یدکی و مصرفی نیروگاه‌های اجراشده

خدمات مشاوره در زمینه تهیه گزارش فنی، اقتصادی و مالی شامل:

تهیه و تدوین مطالعات امکان‌سنجی (Feasibility Study)

اخذ همه مجوزهای مورد نیاز نیروگاه‌های مقیاس کوچک

تدوین طرح اتصال به شبکه

سهام‌داران نیرو پارسه:

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۱۳۷۶ با سرمایه ۱۰۰ میلیارد ریال به صورت

سهامی خاص به ثبت رسید و در سال ۱۳۸۴ با هدف توسعه فعالیت‌ها و ورود به

عرصه صنعت سرمایه‌گذاری کشور، به سهامی عام تغییر یافت. سرمایه کنونی شرکت

سرمایه‌گذاری خوارزمی ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال است. هم‌چنین برآورد کارشناسی از خالص

ارزش دارایی‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی حاکی از ارزش بیش از ۲۴۰۰۰ میلیارد

ریالی شرکت در تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۲ است. در حال حاضر مهم‌ترین حوزه‌های

سرمایه‌گذاری شرکت را می‌توان به شرح زیر نام برد.

بانک‌داری

چندرشته‌ای صنعتی

حوزه انرژی

رایانه و فناوری اطلاعات

املاک و مستغلات

معدن و فلزات

دارو

بازرگانی

سوابق اجرایی:

برخی از پروژه‌های نیروگاهی در حال اجرای شرکت نیرو پارسه نیروگاه‌های مقیاس کوچک با استفاده از موتور ژنراتورهای ۸/۳ مگاواتی هیوندای به شرح جدول زیر است:

ردیف	مشکلت پروژه	ظرفیت (مگاوات)	محل اجرا	وضعیت	
				در حال ساخت	در حال بهره‌برداری
۱	نیرو پارسه	۱۳	تهران نیروگاه طرشت	✓	
۲	حنیت مهر پارس	۱۴/۴	تهران شهرک صنعتی فارس	✓	
۳	مگا توان سیستم	۲۵	زاهدان شهرک صنعتی کاشین		✓
۴	شن باد گستر فتح	۲۵	تهران شهرک صنعتی چرمشهر	✓	
۵	شهرداری مشهد	۳۳۱ بزرگساز سوز	مشهد منطقه پستد شهرداری		✓
۶	نیرو پارسه	۲۵	تنگابن مجموعه نیروگاهی نیرو پارسه	✓	
۷	فولاد مبارکه اصفهان	۲۱	اصفهان مختص فولاد مبارکه		✓

تابستان ۱۳۹۳

تعریف تولید پراکنده

تولید پراکنده (Distributed Generation یا DG) که با نام‌های تولید در محل و تولید غیرمتمرکز نیز شناخته می‌شود، مبحث نسبتاً تازه‌ای است که در ادبیات اقتصادی بازار انرژی الکتریکی وارد شده است.

انجمن مهندسان برق و الکترونیک، تولید برق توسط تجهیزاتی را که به اندازه کافی از نیروگاه‌های متمرکز کوچک‌تر و قادر به نصب در محل مصرف هستند، به‌عنوان تولید پراکنده تعریف کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی، واحدهای تولیدکننده توان در محل مصرف یا در داخل شبکه توزیع را که توان را به‌طور مستقیم به شبکه توزیع محلی تزریق می‌کنند، DG معرفی می‌کند. انجمن بین‌المللی سیستم‌های الکتریکی بزرگ تولید پراکنده را چنین تعریف کرده است: تمام واحدهای تولید که دارای حداکثر ظرفیت تا ۱۰۰ مگاوات باشند. این واحدها معمولاً به شبکه توزیع یا فوق توزیع متصل شده و به‌طور متمرکز برنامه‌ریزی و کنترل نمی‌شوند.

تعریف تولید پراکنده در ایران عبارت است از مجموعه‌ای از دستگاه‌ها یا تاسیسات تولید برق که اتصال آن به شبکه توزیع محل اتصال از نظر فنی امکان‌پذیر باشد و ظرفیت عملی توزیع آن در محل اتصال به شبکه توزیع نیز از ۲۵ مگاوات بیشتر نباشد.

مزایای تولید پراکنده برق

همان‌طور که پیش از این بیان شد، در دو دهه اخیر، تولید پراکنده برق مورد توجه قرار

گرفته و سهم آن از تولید برق در کشورها افزایش یافته است.

برخی از اصلی‌ترین مزایای تولید پراکنده را که سبب گسترش استفاده از آن شده، می‌توان به شرح زیر نام برد:

قابلیت پاسخ به نیازهای مختلف

پوشش ریسک قیمت

افزایش بهره‌وری

ارتقای امنیت عرضه و کیفیت برق

کاهش هزینه‌های انتقال

کاهش افت فشار

پیک سایه

کاهش آلاینده‌های هوا

امکان استفاده از سوخت‌های ارزان

از دیگر مزایای مولدهای مقیاس کوچک می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

قابلیت حمل و جابه‌جایی آسان

دارا بودن قابلیت پدافند غیرعامل

طرح توجیهی سرمایه‌گذاری در نیروگاه مقیاس کوچک

کاهش تراکم انتقال انرژی و جلوگیری از افزایش ظرفیت شبکه

کاهش هزینه‌های انرژی و دی‌ماند

افزایش قابلیت اطمینان شامل تامین توان اضطراری و جانشین با پاسخ زمانی سریع

کاهش تلفات شبکه انتقال و توزیع

کاهش رزرو گردان و غیرگردان مورد نیاز

کاهش یا حذف نیاز به توسعه شبکه انتقال و توزیع

تامین توان راکتیو و بهبود کیفیت توان

قابلیت تولید هم‌زمان برق و حرارت

بهبود ضریب بار شرکت برق

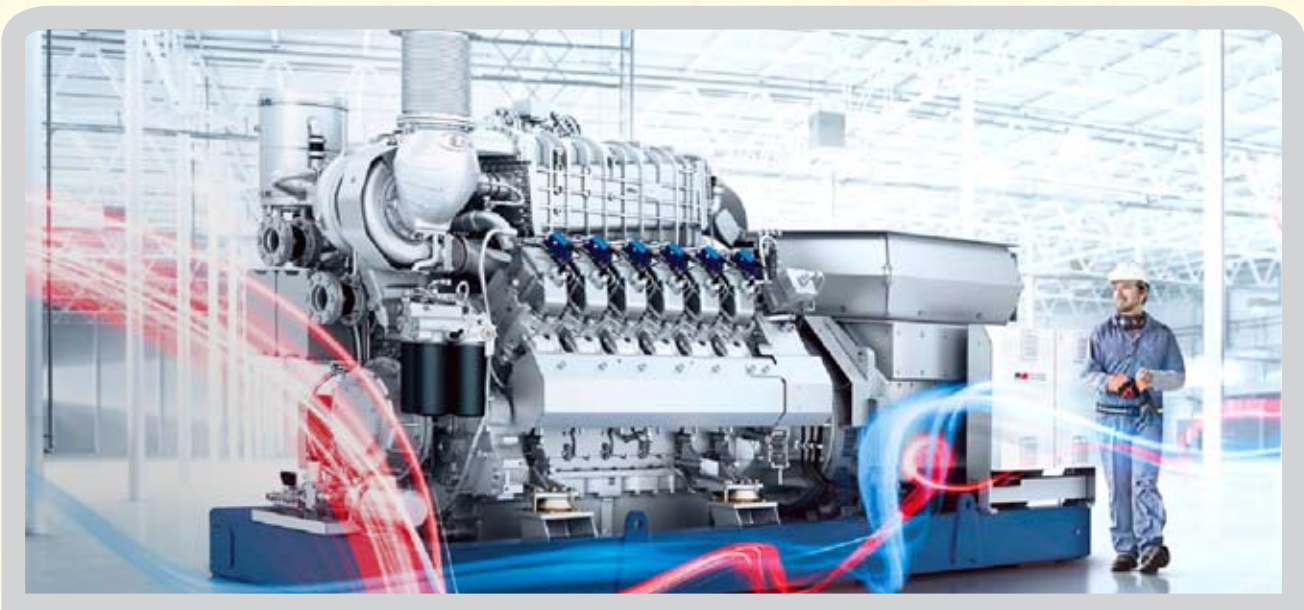
پراکندگی در منابع انرژی اولیه مورد نیاز

تکنولوژی‌های تولید پراکنده

تولید پراکنده برق از طریق تکنولوژی‌های مختلفی انجام می‌شود. این تکنولوژی‌ها عبارت‌اند از موتورهای گازسوز رفت و برگشتی (پیستونی)، توربین‌های گازی/بخاری کوچک، میکروتوربین‌ها، توربین‌های بادی، مولدهای آبی کوچک، صفحات خورشیدی و پیل (سلول) سوختی.

در میان این تکنولوژی‌ها موتورهای پیستونی و توربین‌های گازی بیشترین راندمان الکتریکی را دارند.

موتورهای رفت و برگشتی نیز از جمله قدیمی‌ترین سیستم‌های تولید قدرت محسوب می‌شوند که در تمامی بخش‌های صنعتی کاربرد وسیعی یافته‌اند. این سیستم‌ها مقرون به‌صرفه‌ترین سیستم‌های تولید برق هستند که در ظرفیت‌های مختلف از چند کیلووات تا چند مگاوات ساخته می‌شوند و در حال حاضر با توجه به شرایط موجود از جمله در دسترس بودن تجهیزات، قطعات یدکی و نیروی انسانی ماهر، موتورهای رفت و برگشتی مناسب‌ترین گزینه در کشور است.



تولید هم‌زمان برق و حرارت

تولید هم‌زمان برق و حرارت رایج‌ترین سیستم در میان سیستم‌های تولید پراکنده در جهان است که می‌تواند تقاضای برق و حرارت را به شکلی مطمئن و با صرفه اقتصادی مطلوب (نسبت به روش تامین برق و حرارت به صورت مجزا) پاسخ دهد. سایر سیستم‌های تولید پراکنده هنوز نتوانسته‌اند چندان فراگیر شوند. هزینه بالای تولید برق از طریق پیل‌های سوختی و وابستگی نیروگاه‌های خورشیدی و بادی به شرایط جوی، که در کنترل نیستند، باعث کاهش قابلیت اطمینان به آن‌ها می‌شود و این مولدها برای مصارف خاص از جمله کمک به شبکه سراسری کاربرد بیشتری دارند.

در سال ۲۰۰۷ تولید هم‌زمان به شکل ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت. در این سال، در اجلاس سران هشت کشور صنعتی جهان که در آلمان برگزار شد، بر ضرورت انجام اقدامات مناسب برای افزایش سهم CHP در تولید برق تاکید و استراتژی‌های مناسب اتخاذ شد. بر این اساس اقدامات تشویقی از سوی دولت‌ها برای توسعه CHP انجام گرفت. اصلی‌ترین هدف از این اقدامات، بهینه‌سازی مصرف انرژی و اقدام عملی برای کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای بود.

تکنولوژی‌های تولید هم‌زمان برق و حرارت

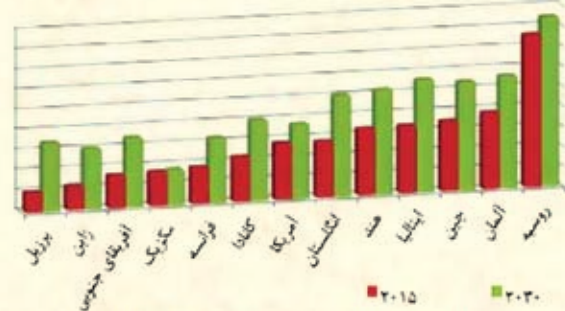
تولید هم‌زمان برق و حرارت از طریق توربین‌های گازی، توربین‌های بخاری، میکروتوربین‌ها، موتورهای رفت و برگشتی (پيستونی) جرقه‌ای و تراکمی (اعم از دیزلی و گازسوز)، پیل‌های سوختی و... انجام می‌شود. هر یک از تکنولوژی‌های تولید هم‌زمان برق و حرارت می‌تواند مزایا و معایبی داشته باشد.

پنج روش رایج برای تولید هم‌زمان برق و حرارت:

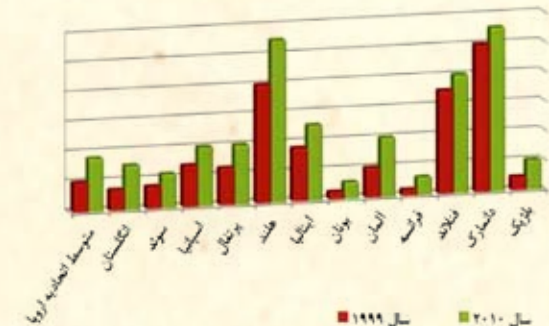
- ۱- بازیافت حرارت از توربین‌های زیرکشی‌دار
- ۲- بازیافت حرارت از توربین‌های پس فشاری
- ۳- بازیافت حرارت از توربین‌های گازی
- ۴- بازیافت حرارت از طریق سیکل ترکیبی
- ۵- بازیافت حرارت از موتورهای رفت و برگشتی

بازیافت حرارت از موتورهای رفت و برگشتی

این روش مشابه روش بازیافت حرارت در نیروگاه‌های گازی است، با این تفاوت که به جای توربین گازی، از موتورهای درون‌سوز رفت و برگشتی استفاده می‌شود. در نیروگاه‌هایی که از موتورهای رفت و برگشتی استفاده می‌کنند، حرارت می‌تواند از روغن موتور، رادیاتور موتور و حرارت گازهای خروجی از اگزوز بازیافت شود. بازده الکتریکی موتورهای رفت و برگشتی بین ۳۵ درصد تا ۴۶ درصد است.



بیش‌بینی سهم CHP از کل تولید برق برخی کشورها در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ (درصد)



سهم تولید هم‌زمان برق و حرارت از کل تولید برق اروپا در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۰ (درصد)

ضرورت‌های توسعه تولید هم‌زمان در ایران

توسعه روش‌های تولید پراکنده برق به‌طور عام و تولید هم‌زمان برق و حرارت به‌طور خاص در ایران هم‌چون سایر نقاط جهان از جنبه‌های مختلف ضروری است. از جنبه زیست‌محیطی، میزان انتشار گازهای گل‌خانه‌ای در ایران بالاست. از این رو علاوه بر نیاز به هم‌سویی ایران با همه کشورهای جهان برای کاهش میزان انتشار این گازها، این امر سلامت مردم را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به سرانه مصرف بالای انرژی در ایران، نیاز به پیشبرد هر چه سریع‌تر روش‌هایی است که از هدر رفتن منابع طبیعی و ذخایر نفت و گاز جلوگیری کند. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها تولید پراکنده و تولید هم‌زمان برق و حرارت است. مسئله دیگری که ضرورت استفاده از روش تولید هم‌زمان برق و حرارت را توجیه‌پذیر و ضروری می‌کند و از جنبه اقتصادی اهمیت زیادی دارد، افزایش قیمت گاز طبیعی با اجرای آزادسازی قیمت‌هاست. عاملی که در سایر کشورها نیز مهم‌ترین دلیل استفاده مجدد از تولید هم‌زمان برق و حرارت بوده است. با افزایش قیمت گاز، تامین برق و حرارت مورد نیاز به صورت مجزا هزینه بسیار بیشتری برای مصرف‌کننده داشته و استفاده از روش تولید هم‌زمان برق و حرارت در این حالت تقریباً اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد با آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، تقاضای استفاده از تولید هم‌زمان برق و حرارت در کشور افزایش خواهد یافت.

حمایت‌های دولت از سرمایه‌گذاران در نیروگاه‌های مقیاس کوچک

به دلیل نیاز روزافزون به برق در کشور و استراتژیک بودن این محصول، دولت حمایت‌های قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاران در این حوزه به عمل آورده است. برخی از این حمایت‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

تضمین تامین سوخت مورد نیاز مولد برای ۹ ماه در سال
 افزایش طول دوره تضمین برای مولد با قابلیت تولید هم‌زمان برق و حرارت به ۱۲ ماه
 پرداخت نرخ خرید با کسر متوسط هزینه‌های متغیر به سرمایه‌گذار، در صورت عدم تامین سوخت تضمین‌شده و آمادگی مولد برای تولید
 امکان تبدیل بخشی از انشعاب از عادی به آزاد (حداکثر تا میزان ظرفیت مطمئن نیروگاه)، پس از اخذ پروانه احداث، برای سرمایه‌گذاری که نسبت به احداث نیروگاه مقیاس کوچک در تاسیسات خود اقدام کرده است.
 پیش‌پرداخت خرید برق از سوی توانیر در طول دوره احداث به میزان ۲۵ درصد برآورد ارزش کل تولید سالانه نیروگاه به نرخ پایه قرارداد

تولیدکنندگان مهم مولدهای تولید هم‌زمان برق و حرارت

در حال حاضر با توجه به جذابیت‌های بازار CHP شرکت‌های بسیاری به تولید مولدهای تولید هم‌زمان روی آورده‌اند. برخی از این شرکت‌ها از اعتبار و سهم بازار بیشتری برخوردارند که شرکت هیوندای یکی از آن‌هاست. شرکت هیوندای یک شرکت کره‌ای است که به‌تازگی وارد این حوزه شده است. این شرکت که در زمینه‌های خودروسازی و کشتی‌سازی یکی از برندهای مطرح در دنیاست، با بهره‌گیری از تکنولوژی موتورهای وارتسیلا موفق به ساخت مولدهای مقیاس کوچک با تکنولوژی موتورهای رفت و برگشتی شده است. از جمله ویژگی‌های مولدهای هیوندای می‌توان به توان نسبتاً بالا و راندمان بالای آن‌ها اشاره کرد. شرکت MTU با بیش از ۱۰۰ سال سابقه تولید موتورهای دیزل - گازسوز-توربین و سلول‌های سوختی (Fuel Cell) از جمله معتبرترین سازندگان موتور در دنیاست. این شرکت هم‌اکنون با عنوان MTU Onsite در کشور آلمان و در شهر Friedrichshafen تامین‌کننده پیشرفته‌ترین موتورهای دیزل و گازسوز است که در شاخه گازسوز از ۱۱۹ تا ۱۹۴۸ کیلووات و دیزل ۲۰ تا ۳۲۰۰ کیلووات را دربرمی‌گیرد.

گواهی نامه‌های دریافتی توسط شرکت



گفت‌وگویی درباره نظام‌های پیشرفته‌ماله

پروفسور جلیلود: شرکت‌های ایرانی برای تحولات بازار آماده باشند

فرهنگ مدیریت ریسک در ایران باید به وجود بیاید

پویان فراستی



عکس: نینا مختار باف

پروفسور ابوالحسن جلیلود، رئیس دانشکده مدیریت لویولا در شیکاگو و دانشگاه دالهاوزی در کانادا بوده است. او با بیش از ۳۰ سال سابقه در کارهای اجرایی و مدیریتی، هشت هزار کیلومتر از واشنگتن تا تهران را آمده است تا بخشی از دانش و تجربه‌اش را به مدیران و کارشناسان شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و نیز فعالان علاقه‌مند به آشنایی بیشتر با نظام‌های پیشرفته مالی در اقتصاد امروز جهان منتقل کند. آنچه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی مشروحی است که گزارشگر ماهنامه خوارزم در محل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و در کنار کارگاه آموزشی سه‌روزه‌ای که به این منظور برپا شده بود، با پروفسور جلیلود انجام داد.

حضور شما در این کارگاه آموزشی برای گروه خوارزمی بسیار مغتنم است و هم‌چنین نشان‌دهنده این مسئله است که این شرکت به ارتقای سطح دانش همکارانش اهمیت می‌دهد، به‌عنوان سوال اول لطفاً کمی در رابطه با این کارگاه‌های آموزشی صحبت کنید.

به‌طور کلی این دوره‌ها به سه قسمت تقسیم شده است که قسمت اول آن در رابطه با مسائل ویژه سرمایه‌گذاری در ایران و در سطح جهان است که ما به‌طور کلی روی بورس اوراق بهادار تهران و بورس در سایر نقاط جهان مروری انجام می‌دهیم، هم‌چنین یک‌سری مدل‌های مدیریتی که امروزه در سطح جهان از آن‌ها استفاده می‌شود و کاربردهای این سیستم‌های مدیریتی را بررسی می‌کنیم و تا جایی که می‌توانم، سعی می‌کنم که مسائلی را که کاربردی است و در ایران مورد استفاده است، مطرح کنم. اما تمرکز قسمت دوم برنامه بیشتر روی کار مدیریت شرکت‌هاست. در این بخش به مسائل سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و به فاکتورهایی در مورد صدور اوراق قرضه شرکت‌ها توجه می‌کنیم. هم‌چنین مسئله نرخ بهره سرمایه و مدل‌هایی که این نرخ سرمایه را به وجود می‌آورند نیز بیان می‌شود و در نهایت در قسمت سوم که در تابستان سال آینده برگزار می‌شود، مسائلی را که مربوط به مدیریت ریسک و ترازنامه شرکت‌هاست، مطرح می‌کنیم و سعی می‌شود به شرکت خوارزمی کمک شود که برنامه مدیریت ریسک خود را پیاده کند. البته در حال حاضر هم الگویی برای مدیریت ریسک در این شرکت وجود دارد که سعی می‌کنیم آن را اصلاح و تقویت کنیم و به‌طور کلی فرهنگ مدیریت ریسک را در شرکت خوارزمی ترویج کنیم. هم‌چنین سعی می‌شود به‌طور مشخص و مستند شرکت‌هایی را که خود

من در آمریکا و کانادا به آن‌ها مشاوره داده‌ام، مثال بزنم تا افراد به‌طور کامل با قسمت کاربردی نظریه‌ها آشنا شوند.

پژوهش‌گران خارجی هم به این اطلاعات (دیتا) توجه پیدا کنند. برای مثال ۲۰ سال پیش، زمانی که چین به‌تازگی وارد بازار شد، هیچ‌کس از وضع اقتصادی و وضع بازارهای اوراق بهادار چین چیزی نمی‌دانست. به‌طور کلی چین تحت عنوان یک بازار در حال توسعه وارد صحنه جهانی شد و هزاران مقاله در رابطه با اقتصاد و امور مالی چین نوشته شد. به نظر من به خاطر فراهم بودن اطلاعات این اتفاق می‌تواند برای ایران نیز رخ دهد.

آیا شما پیش‌بینی می‌کنید که ایران هم در آینده رشد اقتصادی موفقی داشته باشد؟

هر مقدار که اطلاعات در مورد کار شرکت‌های ایرانی و کار بازارهای ایرانی زیاد شود و شرکت‌های خارجی آن‌ها را ببینند، باعث می‌شود که این شرکت‌ها متوجه نحوه برخورد و معامله با شرکت‌های ایرانی شوند و این مسئله‌ای است که در شرف وقوع است و امیدوارم که مذاکرات ۱+۵ نیز به نتیجه برسد که اگر این اتفاق رخ دهد، تجارت و تحقیقات بین ایران و سایر کشورها افزایش پیدا می‌کند.

آقای پروفسور، نحوه آشنایی شما با شرکت خوارزمی چگونه بوده است و چرا این شرکت را برای انتقال تجارب خود انتخاب کردید؟

من از طریق مکاتبات فرهنگی و آکادمیکی که با پروفسور صیدی-مدیرعامل گروه خوارزمی - داشتیم، با این شرکت آشنا شدم. در سال ۲۰۰۹ که من رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه لایولا بودم، ایشان در شیکاگو حضور داشتند و دانشکده ما از او دعوت کرد تا در رابطه با بانک‌داری اسلامی کنفرانسی بدهند و بعد از آن برنامه ما با یکدیگر آشنا شدیم. شرکت خوارزمی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران است و این مسئله

هر مقدار که اطلاعات در مورد کار شرکت‌های ایرانی و کار بازارهای ایرانی زیاد شود و شرکت‌های خارجی آن‌ها را ببینند، باعث می‌شود که این شرکت‌ها متوجه نحوه برخورد و معامله با شرکت‌های ایرانی شوند و این مسئله‌ای است که در شرف وقوع است و امیدوارم که مذاکرات ۱+۵ نیز به نتیجه برسد که اگر این اتفاق رخ دهد، تجارت و تحقیقات بین ایران و سایر کشورها افزایش پیدا می‌کند

از زمانی که بانک مرکزی در ایران توانست مقادیر زیادی اطلاعات (دیتا) به وجود بیاورد، باعث شد که تحقیقات در رابطه با ایران و این اطلاعات به صورت گسترده‌ای شروع شود، چراکه بدون اطلاعات (دیتا) امکان تحقیق نیست و این مسئله‌ای است که به‌تازگی در ایران راه افتاده است. بانک مرکزی این اواخر اطلاعاتی درباره سهام و شرکت‌ها می‌دهد و خیلی از پژوهش‌گران ایرانی الان شروع به تحقیقات در رابطه با ایران کرده‌اند. جالب می‌شود که

در انتخاب من تاثیر داشته است. البته من با شرکت‌های دیگری هم در ایران ارتباط داشته و کار کرده‌ام.

جناب عالی در یک رتبه‌بندی معتبر جزو صد نفر شخصیت برتر به لحاظ ترویج اخلاق تجاری شناخته شده‌اید. در حالی که گاهی این بحث مطرح است که بین اخلاق و تجارت چندان رابطه‌ای وجود ندارد! لطفا این مفهوم را توضیح دهید.

اخلاق تجاری مسئله‌ای است که در کشورهای توسعه‌یافته مسئله مهمی است. چون اگر بازارهای آمریکا و اروپا را در ۲۰ سال گذشته بررسی کنید، متوجه می‌شوید یک زمانی رفتار شرکت‌های بزرگ با حقیقت و واقعیت سروکاری نداشت. مثلا شرکت اندمال که در تگزاس بود و ورشکسته شد، شرکتی بود که در آن چیزی که ترازنامه آن نشان می‌داد، با رفتاری که از این شرکت سر می‌زد، اصلا ارتباط نداشت. به‌طور کلی به علت این‌که بین اطلاعاتی که در درون شرکت مطرح بود، با اطلاعاتی که سهام‌دار در اختیار داشت، تناسبی دیده نمی‌شد، این امر باعث فریب خوردن سهام‌داران شد. یعنی سهام‌دار بدون این‌که واقعیت را بداند، در این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کرد. در واقع این شرکت‌ها پشت سهام‌داران را خالی کردند و زمانی که ورشکست شدند، نه تنها بلیون‌ها دلار ارزش سهام از بین رفت، بلکه مقدار زیادی هم به فرهنگ تجارت لطمه زد و حالتی به وجود آورد که سهام‌دار اطمینانی به مدیریت شرکت نداشت و وقتی که سهام‌دار اطمینان نداشته باشد، سرمایه به وجود نمی‌آید و فعالیتی هم انجام نمی‌شود. مسئله بعدی این است که رفتار شرکت با جامعه‌ای که برای آن کالا را تولید می‌کند، مهم است. برای این‌که اگر جامعه کالایی را که شرکت تولید می‌کند خریداری نکند، شرکت دوامی نخواهد داشت. در نتیجه شرکت‌ها به تدریج به موضوعی تحت عنوان مسئولیت اجتماعی توجه کردند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به این معناست که این شرکت‌ها دپارتمان‌هایی دارند که کارش این است که اثر اجتماعی تولید و توزیع یک کالا را در اجتماع می‌سنجد. کار شرکت فقط این نیست که کالایی را تولید کند و آن را بفروشد، بلکه تاثیر این کالا در جامعه نیز مهم است. در دانشکده مدیریت دانشگاه لایولا ما به این مسئله خیلی اهمیت می‌دهیم و در تمام کلاس‌ها نه تنها دوره‌های مختلفی در رابطه با اخلاق تجاری داریم که همه دانشجویها باید در دوره لیسانس و فوق لیسانس این دوره‌ها را بگذرانند. برنامه‌هایی نیز داریم به نام رقابت‌های مشخص که در این رقابت‌ها ما هم به بالا بردن بازده و هم بالا بردن سطح کیفی جامعه توجه می‌کنیم. سازمانی در آمریکا هست که دانشکده‌های مدیریتی را از لحاظ اخلاقی تجاری رتبه‌بندی می‌کند و من زمانی که رئیس دانشکده شدم، رتبه ما ۶۲ در دنیا بود، اما سال آخری که من ریاست دانشگاه را بر عهده داشتم، رتبه ما ۱۲ بود، که این مسئله باعث شد من در آن رتبه‌بندی جزو ۱۰۰ نفر اول قرار بگیرم.

شفافیت‌سازی مالی به چه معناست؟

شفافیت مالی دو جنبه دارد؛ یک جنبه آن از نظر قانونی است که از این منظر شما باید یک‌سری مسائل را برای حسابرسی توضیح دهید و باید این مسائل را در سایت خود به اشتراک بگذارید. اما مسئله مهم‌تر مسئله اخلاقی تجاری است. یعنی حتی اگر قانون را هم رعایت کردید، شرکت مسئولیتی هم در قبال جامعه‌ای دارد که کالا را در آن توزیع می‌کند و این شفافیت از نظر تئوری‌های مالی باعث پیشرفت و رشد شرکت می‌شود. اخلاق تجاری با بالا بردن بازده مالی رابطه مستقیم دارد.

به نظر شما چشم‌انداز رشد اقتصاد در ایران و جهان با توجه به مسائل و چالش‌های موجود در

سال ۲۰۱۵ چگونه خواهد بود؟ بحث بحران‌های مالی را در این رابطه چگونه می‌بینید؟

اگر شما به گزارش‌هایی که هر سه ماه یک بار بانک جهانی منتشر می‌کند، توجه کنید، به‌طور کلی پیش‌بینی برای پایان سال ۲۰۱۴ این است که یک رشد اقتصادی در حدود ۳،۴ درصد در سطح جهانی پیش‌بینی شده است و در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی این است که این رشد ۳،۷ درصد خواهد بود. ولی البته زمانی که از سطح جهانی بیرون می‌آید، متوجه می‌شوید که این رشد به خیلی از کشورها وابسته است. در وضع فعلی به‌طور کلی کشوری که الان به‌سرعت و مستحکم است و تقریباً دنیا را با خودش جلو می‌برد، رشد اقتصادی آمریکا است که پیش‌بینی می‌شود که تقریباً ۲،۵ درصد در سال ۲۰۱۴ و حدود ۳ درصد برای سال ۲۰۱۵ رشد داشته باشد. رشد در اروپا و ژاپن پایین است و این خود خطری را به وجود می‌آورد و این خطر آن است که قیمت‌ها کاهش پیدا کنند. اگر اقتصادی استاندارد باشد، باید دو عامل داشته باشد. نخست این‌که این اقتصاد باید نرخ تورم بین ۲ تا ۳ درصد باشد و دوم، این اقتصاد باید از نظر نرخ بی‌کاری بین ۳ تا ۴ درصد باشد. اما امروزه در اروپا تورم ۰/۸ درصد است و در بعضی از کشورها مانند ایتالیا منفی است که این باعث یک فشار عمده می‌شود.

در خاورمیانه رشد بین ۳ تا ۴ درصد و در کشورهای در حال توسعه بین ۴ تا ۵ درصد است. هند و چین رشد ۵ تا ۷ درصدی دارند. اما به‌طور کلی ریسک‌های مختلفی در سطح جهان است. بازار اوراق بهادار برای کشورهای توسعه‌یافته خیلی خوش‌بینانه رفتار کرده است. در صورتی که پیش‌بینی می‌شود که این بازارها امکان دارد به شدت از رونق بیفتند. البته این تاثیر عمده‌ای در توسعه اقتصادی دنیا خواهد داشت. مسئله دیگری که وجود دارد، این است که بانک مرکزی آمریکا با مشاوره دادن به بانک‌های مرکزی سایر کشورها در ظرف چند سال گذشته به‌طور کلی با نگر داشتن نرخ بهره در سطح پایین، به استقلال کاری در دنیا کمک کرده است. اما از ماه گذشته بانک مرکزی آمریکا این برنامه را به خاطر این‌که فکر می‌کرد باعث تورم می‌شود، کنار گذاشت، یعنی سیاستی را که نرخ اوراق بهادار را پایین نگه می‌داشت، دنبال نخواهند کرد. مشکلاتی که در خاورمیانه است و مشکلات روسیه و اوکراین و هم‌چنین تغییرات اخیر قیمت نفت باعث نوسانات در بازار می‌شود. بر همین اساس به نظر می‌آید که در سال ۲۰۱۵ تنش و نوسان در بازارها بیشتر خواهد شد.

گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی یک برنامه بلندمدت و چشم‌اندازی هفت ساله دارد. به نظر شما به‌طور کلی با توجه به وضعیت اقتصاد، آیا شرکت‌ها می‌توانند برنامه‌های بلندمدت داشته باشند؟

طبیعتاً به عمل رساندن برنامه‌های بلندمدت در اقتصادهایی که مشکل دارند، سخت‌تر خواهد بود، اما در اقتصاد آمریکا هم انتقادی که از شرکت‌ها می‌شود، این است که هیچ‌کدام از این شرکت‌ها بلندمدت فکر نمی‌کنند. من فکر می‌کنم کاری که شرکت

خوارزمی انجام می‌دهد، بسیار قابل ستایش و در حد شرکت‌های پیشرفته است که یک برنامه بلندمدت برای خود ترسیم کرده‌اند و کاری که این شرکت باید انجام دهد، این است که مدیریت ریسک را با جدیت عملیاتی کند.

با توجه به تحریم‌ها، شرکت‌های حاضر در بورس باید چه تدابیری را انجام دهند که ضربه نخورند؟

شرکت‌های بورسی ایران به خاطر تحریم‌ها دچار مشکلاتی هستند، اما ایران هنوز به کشورهای خارجی رابطه دارد و خیلی از شرکت‌ها در حال کار کردن با این کشورها هستند. به نظر من این مذاکراتی که در حال انجام است، به نتیجه خواهد رسید و به نظر من مهم‌ترین کاری که شرکت‌ها باید انجام دهند، این است که خود را آماده کنند. زیرا اگر این مذاکرات پیشرفت کرد، تقاضا برای معامله با شرکت‌های ایرانی بسیار زیاد می‌شود و شرکت‌هایی که پیش‌تر فکر نکرده‌اند، دچار مشکل می‌شوند. الان به نظر من یکی از مهم‌ترین کارهایی که شرکت‌ها باید انجام دهند، این است که باید بررسی کنند که چگونه خود را با این شرایط هماهنگ کنند. برای این‌که شرکت‌های خارجی در انتخاب شرکای خود صبر نخواهند کرد.

جناب پروفیسور، کارگاه‌های شما در رابطه با شناخت نظام‌های پیشرفته مالی بوده است. شاخص‌های یک نظام پیشرفته مالی چیست؟

به هر شرکتی که نگاه کنید، از لحاظ شاخص‌های مالی چندین جنبه متفاوت دارد که باید به آن دقت کرد. اول آن‌که شرکت باید سرمایه‌گذاری صحیح انجام دهد. سرمایه‌گذاری شرکت دو جنبه دارد؛ یکی سرمایه‌گذاری در کارهایی است که آن شرکت عملاً انجام می‌دهد و یک قسمت دیگر سرمایه‌گذاری در بخش نوآوری‌هاست. شرکت باید منابعی را که به آینده خود اختصاص داده است، مشخص کند. مسئله بعدی این است که شرکت باید مشخص کند چه مقدار بدهی دارد و چه مقدار از سرمایه‌اش را باید از طریق سهام و چه مقدار را از طریق صدور اوراق قرضه به دست آورد. باید یک توازن مشخصی وجود داشته باشد. هر چه نرخ بهره سرمایه پایین بیاید، بازده سرمایه‌گذاری شرکت بیشتر می‌شود و ارزش دارایی‌های شرکت بالا می‌رود. شرکت باید یک مدیریت ریسک قوی داشته باشد. شرکت باید توجه کند که کارکنان بدنه اصلی شرکت هستند و باید به حل مشکلات آن‌ها کمک کند و بازدهی آن‌ها را بالا ببرد.

مدیریت ریسک به چه معناست؟

شما در هر شرکتی که هستید، باید ببینید که ریسک‌هایی که در مقابل شما قرار دارد، چیست؟ سپس مشخص می‌کنید چه قدم‌هایی باید در مواجهه با این ریسک‌ها برداشت. وقتی که ریسک را مهار کنید، در نتیجه درآمدی که بر اساس ریسک پایین‌تر و کمتر پیدا می‌کنید، ارزش بیشتری برای شما به وجود می‌آورد.



سخنرانی پروفیسور ابوالحسن جلیلود در نشست تخصصی

نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک

به همت مرکز مالی ایران، شرکت سمات و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

مدیریت ریسک رشته جدیدی است که احتیاج به معلومات اقتصادی، آمار، مدیریت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد و باید با تمام ریسک‌هایی که ممکن است شرکت‌ها با آن‌ها برخورد کنند، آشنا شد. باید ریسک‌هایی را که ممکن است خطر باشند و آن‌هایی را که فرصت است، شناسایی کرد.

پروفیسور جلیلود در ادامه گفت: «هر ریسکی بد نیست. برای این که هر شرکتی که نخواهد ریسک قبول کند و نرخ سود سرمایه هر شرکت برابر نرخ اوراق بهادار دولتی باشد، یعنی در واقع معادل نرخ بدون ریسک حرکت خواهد کرد. شما اگر ریسک نکنید، نرخ بهره‌ای نخواهید داشت.

در نتیجه وقتی درباره ریسک صحبت می‌کنیم، باید تمام جوانب را در نظر گرفت. اما اگر شرکتی برنامه مدیریت ریسک موثری نداشته باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ یکی از اتفاقات این است که ندانید چه خطری شما را تهدید می‌کند و وقتی با آن مواجه می‌شوید، نمی‌دانید چه تصمیمی باید بگیرید. مثلاً شما شرکت کدک را در نظر بگیرید. آن‌ها این واقفیت را که سیستم آنالوگ دیگر کاربرد ندارد، به‌عنوان خطری جدی در نظر نگرفتند. هنگامی که خواستند سیستم دیجیتال را وارد شرکتشان کنند، دیگر دیر شده بود. مسئله دیگر این است که اگر ریسک نداشته باشیم، اعتبار شما پایین می‌آید و سودآوری شما کم می‌شود.»

پروفیسور جلیلود در ادامه عنوان می‌کند که در دانشگاه شیکاگو به دانشجویان توصیه می‌کند همیشه هنگام مصاحبه برای اشتغال ببینند شرکتی که می‌خواهند در آن مشغول به کار شوند، چقدر به مدیریت ریسک اهمیت می‌دهد؟ زیرا پاسخ به این سوال نشان می‌دهد که یک شرکت تاچه اندازه به بقای خود اهمیت می‌دهد.

او در خصوص زبان‌های ضعف مدیریت ریسک در اقتصاد کشورها گفت: «اقتصاد آمریکا در دهه قبل نتوانست پیش‌بینی کند قیمت املاک در این کشور خیلی بالاتر از آن چیزی است که باید باشد و حتی قیمت‌ها در این بازار را به کمک بانک مرکزی بالا بردند. آن‌ها این پیش‌بینی را نکردند بازاری که ۴۰ تا ۵۰ درصد اقتصاد آمریکا را تأمین می‌کند، اگر با رکود و ورشکستگی مواجه شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ همین مسئله ممکن است در چین اتفاق بیفتد. وقتی در دهه ۸۰ تمام شرکت‌های صاحب تکنولوژی شکست خوردند، کسی این سوال را مطرح نکرد که شرکتی که اصلاً منفعتی ندارد، چرا چهار بیلیون دلار ارزش دارایی آن اعلام می‌شود؟»

پروفیسور جلیلود در پایان نقش مدیریت ریسک در بازار کار را مهم دانست و با ذکر مثال‌هایی از موفقیت شرکت‌های بزرگی یاد کرد که مدیریت ریسک را به‌درستی به اجرا درآوردند.



خاورمیانه که ۲/۷ درصد در سال ۲۰۱۴ و ۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۵ خواهد بود، اشاره می‌کند که آن هم بستگی به مسائل ژئوپولیتیکی و قیمت‌های نفت دارد. پروفیسور جلیلود در خصوص اقتصاد آمریکا نیز گفت: «پیش‌بینی می‌شود رشد در آمریکا ۲/۲ در ۲۰۱۴ و ۲/۲ در ۲۰۱۵ باشد بانک مرکزی این کشور سیاستی را که با خرید اوراق قرضه دولتی نرخ بهره را پایین نگه می‌داشت، کنار گذاشته است، زیرا به این نتیجه رسیده‌اند که تولیدات داخلی به حدی است که اگر نرخ بهره را پایین نگه دارند، به تورم می‌انجامد.»

او اقتصاد ژاپن را به دلیل کاهش قیمت‌ها در این کشور دارای مشکل می‌داند. براساس برآوردهای بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۱۴، معادل ۱/۵ درصد و در سال ۲۰۱۵، ۲/۳ درصد رشد اقتصادی خواهد داشت، که اگر مذاکرات هسته‌ای روندی مثبت را طی کند، این رشد بیشتر نیز خواهد بود. پروفیسور جلیلود می‌گوید که نباید به این درصدها بیش از حد خوش‌بین بود، زیرا اگر سازمان‌هایی چون بانک جهانی با نامیدی به تشریح وضعیت اقتصادی دنیا بپردازند، شاهد کاهش سهام شرکت‌های بزرگ در بورس خواهیم بود.

مدیریت ریسک و اهمیت آن شرکت‌ها

پروفیسور جلیلود سپس به نقش پراهمیت مدیریت ریسک و فرصت‌هایی که می‌تواند در موفقیت شرکت‌ها ایجاد کند، اشاره کرد و این‌گونه توضیح داد: «باوجود این که همه می‌دانند مدیریت ریسک مسئله مهمی است، اما هنوز نمی‌توانند خودشان را با این ضرورت وفق بدهند. در چند سال گذشته طی بررسی از تعداد بسیاری از شرکت‌ها، از مدیران ارشد آن‌ها پرسیدند برخورد و برداشت آن‌ها با مقوله مدیریت ریسک چگونه بوده است. مدیران ارشد در جواب گفتند در پنج سال گذشته حداقل سه مسئله مهم اتفاق افتاده که آن‌ها فکر نمی‌کردند این موضوعات امکان روی دادن داشته باشد. که این امر نشان می‌دهد آن‌ها آمادگی این را که مشخص کنند چه اتفاقاتی ممکن است بیفتند، نداشتند و زمان برای حل مسائل بسیار دیر بوده است.» از نظر او

شیوه‌های نوین سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک و هم‌چنین نوآوری‌ها در این زمینه در عرصه اقتصاد جهانی، موضوعاتی بود که در نشست تخصصی مرکز مالی ایران با همکاری شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و سمات با حضور و سخنرانی پروفیسور ابوالحسن جلیلود مورد بررسی قرار گرفت. پروفیسور جلیلود در این نشست از اهمیت بسزای مدیریت ریسک در پیشبرد اهداف شرکت‌ها و موفقیت سرمایه‌گذاری آن‌ها به تفصیل سخن گفت.

عنوان اصلی این نشست تخصصی «چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک» بود.

این نشست تخصصی که ۱۱ آذرماه سال جاری برگزار شد، با استقبال قابل توجه مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مدیران کارگزاری‌ها، مدیران ارشد بورس‌های انرژی و کالا و... روبه‌رو شد. دکتر حجت‌الله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، علی نقوی مدیرعامل مرکز مالی ایران، حامد سلطانی‌نژاد مدیرعامل شرکت سمات و دکتر عنایت مدیرعامل کارگزاری پارسیان از جمله چهره‌های شناخته‌شده حاضر در این نشست تخصصی بودند.

سخنان پروفیسور جلیلود اما در این نشست تخصصی در دو بخش «چشم‌انداز اقتصاد جهان» و «نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک» ارائه شد و سخنران در پایان نیز به سوال‌های حاضران پاسخ گفت.

وضعیت پیش روی اقتصاد جهان

پروفیسور جلیلود در ابتدا ضمن تشکر از دکتر حجت‌الله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، در ایجاد فرصت برای گفت‌وگو در رابطه با اقتصاد بین‌المللی و مدیریت ریسک شرکت‌ها، به پیش‌بینی وضعیت اقتصادی دنیا در سال پیش‌رو و وضعیت برخی ممالک جهان پرداخت و گفت: «به نظر بانک جهانی رشد اقتصادی در دنیا در سال ۲۰۱۵ ادامه خواهد داشت، ولی یکنواخت نخواهد بود و بستگی دارد در چه منطقه‌ای باشید. زیرا فاکتورهایی که تأثیرگذار هستند، متفاوت خواهد بود. رشدی که اتفاق خواهد افتاد، رشدی است که کشورهای توسعه‌یافته به وجود می‌آورند. این امر در کشوری مثل آمریکا بیشتر و در کشورهایی مثل روسیه و برزیل کمتر خواهد بود، که یکی از دلایل آن در رابطه با روسیه تصمیم اوپک برای تولید پایین نفت و فروش نفت آن و افت سه درصدی ارزش پول کشور روسیه است. در خاورمیانه رشد اقتصادی بالا خواهد بود، ولی کمتر از آن چیزی است که پیش‌بینی می‌شد. این اطلاعات تماماً از گزارش‌های بانک جهانی که هر سه ماه یک بار به‌روز می‌شود، استخراج شده است.» او با توجه به رشد اقتصادی چهار تا پنج درصدی چین و هند به رشد در

صندوق بین‌المللی پول چگونه و چرا تاسیس شد؟

است. هرچند که چنین تحلیلی هیچ‌گاه نتوانسته است آن‌طور که باید جای خود را در میدان عمل باز کند، اما همواره بهانه‌ای بوده است تا صندوق بین‌المللی پول در برخی از اقتصادهای ملی باوجود آن‌که از فهرست خدمات مالی‌اش استفاده می‌شده، اما هم‌زمان مورد هجوم نیز قرار گیرد. در ایران نیز چنین چیزی بارها تجربه شده، به نحوی که شاید بتوان گفت همه گروه‌های سیاسی زمانی که مدیریت توسعه را در اختیار داشته‌اند، به سمت برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول متمایل شده‌اند، یا حتی از این صندوق برای تنظیم شرایط مالی کشور استفاده کرده‌اند، اما در مقطعی دیگر سبک معماری این صندوق را به دلیل نزدیکی با ایده‌های توسعه در کشورهای صاحب ثروت، محکوم کرده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت صندوق بین‌المللی پول هم تعیین‌کننده بسیاری از مناسبات بوده و هم به باور گروه زیادی از فعالان اقتصادی و سیاسی در دوره‌های مختلفی از تاریخ توسعه بعد از جنگ جهانی به ویران‌گری اقتصادهای ملی متهم شده است. به‌طور شفاف اندیشمندان زیادی بودند که صندوق بین‌المللی پول

را به تروریسم مالی متهم می‌کردند و همواره بر این باور بودند که صندوق با فشار زیاد بر کشورهای که از وام‌های آن استفاده می‌کنند، آن‌ها را مجبور می‌کنند تا برنامه‌های نئولیبرال یا ابراقتدارهای اقتصادی و سیاسی را اجرا کنند. این فضا برای صندوق بین‌المللی پول می‌تواند تا حد زیادی منحصر به فرد باشد. در اصل صندوق بین‌المللی پول وظیفه دارد در زمینه مسائل پولی و رفع محدودیت‌های ارزی، تثبیت نرخ‌های ارز و تسهیل کارکرد نظام پرداخت‌های چندجانبه (بین کشورهای عضو) فعالیت کند. همه کشورهای عضو سازمان ملل به جز چین و کوبا عضو این صندوق هستند. کوبا در دهه ۶۰ میلادی این صندوق را ترک کرد و چین ظاهراً در دهه ۸۰ از عضویت در این صندوق اخراج شده است.

در شناسنامه این صندوق که انتشار عمومی دارد، اهداف زیر عنوان شده است:

ایجاد همکاری مالی بین‌المللی از طریق یک نهاد ثابت که ابزار لازم برای مشاوره و تشریح مساعی در مشکلات مالی جهانی را فراهم می‌آورد.

ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه و تعدیل تجارت جهانی و همکاری در جهت پیشبرد و حفظ بازار کار و درآمدهای حقیقی و نیز توسعه منابع درآمدزا برای تمام اعضا به‌عنوان هدف اساسی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی.

تقویت ثبات در بازار تبدیل ارز و حفظ نظام یک‌پارچه در مبادلات ارزی میان اعضا و نیز اجتناب از افت ارزش ارز به دلیل رقابت‌های نادرست در بازار جهانی.

به‌طور خلاصه، هدف اصلی تشکیل این صندوق ارتقای میزان همکاری مالی، جلوگیری از فقر، کمک به رشد اقتصادی و بازار کار در سطح بین‌المللی و ایجاد تسهیلات مالی برای کشورهای است.

اقتصاد جهانی نیاز به سرمایه‌های بزرگ دارد که در آن روزگار به دلیل هزینه‌هایی که جنگ داشت، این سرمایه‌ها فقط در آمریکا وجود داشت. برای همین آمریکایی‌ها در برتن وودز دنبال این بودند که تغییر نظام مالی جهان حتماً به نفع منافع آمریکایی باشد. شاید در آن روزگار این واقعیتی محض بود، چون ایالات متحده در حال ایفای نقش منجی جهان در پروژه دفع نازیسم بود و از سوی دیگر نیز قدرت اقتصادی بزرگی نیز در اختیار داشت. در نهایت در برتن وودز، سه کمیسیون اصلی شکل گرفت که موضوع تاسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای جهان در هر یک از این کمیسیون‌ها بررسی می‌شد. کمیسیون اول شکل گرفتن صندوق بین‌المللی پول را نهایی کرد که از سال ۱۹۴۷ عملاً فعالیت خود را آغاز کرد. در این کمیسیون

شاید بتوان گفت تاریخ نوین توسعه در جهان به‌طور مشخص از پایان جنگ جهانی دوم، یعنی از سال ۱۹۴۵ یا ماه‌های آخر دومین جنگ جهانی آغاز شده است، چون ریشه همه دستاوردهای توسعه جهانی به همان سال‌ها برمی‌گردد. یعنی سال‌هایی که به واسطه شش سال جنگ، به کابوسی برای تمام شهروندان جهان تبدیل شده بود. با فروکش کردن آتش جنگ جهانی دوم، اندیشمندان آن روزگار، بر بازسازی چرخ توسعه در کشورهای درگیر جنگ و همچنین احیای دوباره مرادوات بین‌المللی متمرکز شدند. برای این منظور ایالت نیوهمپشایر آمریکا نخستین جایی بود که به مرکز دنیا تبدیل شد. در سال ۱۹۴۴ که هنوز جنگ جهانی دوم به پایان نرسیده بود و همچنان آتش‌افروزی‌های ناشی از جنگ شاخص‌های جهانی توسعه را ویران می‌کرد، نمایندگان ۴۴ کشور جهان در نیوهمپشایر و در هتل تفریحی بزرگی در منطقه برتن وودز دور یکدیگر جمع شدند تا نقشه راه توسعه را برای آینده جهان ترسیم کنند. ایران نیز یکی از همین کشورها بود. نکته جالب این خاطره جهانی این است که در آن کنفرانس، جان مینارد کینز (نماینده بریتانیا) و هری دکستر وایت (نماینده آمریکا) نیز حضور داشتند. کینز هنوز هم نام بزرگی

در تاریخ اقتصاد محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اقتصادی دارد. کینزین‌ها به تبعیت از اندیشه‌های جان مینارد کینز تا سال‌ها در جریان اقتصاد جهانی حضور داشتند و اندیشه‌های آن‌ها حامیان پروپاقرصی داشت. هنوز هم کینز و اندیشه‌های او فراموش نشده‌اند. در کنفرانس برتن وودز تنها کشوری که حضور نداشت، اتحاد جماهیر شوروی بود. البته در سال‌های جنگ جهانی دوم و در کنفرانس

تهران تحلیل‌گران زیادی به این نتیجه رسیده بودند که آمریکایی‌ها با توجه به ساختارهای قدرت در دنیای آن روز ترجیح می‌دهند به جای انگلیس در کنار شوروی بنشینند، اما در برتن وودز، دکستر وایت نشان داد که برای بازسازی معادلات جهان آینده گفت‌وگو با کینز، نماینده بریتانیا را ترجیح می‌دهد. هرچند که در نهایت، نزاع اندیشه‌ای میان کینز و وایت به دلیل قدرت سیاسی آمریکا (که وایت نمایندگی‌اش می‌کرد) به نفع وایت تمام شد. اما این دو برای همیشه به نماد نیوهمپشایر در تاریخ جهانی توسعه تبدیل شدند. کینز معتقد بود باید هرچه سریع‌تر و با استفاده از روش‌های عقلانی سطح نوسان در نرخ برابری ارزها را کاهش داد. به باور او با این اتفاق منابع بین‌المللی به آسودگی می‌رسند. او نخستین راهبردی را برای رسیدن به طرحش تهیه یک پول بین‌المللی به نام «بانکور» می‌دانست و هم‌چنین پیشنهاد داد همه کشورهای برای ذخیره بانکور صندوق ذخیره پولی ایجاد کنند. وایت آمریکایی اما به‌خاطر قدرت آمریکا توانست کینز را در وودز کنار بزند. او می‌گفت که هر تغییر یا اصلاحی در شبکه

صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول بعد از کنفرانس برتن وودز و در سال ۱۹۴۷ فعالیت خود را آغاز کرد و همواره نیز در مناسبات اقتصادی جهان حضور داشته است. از روزی که این صندوق توانست در فعل و انفعالات اقتصادی ملی نیز خود را نشان دهد، همواره فعالیت‌های آن یا مورد تایید بوده است یا از سوی برخی ایده‌های اقتصادی به این امر متهم می‌شده که جاده بهره‌برداری کشورهای قدرتمند اقتصادی از کشورهای حاشیه‌ای را هموار کرده



گزارش نوآوری و خلاقیت در اقتصاد کشورها

این رده‌بندی وضعیتی شبیه ایران دارند، کشورهای هندوراس، مالی، زامبیا، ونزوئلا و تانزانیا هستند. بهترین کشورهای دنیا از نظر شاخص نوآوری جهانی کشورهای سوئیس، انگلستان، سوئد، فنلاند و هلند هستند. در این رده‌بندی آمریکا در جایگاه ششم، سنگاپور در جایگاه هفتم و هنگ‌کنگ در جایگاه دهم قرار گرفته است. چین که دومین اقتصاد بزرگ دنیاست، از نظر شاخص جهانی نوآوری در جایگاه بیست‌ونهم قرار گرفته است و مالزی هم در این رده‌بندی جایگاه سی‌وسوم را به خود اختصاص داده است.

بر اساس این گزارش، شاخص جهانی نوآوری کشور امارات متحده عربی برابر با ۰,۷۵ و امتیاز این کشور برابر با ۴۳,۲ بوده است. امارات در میان کشورهای خاورمیانه بهترین جایگاه را از نظر شاخص جهانی نوآوری دارد. روسیه چهل‌ونهمین کشور دنیا از نظر شاخص جهانی نوآوری است و آفریقای جنوبی پنجاه‌وسومین کشور فهرست است و شاخص جهانی نوآوری این کشور برابر با ۰,۶۳ است.

ترکیه در این رده بندی در جایگاه پنجاه‌وچهارم دنیا قرار گرفته است و جمهوری آذربایجان یکصدویکمین کشور این فهرست است. سه کشور آخر این فهرست کشورهای یمن، توگو و سودان هستند که شاخص جهانی نوآوری در این کشورها کمتر از ۰,۰۱ است. بررسی نحوه فعالیت منحنی اقتصاد در همه این کشورها نشان می‌دهد که آن‌ها از چند اصل مشترک تبعیت کرده‌اند. به عبارتی در همه این کشورها بخش خصوصی وجود دارد و به شکل ویژه‌ای برای بسط سرمایه‌گذاری‌های مولد مورد حمایت قرار می‌گیرد. شرکت‌های سرمایه‌گذاری به‌سادگی فعالیت می‌کنند و با ناهنجاری‌های اقتصاد مواجه نیستند. نهادها و تشکلهای مردمی و یا سمن‌ها نیز در این میان کارکرد مناسبی دارند. در واقع همه چیز مهیاست تا برای افزایش قدرت رقابت، نوآوری و خلاقیت شکل بگیرد.

باید ارتباط دانشگاه و صنعت نزدیک شود، اما هنوز موفقیت‌های مطلوب در این زمینه حاصل نشده است. در این گزارش به‌وضوح آمده است که نیروی انسانی اگر امکان بروز خلاقیت داشته باشد، می‌تواند بهترین ابزار در رشد اقتصادی باشد. به عبارتی نیروی انسانی می‌تواند ارزشی به‌مراتب بیشتر از پول و درآمد داشته باشد، چون نوآوری نیروی انسانی مسیر ورود حجم بیشتری از پول و استفاده کارآمد از آن را هموار می‌کند. در تهیه این شاخص هم‌چنین پنج فاکتور از اقتصاد ملی با عناوین «موسسات»

ایران باید جایگاه خود را در این عرصه بهبود ببخشد بر اساس یک سنت قدیمی هر سال سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) گزارشی منتشر می‌کند که در آن گزارش وضع کشورهای مختلف جهان به لحاظ نوآوری در اقتصاد مشخص است. امسال نیز این گزارش منتشر شده و در اختیار رسانه‌های مختلف قرار گرفته است. بر اساس آخرین پژوهش این سازمان ایران در میان ۱۴۳ کشور جهان به لحاظ شاخص نوآوری در جایگاه ۱۲۰ ایستاده است. اما حالا نوآوری از منظر این سازمان چه معنایی دارد.

پژوهش‌گران این سازمان بر این باورند که هر کشوری صاحب سطحی از فعالیت‌های خلاقانه و ارائه نوآوری در حوزه اقتصاد است که این خلاقیت و نوآوری می‌تواند کمک بزرگی برای بهتر حرکت کردن توسعه و رقابت‌پذیری در دنیای اقتصاد باشد. با این تعریف در واقع می‌توان گفت که ایران از حیث نوآوری و خلاقیت در روند مطالعه منش‌های اقتصادی، وقتی در جایگاه ۱۲۰ قرار می‌گیرد، در واقع اوضاع مطلوبی ندارد و نمی‌تواند حرفی جدی برای گفتن در جریان نوآوری‌های اقتصادی داشته باشد. بدون شک پتانسیل‌های زیادی در توسعه ایران وجود دارند، که اگر خوب مدیریت

می‌شدند، می‌توانستند امروز جایگاه ایران را در این جدول ارتقا دهند. کارشناسان بر این باورند که نزدیک کردن دانشگاه به محیط‌های صنعتی نقش زیادی در تقویت این نوآوری و خلاقیت دارد. یعنی همان چیزی که سالیان دراز است مدیران رسمی اقتصاد از آن سخن می‌گویند و بر این باورند که



«سرمایه‌های انسانی و مطالعات»، «زیرساخت‌ها»، «پیچیدگی‌های بازار» و درنهایت «پیچیدگی‌های فضای تجاری» که باعث تسهیل فعالیت‌های نوآورانه در کشور می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص بین صفر تا یک در نظر گرفته شده است. شاخص نوآوری در ایران برابر با ۰,۱۶ و امتیاز نوآوری در این کشور برابر با ۲۶,۱ بود. امتیاز نوآوری کشور سوئیس که اولین کشور از نظر شاخص نوآوری جهانی بوده است، برابر با ۶۴,۸ و شاخص جهانی نوآوری این کشور برابر با یک بود. کشورهای دیگری که در



ارزیابی نقش دانایی محوری در مدیریت و ارتقای سطح توسعه‌مندی سازمان در گفت‌وگو با نادر هوشمندیار



دانایی، سرمایه کلیدی برای توسعه و نوآوری است

در خصوص نحوه اجرا و پیاده‌سازی این شکل از مدیریت در سازمان‌ها و ارتباط آن با واحدهای تحقیق و توسعه صحبت کردیم. هوشمندیار دارای دکترای توسعه مدیریت اقتصاد سیاسی از دانشگاه داندی انگلیس و دارای مدرک M.Phil در رشته توسعه سیاسی و اقتصادی از دانشگاه برادفورد انگلیس است. او معتقد است: «برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز مدیریت دانایی ما نیازمند نوعی فرهنگ سازمانی هستیم که اعضای خود را برای ایجاد و تسهیم دانش تشویق کند.»

مدیریت دانایی یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در دنیای امروز مورد توجه قرار گرفته است. در این شکل از مدیریت بخش‌های زیادی از هر سازمان ایفای نقش می‌کنند، اما بخش تحقیق و توسعه جدی‌ترین مسئولیت در اجرای این طرح را برعهده دارد. از سوی دیگر اجرای این طرح با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌روست که هنوز راه زیادی برای حل آن‌ها پیش روی کارشناسان و سازمان‌های درگیر در این حوزه است. در این شماره با دکتر نادر هوشمندیار

جنگ جهانی دوم فعالیت‌های تحقیق و توسعه عموماً در صنایع نظامی آمریکا، اروپا و ژاپن، متمرکز بودند. اما بعد از آن پیشرفتی که در ایالات متحده اتفاق افتاد، فقط از طریق سرمایه‌گذاری روی نتایج به‌دست‌آمده از فعالیت‌های تحقیق و توسعه زمان جنگ بود. این پیشرفت به گونه‌ای بود که به حجم فعالیت‌های تحقیق و توسعه افزوده شد و در نتیجه بهبود فزاینده محصولات را به همراه داشت. یکی از مهم‌ترین تعاریفی را که از تحقیق و توسعه شده، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، عنوان کرده که تحقیق و توسعه را انجام کارهای خلاق و ابتکاری می‌داند که بر اساس یک روش اصولی و نظام‌مند صورت پذیرفته است و از نتایج آن به منظور افزایش گنجینه دانش انسانی، فرهنگی، اجتماعی و ابداع کاربردهای جدید استفاده شود. در این میان تعاریف دیگری هم هست که از حوصله این بحث خارج است.

درست است که ما در حال حاضر شاهد پنجمین نسل تحقیق و توسعه در واحدهای صنعتی و خدماتی هستیم؟

بله، بدون شک و به‌طور خلاصه می‌توانیم این پنج نسل را این‌گونه تعریف کنیم. در نسل اول، به دلیل این‌که انجام عملیات تحقیق و توسعه در استراتژی اصلی، به عنوان فعالیت غیرقابل پیش‌بینی محسوب می‌شد، عملکرد این واحد، هزینه اضافی به حساب می‌آمد. از سوی دیگر ساختار مدیریتی آن به صورت سازمان سنتی و سلسله‌مراتبی عملیات بود. هم‌چنین هنوز پیشرفت زیادی در تکنولوژی اطلاعات دیده نمی‌شد و امکان دسترسی به کامپیوتر زیاد فراهم نبود. بنابراین در این دوران، «تکنولوژی» به‌عنوان نوعی دارایی که باید مدیریت شود، از اهمیت برخوردار بود.

نسل دوم، بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ بود که در طی این سال‌ها بخش‌های تحقیق و توسعه رابطه خود را با سایر بخش‌های کسب‌وکار شروع کردند و این عامل سبب تقویت افزایش وابستگی، همکاری و ارتباط بیشتر در بخش‌ها و واحدهای کسب‌وکار از طریق سطوح مختلف تکنولوژی شد.

در نسل سوم که در سال ۱۹۸۰ بود، رهبران تحقیق و توسعه سعی کردند ارتباطی رسمی با واحدهای کسب‌وکار ایجاد کنند و این کار از طریق بهره‌گیری از ادغام کسب‌وکار و

قطعاً هدفی جز تسهیل در تولید محصولات جدید از طریق ایجاد دانش نخواهند داشت. می‌دانیم که اهمیت مدیریت دانایی به‌وضوح مشخص شده، بنابراین باید بتوانیم مدل جامعی از عوامل مختلف مرتبط با فعالیت‌های تحقیق و توسعه ارائه دهیم. بهترین راه برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز مدیریت دانایی در سازمان‌های تحقیق و توسعه، این است که خصوصیات ویژه فعالیت‌های تحقیق و توسعه، مطالعه و در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد برای دستیابی به هدف تحقیق و توسعه مجازی سازمان‌ها باید مواردی را رعایت کنند، مثل:

ارزشمندی، اهمیت و اثربخشی تحقیق و توسعه در سازمان‌ها، این فرصت را به محققان داد تا مدیریت دانایی را به‌عنوان عاملی در سازمان‌های تحقیق و توسعه بدانند؛ عاملی که در اثر آن شکوفایی و حیات سازمان هم تضمین می‌شود.

توجه مجدد فرایندهای کسب‌وکار داشتن دیدگاهی جدید نسبت به نیروهای خلاق هم‌راستاسازی روش‌های سابق تحقیقات با تفکرات جدید تاکید بیشتر بر تکنولوژی‌های کامپیوتر و مخابرات و فناوری اطلاعات

به‌طور کلی تحقیق و توسعه را چگونه می‌توان تعریف کرد؟

مفهوم تحقیق و توسعه، از آغاز سده بیستم به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. قبل از آن، تنها معدودی از موسسات خصوصی، خدماتی را برای صنایع انجام می‌دادند. قبل از

آقای دکتر، امروزه مدیریت دانایی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای توانمندسازی سازمان‌ها به کار می‌رود، این مدیریت در سازمان‌ها دامنه وسیع و اشکال متفاوتی دارد، اما هنوز استفاده از راهکارهای این شکل مدیریت در ایران با چالش‌های فراوانی روبه‌روست. دلیل این عدم استفاده صحیح چیست؟

دلیل اصلی می‌تواند این باشد که بسیاری از اوقات سازمان‌ها بدون درک صحیح مشکلات و معضلاتی که دارند و هم‌چنین تلاش و بسترسازی مناسب برای حل آن‌ها، از راه‌حل‌های مبتنی بر دانایی استفاده می‌کنند. این کار نه‌تنها امتیازی برای سازمان ایجاد نمی‌کند، بلکه هزینه‌های گزافی هم بر سازمان تحمیل می‌کند. شناسایی مشکلات واقعی در سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین مراحل به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت دانایی است. البته برای تجزیه و تحلیل چالش‌هایی که فراروی سیستم‌های مدیریت دانایی هستند، بازار دانایی یکی از بهترین ابزارهاست. بازار دانایی از اوایل قرن حاضر به صورت گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت. در این رویکرد دانایی به‌عنوان کالای گران‌قیمتی در نظر گرفته می‌شود و آن‌چه در این خصوص انجام می‌شود، یک‌سری از تحلیل‌های شبیه‌سازی شده از تحلیل‌های اقتصادی است. و یکی از مراکز مهم دانایی‌محور در هر سازمانی که از این عنصر به‌عنوان اصلی‌ترین مولفه در فرایندهای خود استفاده می‌کند، واحد تحقیق و توسعه است. بنابراین بررسی چالش‌های فراروی سیستم‌های مدیریت دانایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌ها در مدیریت امروز، امری حیاتی و کلیدی به حساب می‌آید.

آیا می‌توان مدیریت دانایی را به‌عنوان عاملی کلیدی جهت باروری و ظهور خلاقیت در سازمان‌های تحقیق و توسعه دانست؟

بله، ارزشمندی، اهمیت و اثربخشی تحقیق و توسعه در سازمان‌ها، این فرصت را به محققان داد تا مدیریت دانایی را به‌عنوان عاملی در سازمان‌های تحقیق و توسعه بدانند؛ عاملی که در اثر آن شکوفایی و حیات سازمان هم تضمین می‌شود.

با این وصف در نهایت هدف اصلی و نهایی سازمان‌های مدیریت دانایی و تحقیق و توسعه چیست؟

تکنولوژی صورت گرفت. مدیریت تحقیق و توسعه نظاممندتر شده و مدیران، به‌طور مشترک تصمیمات تکنولوژی را کشف و تعیین کردند.

چهارمین نسل را ویلیام میلر، معاون مدیر تحقیق و توسعه کسب‌وکار، در آمریکای شمالی، بنیان‌گذاری کرد و معتقد است: «زمانی آن فاز ظاهر می‌شود که مشتریان شما از تحقیقاتشان به‌عنوان تحقیقات شما یاد کنند.» نسل چهارم تحقیق و توسعه، فرایندی از یادگیری متقارن و هم‌زمان با مشتریان را به‌عنوان تنها راه مواجهه با سرعت شتابنده و حیطة جهانی تغییر می‌داند.

واما نسل پنجم یا هفتم امروز، زمانی است که میلر در خصوص آن می‌گوید: «ممکن است واقعا فاز پنجم در حال ظهور باشند که در آن دانش دارایی است که باید مدیریت شود.» او کانال‌های توزیع دانش را به عصر دانش (نه اطلاعات) که بعد از عصر صنعتی ظهور یافته است و نیاز به ارتقای بهره‌وری کارکنان دانش در آن افزایش یافته، ارجاع می‌دهد.

تعریف شما از نوآوری و خلاقیت چیست؟

خلاقیت را می‌توان بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی به حساب آورد، ولی نوآوری بیشتر جنبه عملی دارد و درحقیقت محصول نهایی عمل، خلاقیت است. در این خصوص رابینز، استاد بزرگ مدیریت، خلاقیت و نوآوری را این‌گونه تعریف می‌کند: «خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر‌به‌فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست و نوآوری عبارت است از عملی و کاربردی ساختن افکار و اندیشه‌های نو ناشی از خلاقیت.» تورناتسکی هم نوآوری را فرایندی از تصمیمات و رفتارهای منفک معرفی می‌کند که در طول زمان به‌آرامی آشکار می‌شوند. هم‌چنین هالت در سال ۱۹۹۸، اصطلاح نوآوری را در یک مفهوم وسیع به‌عنوان فرایندی برای استفاده از دانش یا اطلاعات مربوط به منظور ایجاد یا معرفی چیزهای تازه و مفید به کار برد. می‌دیک نیز در سال ۱۹۹۹ بیان کرد: «نوآوری فرایندی پنج مرحله‌ای است که از شناسایی مسئله یا مشکل آغاز شده و با صرف خلاقیت و ابتکار، تکمیل خلاقیت در جهت اجرایی کردن آن، اجرای نوآوری و نهایتا با بسط و انتشار و گسترش نوآوری در بین همه همکاران به پایان می‌رسد.» در مجموع آن‌چه از این تعاریف دستگیر ما می‌شود، این است که خلاقیت پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر جدید است، درحالی‌که نوآوری عملی ساختن آن اندیشه و فکر به حساب می‌آید. نوآوری به معنی به‌کارگیری تفکرات جدید ناشی از خلاقیت است که در یک سازمان می‌تواند به صورت یک کالای جدید، خدمت یا راه‌حل جدید انجام کارها باشد. خلاقیت اشاره به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو دارد و نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار تازه و نو است. از سوی دیگر پژوهش‌گران تعریفی از نوآوری ارائه داده‌اند که در آن نوآوری را به‌کارگیری خلاقانه دانش معرفی می‌کنند. با چنین رویکردی جست‌وجوی ارتباط بین مدیریت دانایی و نوآوری به اندازه‌ای ارتباط بین مدیریت مالی (در شکل مخارج تحقیق و توسعه) و نوآوری امکان‌پذیر خواهد بود. شرکت‌هایی مثل فورد، ایستمن، کداک، چورن و... از مدیریت دانایی سود می‌برند که در واقع می‌توان گفت ۸۰ درصد شرکت‌های دنیا از این روش استفاده می‌کنند.

مخازن دانش سازمانی مثل بوز، تبادل دانش اندرسن و معماری مدیریت دانایی مونساتو اشتراک اطلاعات را میان کارکنان امکان‌پذیر کرده و دسترسی به اطلاعات وسیع شرکت را تسهیل می‌کند. در سال ۲۰۰۴ بازار فروش افزارهای مدیریت دانایی بالغ بر ۸،۹ میلیارد دلار آمریکا شد. بسیاری از سازمان‌ها، مدیریت دانایی را برای تصرف سرمایه‌های فکری کارکنانشان به کار می‌گیرند. اما در این بین نکته‌آسası بحث مدیریت دانایی این است که در همه سطوح یک سازمان، مقادیر متعددی از دانش درباره مشتریان، فرایندها، محصولات و خدمات

وجود داشته باشد، که اگر این دانش یک‌جا تصرف و انتقال داده شود، آن سازمان موفق‌تر، موثرتر و نوآورتر خواهد بود.

با توجه به این تعاریف خصوصیات سازمان‌های تحقیق و توسعه را از چه منظری می‌توان بررسی کرد؟
این خصوصیات را درحقیقت از سه دیدگاه می‌توان بررسی کرد: نوع اهداف و ارزش‌ها، ماهیت وظایف آن و نهایتا خصوصیات افراد شاغل در آن. لازم به توضیح است که اولاً سازمان‌های تحقیق و توسعه دارای ارزش‌ها و اهداف کاملا متفاوتی نسبت به سازمان‌های دیگر هستند. در واقع هدف نهایی سازمان‌های تحقیق و توسعه ایجاد خلاقیت است. این سازمان‌ها دانش‌های مختلف را از تجربیات افراد استخراج می‌کنند و بعد از آزمایش و یک‌پارچگی آن‌ها، دانش جدید توسط آن‌ها ایجاد می‌شود. می‌دانید در واقع فلسفه وجودی سازمان‌های تحقیق و توسعه ایجاد دانش جدید برای عملکردهای آینده کسب‌وکار است. سنجش عملکرد، نقش مهمی را در هدایت فعالیت‌ها برای نیل به اهداف و استراتژی‌های سازمانی ایفا می‌کند.

در دهه ۹۰ میلادی بیش از سه میلیارد دلار روی نرم‌افزارها و خدمات مهندسی مدیریت دانایی در سطح سازمان‌ها هزینه شد، ولی با این وصف هنوز در مورد میزان اثربخشی پروژه‌های مدیریت دانایی در بین مدیران سازمان‌ها تردید فراگیری حاکم است

ثانیا باید خصوصیات شغلی سازمان‌های تحقیق و توسعه مورد ملاحظه قرار گیرد. وظایف و فعالیت‌های استراتژیک یک سازمان تحقیق و توسعه، اغلب به صورت پروژه‌های انجام می‌شوند و بنابراین وظایف پروژه‌ای در این سازمان‌ها، کلیدی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر پروژه‌های تحقیق و توسعه ذاتا ماهیتی آینده‌گرا داشته و معمولا نیازمند سطح بالایی از خلاقیت هستند.

به نظر شما برای برقراری رابطه‌ای مستحکم بین فعالیت‌های مدیریت دانایی و رقابت‌پذیری در سازمان، چه مولفه‌هایی مورد نیاز است؟

در این زمینه باید به یکسری از عوامل حیاتی با دقت و تاکید بیشتری نگاه کنیم. طی تحقیقات صورت‌گرفته عواملی مثل ایجاد ماتریس‌های ارزیابی مدیریت دانایی، طراحی الگوهای دانش به منظور امکان مدیریت سازگار با دانش کلیدی سازمان، فعالیت‌های متنوع اطلاعاتی گروهی برای ایجاد ایده‌های معنی‌دار و درنهایت تدوین قوانینی مبتنی بر فناوری اطلاعات در جهت ارضای اشتیاق محققان برای توسعه دید شخصی از جمله این عوامل هستند. **در بسیاری از سازمان‌ها ما شاهد بودیم که پروژه‌های این سیستم مدیریتی با شکست روبه‌رو شده، علت آن چه می‌تواند باشد؟**

بیبینید، برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز مدیریت دانایی ما نیازمند نوعی فرهنگ سازمانی هستیم که اعضای خود را برای ایجاد و تسهیم دانش تشویق کند. بنابراین باید گفت یکسری کارها مربوط به مدیریت دانایی فعالیت‌هایی را برای تغییر فرهنگ سازمانی نیز به دنبال دارد. می‌توان گفت که عوامل اصلی موثر بر موفقیت مدیریت دانایی به‌عنوان عملکردهای سازمانی اثرگذار نیز شناخته می‌شوند. زیرساخت

پشتیبانی، خود می‌تواند به سازمان‌های پشتیبانی رسمی و غیررسمی تقسیم شود. سازمان‌های پشتیبانی رسمی شامل تیم‌های پروژه یا کمیته رهبری مدیریت دانایی هستند. در مقابل، انجمن‌های شغلی یا شبکه‌های اجتماعی نمونه‌هایی از سازمان‌های پشتیبانی غیررسمی محسوب می‌شوند. سیستم‌ها و قوانین سازمانی ابزار روشنی برای ایجاد انگیزه یا تهدید و اجبار به منظور برانگیختن فعالیت‌های مدیریت دانایی بین اعضای سازمان به حساب می‌آیند، مانند سیستم‌های پاداش و تشویق. سیستم‌های تکنولوژی اطلاعات نیز یکی از عوامل مهم موفقیت مدیریت دانایی محسوب می‌شود. با همه این تعاریف باز هم علت اصلی شکست این پروژه‌ها این است که اکثر سازمان‌ها بی‌توجه به زیرساخت‌های فرهنگی مورد نیاز، اقدام به ایجاد سیستم‌های مدیریت دانایی در سازمان کردند و در نتیجه بسیاری از این پروژه‌ها به سرانجام نرسید و هیچ موفقیتی در زمینه بهبود اشتراک دانایی در سازمان به وجود نیامد.

در این میان هزینه‌های کلانی هم صرف شده، این‌طور نیست؟

بله. در دهه ۹۰ میلادی چیزی حدود بیش از سه میلیارد دلار روی نرم‌افزارها و خدمات مهندسی مدیریت دانایی در سطح سازمان‌ها هزینه شد، ولی با این وصف هنوز در مورد میزان اثربخشی پروژه‌های مدیریت دانایی در بین مدیران سازمان‌ها تردید فراگیری حاکم است. در نتیجه مدیران دریافته‌اند که اگر از انجام پروژه‌های مدیریت دانایی صرف‌نظر کنند، برایشان سودمندتر از انجام آن‌ها خواهد بود. از سوی دیگر هزینه‌های ناشی از عدم اشتراک دانایی سازمانی هم بسیار مخرب و کمرشکن است. و بیشترین تاثیر خود را در عرصه‌های کلیدی مثل نوآوری در عرضه خدمات به مشتریان، آموزش و یادگیری مجدد، می‌گذارد، که باعث ایجاد هزینه‌های بسیار سنگینی برای سازمان‌ها می‌شود.

مطالعات صورت‌گرفته در آمریکا و کانادا نشان می‌دهد به‌طور میانگین شش درصد درآمد سازمان‌ها بر اثر عدم دسترسی اثربخش به دانایی از بین می‌رود. قطعا راه‌حل این مسئله عدم سرمایه‌گذاری روی مدیریت دانایی نیست.



چه راهکاری را می‌توان جایگزین کرد؟

افزایش اثربخشی در سرمایه‌های دانایی سازمان یکی از این راه‌هاست. راه‌حل آن هم با تمرکز بیشتر روی دو مسئله کلیدی به دست می‌آید. اول آن که مدیران ارشد سازمان‌ها دیدگاه روشنی از مسائل کسب‌وکار خود و دانایی مورد نیاز جهت حل آن‌ها داشته باشند. و دوم این که مدیران اجرایی و رده میانی سازمان، دیدگاه روشنی از دلایل عدم جریان صحیح دانایی برای حل مسائل کسب‌وکار به دست بیاورند.

آقای دکتر، یکی دیگر از چالش‌های اجرای برنامه مدیریت دانایی کمبود محرک‌ها جهت اشتراک دانایی است. در این زمینه چه کاری از دست سازمان‌ها برمی‌آید؟

متأسفانه در بسیاری از سازمان‌ها نیروهای انسانی ماهر و صاحبان تجربه و دانایی انگیزه زیادی برای ارائه و اشتراک دانایی خود با دیگران ندارند. یکی از مهم‌ترین علل شکست پروژه‌های مدیریت دانایی همین است. وقتی کارکنان در سازمان احساس کنند که اشتراک گذاشتن دانایی نه تنها موقعیتی برایشان ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تهدیدی برای عملکرد روزانه آن‌ها تبدیل شود، از اشتراک دانایی و تجارب خود امتناع می‌کنند. در این شرایط ایجاد یک سری فعالیت‌های فرهنگی جهت تشویق کارکنان، استفاده از سیستم‌های انگیزشی جذاب و نوین و تغییرات در سیستم ترفیع سازمانی می‌تواند جهت حل این چالش مفید و راه‌گشا باشد.

یکی دیگر از این چالش‌ها در سیستم‌های دانایی‌محور، عدم کارایی سیستم انتقال، یا به عبارت دیگر دست‌یابی به دانایی مورد نیاز برای فرد مناسب در زمان مناسب است. این روش را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

درست است، این اصل در واحدهای تحقیق و توسعه به جهت طبیعت خلاق و نوآور اهمیت بسیاری دارد. این موضوع می‌تواند پروژه ایجاد یک

محصول نوآورانه را مختل یا دچار شکست کند. حتی در بعضی موارد ممکن است سودآوری یک محصول را به جهت ناتوانی در رساندن به‌موقع آن به بازار کاهش دهد یا حتی در محیط سنگین رقابتی کسب‌وکار یک فرصت را تبدیل به یک تهدید کند. در بسیاری از موارد ما شاهد هستیم افرادی که نیازمند دانایی هستند، باید وقت زیادی را صرف یافتن افراد خبره مورد نظر یا فرایندهای مرتبط با دانایی مورد نظر کنند، یا بین صدها پرونده و مستندات موجود به جست‌وجوی اطلاعات در رابطه با موضوع مورد نظر بپردازند. در این روش اغلب با دانایی حاوی اطلاعات نادقیق و تاریخ گذشته مواجه می‌شوند.

راه‌حل پیشنهادی شما چیست؟

برای غلبه بر این وضعیت می‌توان فعالیت‌هایی در خصوص فرهنگ‌سازی جهت شناسایی منابع دانایی به کارکنان انجام داد. برای این کار هم می‌توان از ابزارهای جدیدی استفاده کرد، مثل ابزارهایی مبتنی بر فناوری اطلاعات که راهکارهایی مانند مدیریت محتوا و مدیریت مستندات فراهم می‌کند که سبب تسریع و تسهیل فرایندهای انتقال دانایی است. البته این نکته فراموش نشود که قبل از همه این‌ها باید فرایندهای مدیریتی جهت بسترسازی، خلق و بسط و توسعه دانایی و همچنین ارزیابی و اندازه‌گیری منابع دانایی سازمانی ایجاد شود.

عدم درک ارزش‌مندی دانایی از دیگر مشکلاتی است که این روزها گریبان سازمان‌ها را گرفته، چرا

یک راهکار می‌تواند

به‌کارگیری جلسات فشرده

دانش برای چهارچوب حل

مسئله باشد که ایده آن اولین بار در

سال ۲۰۰۱ توسط شرکت سامسونگ

مطرح شد و در حال حاضر در

اکثر شرکت‌های بزرگ دنیا مورد

استفاده قرار می‌گیرد

اهمیت این موضوع هنوز مورد توجه نیست؟

بله، متأسفانه هم‌چنان اهمیت دانایی و صاحبان دانایی در سازمان‌ها نامشخص و ناپیدا است. مشکل این‌جاست که در سازمان‌ها نه تنها کارکنان ماهر و نخبه به اهمیت دانایی در اختیار خود واقف نیستند، بلکه کارکنان نیازمند دانایی هم به دلایل نامعلوم و مختلفی جهت حل مشکلات روزمره به استفاده از منابع دانایی انسانی و غیرانسانی تمایلی نشان نمی‌دهند. این مسئله از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مدیریت دانایی و اشتراک دانایی سازمانی است. اهمیت دانایی را می‌توان به‌عنوان سرمایه کلیدی سازمان‌های امروزی جهت توسعه و نوآوری به حساب آورد که تحقق این امر نیازمند بسترهای مدیریتی و سازمانی است و برای دستیابی به آن نیازمند برنامه استراتژیک درازمدت هستند. ناگفته نماند که تغییر فرهنگ سازمانی از جمله تغییرات زمان‌بر و هزینه‌بری است که اجرای آن تفکر سیستمی و صبورانه‌ای را توسط مدیریت ارشد سازمان می‌طلبد.

می‌دانیم که استفاده از سیستم‌های مدیریت دانایی نوین و هم‌گام‌سازی سازمان با پیشرفت‌های فناوری از ضرورت‌های سیستم‌های مدیریت دانایی در دنیای امروز است، اما یک عدم هماهنگی بین سیستم‌های دانایی‌محور وجود دارد. برای حل آن چه راهکارهایی مورد توجه است؟

واحدهای تحقیق و توسعه که به نوعی به‌عنوان طلایه‌داران پیشرفت و نوآوری در سازمان‌ها شناخته می‌شوند، باید هم‌گام با پیشرفت فناوری، توسعه سازمانی را نیز ایجاد کنند و در راستای برقراری تناسب بین این دو مقوله تلاش کنند. اما مشکل بزرگ، وقتی رخ می‌دهد که تعادل بین سرعت پیشرفت سازمانی و پیشرفت ابزارهای مورد استفاده برقرار نباشد. در نتیجه سازمان خود را مواجه با تعداد زیادی از پایگاه‌های داده با هم‌پوشانی و تداخل با یکدیگر می‌بیند. در چنین شرایطی است که فهم حقیقی دانایی سازمان بسیار دشوار و گاهی غیرممکن می‌شود. سازمان باید برای مهندسی مجدد فرایندها، به‌روزرسانی امکانات سخت‌افزاری موجود و حتی امکان ایجاد یک منبع واحد جهت ذخیره اطلاعات و مستندات اقدام کند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم مدیریت دانایی در واحدهای تحقیق و توسعه سازمانی، عدم حمایت معنوی از دستاوردهای دانایی‌محور سازمان است، چرا سازمان‌ها می‌توانند این حمایت را داشته باشند؟

به نکته مهمی اشاره کردیم. ما بارها دیدیم که در بسیاری از سازمان‌ها بعد از رسیدن به یک دستاورد نوین، فقدان حمایت معنوی باعث می‌شود تا رقبا بی‌توجه به ارزش آن دستاورد، اقدام به تقلید و بهره‌برداری از آن کنند. این مسئله باعث می‌شود موجی از ناامیدی و سرخوردگی در بین نیروی انسانی سازمان ایجاد شود و هیچ نفعی برای سازمان نخواهد داشت. هم‌چنین فرهنگ ابتکار و نوآوری را در سازمان و نیز مزیت رقابتی دستاورد دانایی‌محور را از بین می‌برد. در این جاست که سازمان‌های رقیب با انعطاف‌پذیری و سرعت بالاتر می‌توانند سهم بیشتری از بازار را تصاحب کنند. بنابراین جلوگیری از خروج سرمایه‌های معنوی باید از اولویت‌های هر سازمانی باشد.

در پایان چه راهکارهایی را می‌توانید به‌عنوان محرک و مشوق مدیریت دانایی واحد تحقیق و توسعه معرفی کنید که به تبع آن ایجاد خلاقیت و نوآوری هم به سازمان‌ها اضافه شود؟

یک راهکار می‌تواند به‌کارگیری جلسات فشرده دانش برای چهارچوب حل مسئله باشد که ایده آن اولین بار در سال ۲۰۰۱ توسط شرکت سامسونگ مطرح شد و در حال حاضر در اکثر شرکت‌های بزرگ دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این جلسات فرایند استاندارد را دنبال می‌کنند که این فرایند شامل تشخیص و تسهیم مشکل، ایجاد راه‌حل برای تمامی شرکت‌کنندگان، تبدیل راه‌حل‌ها به برنامه‌ها و تهیه برنامه زمان‌بندی شده است. امروزه که دانش حرف اول را می‌زند، ارتقای زیرساخت‌های فناوری در سازمان‌ها مخصوصاً در ایران، بسیار حیاتی است. برای این کار استفاده از سیستم‌های فناوری اطلاعات که حول استانداردهای سازمانی و واحد تحقیق و توسعه آن، سازمان‌دهی می‌شود، تعامل این واحد را با سایر قسمت‌ها بسیار بالا می‌برد. از سوی دیگر یک‌پارچه کردن سیستم‌های مدیریت دانایی در واحد تحقیق و توسعه با سیستم مدیریت پروژه، عملکرد این قسمت را بیش از پیش نمایان می‌کند؛ چراکه یک سیستم مدیریت دانایی فعالیت‌های تحقیقاتی مختلف مانند استفاده از فعالیت‌های کمیته رهبری و ایجاد و تسهیم دانش ارائه می‌کند که می‌تواند دقیقاً در راستای برنامه‌های ایجاد خلاقیت و نوآوری پروژه‌های تحقیقاتی سازمان‌های تحقیق و توسعه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری تغییرات اخیر در محیط کسب‌وکار، باعث می‌شود تا سازمان‌ها بیش از پیش بر فعالیت‌های واحد تحقیق و توسعه تمرکز داشته باشند و سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه ایجاد خلاقیت و به‌کارگیری نوآوری در سازمان‌های تحقیق و توسعه، بسیار مهم و حیاتی است. از آن‌جا که ما در عصر دانایی‌محوری به سر می‌بریم، تنها عاملی که می‌تواند سازمان‌های تحقیق و توسعه ما را زنده و پویا نگه دارد، به‌کارگیری مدیریت دانایی به‌عنوان نیروی توانا به منظور بروز خلاقیت است.



احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چه پیش شرط‌هایی دارد؟

همگرایی، تدبیر و اندیشه

در مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

اقتصاد ایران این روزها شاهد این است که یک بار دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به نقل محافل کارشناسی تبدیل شده است. البته این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که هنوز هستند کارشناسانی که در مورد انحلال سازمان مدیریت تحلیل‌های متفاوتی ارائه می‌دهند و حتی ردیای این انحلال را در مشکلات جدی اقتصادی کشور جست‌وجو می‌کنند. به‌رحال اما سازمان مدیریت خود را آماده ورود دوباره به حوزه‌های کلان مدیریت و برنامه‌ریزی کند و شاید در این زمان آن چیزی که اهمیت دارد، پیش‌شرط‌های لازم برای احیای دوباره این سازمان است. به‌رحال چند سالی از انحلال این سازمان می‌گذرد و بازگشت دوباره آن نیازمند تجهیز برخی ملزومات است. این پرسش در حال حاضر شاید اصلی‌ترین چالش برای بازگشت دوباره سازمان مدیریت باشد و کارشناسان هرکدام پاسخ مورد نظر خود را به این پرسش که پیش‌شرط‌های احیای دوباره سازمان چیست، در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند. در زیر پاسخ چند نفر از صاحب‌نظران را که دریافت کرده‌ایم، آمده است:

محمد ستاریفر؛

همگرایی، پیش‌شرط نخست

انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هر چند که اتفاق ناگواری بود، اما بدون شک احیای دوباره آن بدون ایجاد پیش‌نیازهای لازم و ضروری نیز می‌تواند به یک امر تلخ و ناگوار تبدیل شود. من همیشه بر این باور بودم که باید احیای این سازمان به پیش‌شرط‌های ضروری تکیه داشته باشد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یک نهاد کارشناسی است که باید بر پایه تولید عقلانیت کار کند. اگر پیش‌شرط‌های این امر شکل نگیرد، از این سازمان فقط یک اسم بر جای می‌ماند که این اسم به‌تنهایی نیز نمی‌تواند باری از روی دوش اقتصاد کشور بردارد. کارشناسان نیز چنین توقعی دارند. یک سازمان تا دیروز یک اسم داشته، اما قرار است از امروز اسم دیگری داشته باشد. چنین چیزی ربطی به کارکرد واقعی سازمان مدیریت ندارد. ما مانند کشورهای متقدم در توسعه نیاز به «نهاد برنامه» داریم. در کشورهای توسعه‌یافته با این‌که تحرک اصلی اقتصاد در دست مردم و بازار است، اما نهاد برنامه نیز وجود دارد. حتی در کشورهایی که نهاد برنامه در قبال توسعه مسئولیت ندارد، باز هم به دولت برنامه می‌دهد و هم به تشکیلات اقتصاد نظم می‌بخشد. چنین الگوهایی را نباید از نظر دور داشت. در غیر این صورت نهاد برنامه تعریف واقعی خودش را در ذهن ما از دست می‌دهد و سازمان مدیریت نیز به یک اسم تبدیل می‌شود. نکته اصلی این‌جاست که در ایران بین سازمان‌ها، قوا و وزارت‌خانه‌ها چسبندگی لازم وجود ندارد. به عبارتی این مجموعه به یک مجموعه واگرا تبدیل شده است و با وجود یک مجموعه واگرا نمی‌توان به توسعه دست یافت. یکی از پیش‌فرض‌ها و پیش‌شرط‌های اصلی برای برنامه‌ریزی توسعه رفع این واگرایی است، به گونه‌ای که مجموعه فوق بتواند با کمترین هزینه و به شکلی ساده تن به یک تقسیم کار عقلانی بدهد و جلو برود. تجربه کشورهای که بر اساس برنامه و هم‌چنین تنظیم بودجه

جلو رفته‌اند نیز نشان می‌دهد که آن‌ها توانسته‌اند همگرایی را در سلسله رفتارهای خود تجویز و اجرا کنند. از این طریق و هم‌چنین تنظیم رابطه دولت با بازار و بخش‌های غیردولتی سهم نفت را نیز در مدار توسعه مشخص کرده‌اند. به عبارتی اگر قرار است دوباره سازمان مدیریت به فضای توسعه ایران بازگردد، یکی از پیش‌فرض‌ها این است که مشخص شود سازمان برنامه چه وظیفه‌ای در همگرا کردن قوای کشور دارد. این البته یک نکته مهم است. در کنار این از همین حالا برای احیای سازمان برنامه باید گفتمان دولت در جریان توسعه مشخص شود. از سوی دیگر باید بدانیم که دولت قرار است چگونه در مدار توسعه در کنار بخش خصوصی یا بخش‌های غیردولتی بایستد. در کنار همه این‌ها نیز ماجرای نفت قرار دارد. با همه اتفاق‌هایی که افتاده است، ما هنوز نمی‌دانیم در جریان توسعه پول نفت را چگونه باید هزینه کرد. به نظر من تبیین چنین مواردی باید پیش‌شرط شکل‌گیری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور باشد. منظور از شکل گرفتن گفتمان دولت نیز به وجود آمدن شرایطی است که در آن رقابت یک امر ساده و تسهیل شده باشد، به گونه‌ای که همه افراد بتوانند رقابت حداکثری را تجربه کنند. در حال حاضر موتور رشد در اقتصاد ایران خاموش شده است. یکی از دلایل این ماجرا فقدان رقابت مطلوب است، باید گفتمان دولت به گونه‌ای باشد که این رقابت را گسترده کند تا موتور رشد نیز به بهترین نحو ممکن حرکت کند.

مسائل و مراحل زیاد و سختی باید طی شود تا گفتمانی شکل گیرد، اما به‌رحال کشور ایران در مردادماه و شهریورماه سال ۱۳۸۲ که سند چشم‌انداز ابلاغ شد، گفتمان توسعه را در قانون داشت. بنابراین وقتی که ۵۰۰ تا ۶۰۰ کارشناس مملکت، دوره‌ای را بررسی و چشم‌انداز تهیه کردند و بعد در سازمان برنامه، کمیسیون تخصصی دولت وقت، وزارت‌خانه‌ها، رهبری و مجمع مطرح شد و دوباره دو ماه در اختیار مقام معظم رهبری قرار گرفت،

یحیی آل اسحاق؛

تقویت نظام تدبیر اولویت دارد

فقدان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور لطمه بزرگی به توسعه کشور زد و نمی‌توان آن را از یاد برد. بدون شک اگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آن‌طور عجلانه منحل نمی‌شد، امروز خیلی از مشکلات کشور نیز وجود نداشتند. به‌طور حتم یکی از اشتباهات دولت قبل همین تعطیلی سازمان مدیریت و برنامه بود، مگر این‌که بگوییم قصدش این بوده است که سازمان برنامه جدیدی با اقتضات

جمهوری اسلامی ایران بسازد. این هم حرف درستی است. تنها مستمسکی که برای عمل دولت قبلی می‌شود توجیه کرد، این بود که مدل، الگو و افراد سازمان برنامه از نظر آن دولت مناسب نبود و باید سازمان برنامه‌ای متناسب با آن چه که مدنظر دولت هست، شکل بگیرد و سازمان برنامه قبلی را تغییر بدهند که این به سلیقه دولت برمی‌گردد، ولی این که اساساً نهادی به نام سازمان برنامه را نداشته باشیم، یکی از اشتباهات بزرگ دولت قبل بود و باید بلافاصله نهاد متناسبی را تنظیم می‌کرد. اما فارغ از همه این بحث‌ها من می‌خواهم به نکته دیگری اشاره کنم و آن هم این که در کل و در زیربنای همه گره‌های اقتصاد ایران، ضعف تدبیر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مشکلات به چشم می‌خورد و وجود آن

اگر نظام تدبیر به‌درستی عمل کند و یک پیش‌شرط در نظر گرفته شود، می‌تواند به‌خوبی در ساختار سازمان مدیریت به‌عنوان متولی تنظیم بودجه ورود و اندیشه بودجه‌نویسی را تصحیح کند تا از این طریق بار بزرگ و کجی از روی دوش اقتصاد برداشته شود که ناشی از جریان تنظیم و تدوین بودجه است. باید به این نکات به‌خوبی توجه کرد، چون اگر با ضعف در تدبیر سراغ احیای سازمان مدیریت برویم، باز هم مشکلات چند دهه گذشته در حوزه برنامه‌نویسی و مدیریت بودجه تکرار می‌شود. رفت و برگشت سازمان و احیای آن باید متناسب با اقتضانات روز از نظر سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، جهت‌گیری و شناخت امروز کشور باشد. اگر نهاد مدیریت و برنامه‌ریزی می‌خواهد با برنامه‌های پنج

در تشکیل دوباره این سازمان تاخیر ایجاد شود، زمینه افزایش ائتلاف منابع نیز بیشتر فراهم می‌شود. انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در واقع از بین بردن یک نهاد دموکراتیک بود که میزان استفاده دولت از منابع را مشخص می‌کرد، اما با انحلال آن اکنون نمی‌توان به‌خوبی در مورد چگونگی استفاده از منابع کشور در هشت سال گذشته سخن گفت. از بین بردن نظارت بر رفتار مالی دولت و استفاده دولت از منابع آن هم از سوی دولت یک روند تخریب در اقتصاد است که می‌تواند به نوبه خود از عجیب‌ترین اتفاقات اقتصادی در دهه‌های گذشته باشد. نهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هم نظارت می‌کرد و هم در حوزه اجرا صاحب عملکرد بود. این سازمان در واقع ناظمی بود که بر روند شکل‌گیری درآمدهای عمومی و استفاده از آن نظارت می‌کرد. برداشتن چنین سازمانی در واقع حذف روشن و مشخص نظارت بر منابع عمومی است. این کار در یک کشور نفتی این گمان را ایجاد می‌کند که در واقع اهرم مقاومت در مقابل سوءاستفاده‌ها حذف شده است. ما یک کشور نفتی و گازی هستیم که منابع عمومی خود را نیز از طریق فروش نفت و گاز تجهیز می‌کنیم. با برداشتن نظارت بر نحوه توزیع و هزینه کردن این درآمدها مگر می‌شود امروز مشخص کرد که در دورانی که بیشترین درآمدهای نفتی شکل گرفته و بیشترین فسادهای اقتصادی نیز به وجود آمده، چقدر از درآمدهای هنگفت نفت تلف شده است و چقدر از این درآمدها صرف فعالیت‌های مولد شده است؟ وقتی ما نهاد نظارت را حذف می‌کنیم، در واقع نباید توقع داشته باشیم که با دیده شک به عملکردمان نگاه نشود. انحلال سازمان مدیریت در نگاه نخست بر پیکره اقتصاد ضربه وارد کرده است، اما اگر به شکل ریشه‌ای‌تر نگاه کنیم، این ضربه حتی ارکان اجتماعی کشور را نیز با مشکل همراه کرده است. بسیاری از اتفاقات تلخ اجتماعی ناشی از پدیده‌هایی نظیر بی‌کاری است که امروز ثابت شده اگر نهاد برنامه‌ریز و نظارتی سازمان مدیریت وجود داشت، بی‌کاری تا این حد به وجود نمی‌آمد. بی‌کاری ناشی از فقدان سرمایه‌گذاری مولد و سیاست‌های اشتباه در استفاده از درآمدهای نفتی است. اگر سازمان برنامه بود، مسیر این اشتباه را کارشناسان تا حد زیادی مسدود می‌کردند. اما حذف کارشناسان باعث شد تا در بسیاری از مواقع طی چند سال گذشته، به جای آن که درآمدهای نفت برای فعالیت‌های مولد تخصیص یابد، به دل‌خواه دولت هزینه شود و دردی از اقتصاد دوا نکند. البته احیای مجدد این سازمان نیز اگر پیش‌شرط‌های لازم را رعایت نکنند، بعد از چند سال نمی‌توانیم شاهد نهادی باشیم که نظارت و هدایت را شامل حال منابع عمومی کند. به نظر من دولت باید تلاش کند که حتماً مدیریت این سازمان در اختیار یک اقتصاددان یا یک اندیشه‌ورز اقتصادی قرار بگیرد؛ یعنی کسی که اقتصاد را می‌شناسد و می‌فهمد و صاحب پتانسیل علمی اقتصاد است. چون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مسئولیت تخصیص منابع را بر عهده دارد و کسی باید این وظیفه را مدیریت کند که راه استفاده بهینه از منابع را بشناسد. مدیریت بدون شک یکی از پیش‌شرط‌های اصلی شکل گرفتن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. اگر یک مدیر غیراقتصادی و ناآگاه در رأس قرار بگیرد، کار تخصیص منابع گره می‌خورد. قبل از احیای سازمان نیز باید به تعریف جامعی از منابع انسانی و اندازه سازمان مدیریت دست یابیم تا بدانیم چگونه تشکیلاتی با چه قد و قواره‌ای باید شکل بگیرد. این آگاهی یک پیش‌شرط است که می‌تواند دانش هم محسوب شود. حتماً تشکیلاتی فربه نمی‌تواند چابکی مورد نظر و مطلوب را داشته باشد.



به‌وضوح مشخص است. به‌طور قطع اگر ضعف در نظام تدبیر برطرف شود، می‌توان بسیاری از گره‌های اقتصادی را باز کرد. به نظر من پیش‌شرط هر تحرکی در اقتصاد و احیا و بازسازی هر چیز بهینه کردن این نظام تدبیر است، چون نظام تدبیر موجود ربطی به واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای روز اقتصاد ندارد. ما اگر بتوانیم نظام تدبیر خود را بر حسب ضرورت‌های روز تغییر دهیم، عناصر و مولفه‌های بعدی به صورت خودکار شکل می‌گیرند. بدون این اتفاق نمی‌توان قدم‌های محکمی برداشت. برای مثال در حوزه بودجه همواره اتفاقی تکراری در اقتصاد ایران رخ می‌دهد. بودجه ما تا ۶۰ درصد به نفت متکی است و از سوی دیگر تا ۶۰ درصد از بودجه نیز همواره برای هزینه‌های دولت به کار گرفته می‌شود. این منش سنتی در بزرگ‌ترین سند اقتصادی کشور همیشه تکرار می‌شود.

ساله کشور را هدایت کند، نباید از واقعیت‌های جمهوری اسلامی فاصله بگیرد. اگر به این واقعیت‌ها توجه نکند، کارایی خود را از دست می‌دهد و می‌شود سازمانی با همان مشکلاتی که در گذشته داشت. هرگز از یاد نبریم که توسعه در ایران فقط با همراهی پیش‌شرطی به نام عدالت جواب می‌دهد. پس از یاد نبریم که بدون در نظر گرفتن مولفه عدالت، کار با گره همراه می‌شود.

حسین راغفر؛

اندیشه‌ورز و اقتصاددان دعوت کنیم

انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جفایی در حق اقتصاد ایران بود که دولت فعلی باید طبق وعده انتخاباتی که داشته، هرچه زودتر پیش‌شرط‌های شکل گرفتن و آغاز به کار آن را فراهم کند، چون هرچقدر

احیای سازمان همراه با مهندسی مجدد

سیدحسین موسوی چلک*

نگارنده که خود چند سال کارشناس آن سازمان بودم، با شنیدن خبر احیا خوشحال شدم، ولی معتقدم که این سازمان نیاز به «مهندسی مجدد» دارد، چراکه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق هم مشکلاتی داشت که نمی‌توان به راحتی از کنار آن‌ها گذشت. ولی بی‌اثر کردن آن سازمان چه در سطح ملی و چه در سطح استانی پیامدهای منفی زیادی داشت که هم در حال و هم در آینده آثار آن بیشتر نمایان می‌شود. در این راستا و به منظور بازمهندسی این سازمان با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود علمی، اجرایی، سیاست‌گذاری و... در کشور لازم است موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

یکی از اقدامات ارزنده صورت‌گرفته در کشور تاسیس سازمان برنامه و بودجه بود که بعدها به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تغییر نام داد و در دولت قبل هم ضمن تغییر نام، تغییر ماهیت نیز داد که این اقدام مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران عرصه مدیریت قرار گرفت. درنهایت با پی‌گیری مجلس احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قانونی شد. دولت یازدهم نیز در برنامه‌های خود به احیای این سازمان تاکید و اصرار داشت که با تصویب شورای عالی اداری مبنی بر اجرایی شدن مصوبه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور احیا شد که این احیا را هم به فال نیک می‌گیریم.



جریان نظام‌مند برنامه از یک پشتوانه تجربی با قدمت ۷۰ سال برخوردار است. ایده تشکیل سازمان مدیریت در واقع در پی آن بود تا نظم را در توسعه ایرانی برقرار کند تا به واسطه این نظم، اقتصاد مولد شکل بگیرد. در واقع شکل‌گیری سازمان مدیریت راهبردی بود برای مقابله با بی‌ثباتی در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کشور که این بی‌ثباتی منابع ملی را هدف قرار داده بود و آن‌ها را تلف می‌کرد. زمانی که اندیشه سازمان مدیریت شکل گرفت، به خاطر این بی‌ثباتی‌ها بسیاری از کارها در کشور نیمه‌تمام رها می‌شد. در واقع می‌توان گفت تعللی جدی از این طریق در توسعه کشور شکل گرفته بود. کار به گونه‌ای انجام می‌شد که اهالی اقتصاد نمی‌توانستند در مورد آینده نزدیک و برنامه‌های خود برای فردایی نه‌چندان دور سخن بگویند. به خاطر فقدان برنامه، کشور ما دست‌خوش نوسانات و تغییرات شگرفی شد و مرتباً افراد و کابینه‌ها تغییر می‌کردند که به تبع آن اگر مدیری برنامه و سیاست خوبی هم

در دنیای امروز همه کشورها، چه آن‌ها که توسعه‌یافته هستند و چه کشورهایی که در حال توسعه هستند، می‌خواهند دائم وزن توسعه خود را افزایش دهند و با سرعت بیشتری در مدار توسعه حرکت کنند. این توسعه‌مداری یا حرکت در جریان توسعه نیز به دو صورت امکان‌پذیر است؛ یا به شکل سنتی و با اتکا به منابع نفتی رخ می‌دهد، یا بر اساس برنامه‌ریزی روند توسعه پی‌گیری می‌شود. در مدل برنامه‌ریزی، به‌طور حتم توسعه با سرعت بیشتری جلو می‌رود، چون همه چیز در این مدل به شکل آگاهانه صورت می‌گیرد. بر همین اساس ما نیز باید برنامه‌ریزی را جدی بگیریم و به آن تن بدهیم. از همین منظر می‌توان مدعی شد که احیای دوباره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور کلید عبور از موانع بسیاری در اقتصاد ایران است. سازمان برنامه می‌تواند در همین ابتدای راه وظیفه تدوین برنامه ششم را به‌طور جدی بر عهده بگیرد و نقشه راهی مطمئن برای عبور از مشکلات اقتصادی ارائه دهد. تحرک ما به سمت برنامه‌ریزی و پیروی از



برنامه‌ریزی، همه را درگیر توسعه می‌کند

بایزید مردوخی

۱- استفاده از مدیران متخصص مرتبط و مسلط بر مبنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی
۲- پرهیز از جانب‌داری سیاسی و سیاست‌زدگی، چراکه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها چه در حوزه برنامه‌های و چه در حوزه بودجه‌ای، در جای جای کشور و در زندگی همه مردم آثار خود را می‌گذارد. البته اجرایی شدن این نکته کاری بس دشوار است و نیازمند بلوغ مدیریتی است.
۳- کوچک‌سازی سازمان و تمرکززدایی و تفویض اختیار (تا حد ممکن) از طریق تلاش در راستای استانداردسازی.

۴- از یک سازمان «مچ‌گیرنده» به یک سازمان «هدایت‌کننده» تغییر مسیر دهد. شاید یکی از مهم‌ترین مشکلات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

سابق همین نکته بود که گاهی نقش هدایت‌گری آن به نقش مچ‌گیری تقلیل پیدا می‌کرد. بنابراین در چنین شرایطی می‌تواند مشکلاتی ایجاد شود.
۵- آینده‌نگری، آینده‌نگاری، آینده‌پژوهی باید سرلوحه این سازمان باشد. افق نگاه این سازمان باید خیلی جلوتر از جاهای دیگر باشد. باید بتواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود حداقل افق ۲۰ ساله‌ای برای کشور داشته باشد. از اشکالات دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق آن بود که در عمل نقش مدیریت و برنامه‌ریزی در آن کم‌رنگ شده بود.

۶- تمرکز صرف بر بودجه نداشته باشد. گرچه در یک تعریف بودجه را همان برنامه یک‌ساله تعریف کرده بودند، ولی نگاه دستگاه‌های کشور

به این سازمان به‌عنوان یک «صندوق» بود تا سازمان فکور، هدایت‌گر و برنامه‌ریز، بنابراین نگاه برنامه‌ریزی در این سازمان باید نهادینه شود.
۷- «هوشمندی» ویژگی دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جدید باشد. بنابراین در این راستا استفاده از خبرگان کشوری در این حوزه و استفاده از فناوری‌های نوین، بهره‌گیری از دانش و تجارب جهانی، شناخت ظرفیت‌های بالقوه، بالقوه، نداشتن نگاه انفعالی، تحلیل مستمر و واقع‌بینانه شاخص‌های حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیربنایی و... می‌تواند این زمینه را فراهم کند.

* رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران و کارشناس اسبق سازمان مدیریت



برای اجرا داشت، در اثر تغییرات ناکام می‌ماند و در نتیجه کشور در لاک اداره روزمره فرو رفته بود. به همین دلیل گروهی از افراد صاحب ایده و نگران از آینده کشور، به فکر یافتن راهی برای از بین رفتن این تغییرات مداوم و ناپسامانی‌ها افتادند. به عبارتی از همان روز نخست سازمان برنامه نسخه‌ای برای غلبه بر بی‌ثباتی در توسعه بود. امروز نیز به نظر می‌رسد باید توقع چنین چیزی را از احیای سازمان مدیریت داشته باشیم، چون به نظر می‌رسد محدوده توسعه در ایران به شدت گرفتار بی‌برنامگی و بی‌انضباطی شده است. یکی از نشانه‌های این بی‌برنامگی و بی‌ثباتی جابه‌جایی‌هایی گسترده مدیران است. این اتفاق می‌تواند یک ضربه بر پیکر توسعه باشد. وقتی مدیران به این شکل جابه‌جا می‌شوند، در واقع نمی‌توانند آن دسته از برنامه‌های خود را که نیاز به زمان دارد، اجرایی کنند و اهداف آن‌ها در واقع کور می‌شود. ما باید به سمت برنامه‌ریزی و احیای دوباره برنامه پیش برویم، چون پیش از این نیز حذف جریان برنامه به خوبی نشان داد که اقتصاد از این ناحیه می‌تواند متحمل زیان‌های بزرگی بشود. البته یک نکته را نباید فراموش کرد و آن هم این‌که در برنامه‌ریزی

برای توسعه باید به سطح مطلوبی از آگاهی در مورد نیازهای داخلی و اولویت‌های توسعه دست یابیم، چون بدون این آگاهی جریان برنامه‌ریزی نیز می‌تواند ناکارآمد باشد. در شش دهه برنامه‌ریزی عملاً شاهد این اتفاق هستیم که به دلیل نشناختن نیازهای داخلی و فقط با تکیه بر درآمدهای نفتی در بسیاری از مواقع برنامه‌هایی تدوین شد که نمی‌توانست جواب‌گوی توسعه باشد. برخی از این برنامه‌ها حتی تکنولوژی و درآمد نیز در اختیار داشت، اما به اهدافی دست می‌یافت که نمی‌توانست نیازهای واقعی توسعه را مرتفع کند. برای مثال برای جاده‌سازی روستاها از تکنولوژی مدرن استفاده کرده‌ایم و نیروی انسانی آن روستا مورد استفاده واقع نشده‌اند، یعنی به محیط پیرامون اصلاً توجه نداشته‌ایم و با تکنولوژی، کار را پیش برده‌ایم. نتیجه چنین رفتاری وضعیتی است که امروز با آن مواجه هستیم. اگر بخواهیم از تپه‌ای عبور کنیم، از یک خط و راه صاف نمی‌توانیم به مقصد برسیم. بنابراین سیاست و استراتژی و برنامه‌ریزی منطبق بر نیازهای داخلی به ما اجازه انعطاف می‌دهد. به عبارتی باید گفت که اگر دوباره به نظام برنامه‌ریزی مجهز شویم، این نظام را نباید بدون شناخت نیازهای داخلی به کار بگیریم.

درواقع فقط و فقط احیای سازمان برنامه، مشکلی را حل نخواهد کرد. بلکه معتقدم امروز نیازمند آن هستیم که نظام تدبیر کشور، از حوزه قانون‌گذاری گرفته تا قوه مجریه و قوه قضاییه، با توجه به قانون اساسی مورد بازبینی مجدد قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای برای دستگاه نظارتی - برنامه‌ای طراحی شود. ما هم‌اکنون فاقد این جایگاه در کشور هستیم. امروز ما دارای سازمان‌های نظارتی - قدرتمندی هم‌چون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات هستیم، اما این نهادها بعد از اجرا وارد نظارت می‌شوند. ما فاقد سازمانی هستیم که پیش از خرج کردن، نحوه هزینه‌کرد را مشخص کند. برای حل مشکلات تنها سازمان برنامه نیست که باید احیا شود، بلکه باید نظام تدبیر اقتصادی و مالی کشور مورد بازبینی قرار گیرد. احیای مجدد و بازبینی نظام تدبیر یک ضرورت است. بعد از این اتفاق و دست یافتن به روندی که نیازهای داخلی را به‌طور واقعی مشخص می‌کند، باید احیای سازمان برنامه را سرعت داد تا گرهمایی که طی سال‌ها به خاطر فقدان این سازمان ایجاد شده است، باز شوند و توسعه در ایران نیز بتواند بر اساس الگوی برنامه‌ریزی همه شهروندان را به صورت آگاهانه درگیر توسعه کشور کند.

بورس نماد حال و هوای حاکم بر اقتصاد کشور است و آن طور که می‌گویند، یا بهتر است بگوییم آن طور که توسعه یافته‌ها تجربه کرده‌اند، بازار سرمایه نبض اقتصاد را در هر کشوری در اختیار دارد. این در اختیار داشتن نبض البته به این معناست که بورس یا بازار سرمایه در خیلی از جاها خط سیر اصلی را برای اقتصاد مشخص می‌کند، چون در آنجا سرمایه‌گذاران با تحریک فعالیت‌های مولد باعث می‌شوند که در نهایت حجم بزرگی از سرمایه راهی بورس شده و به رگ‌های اقتصاد تزریق شود. چنین الگویی اما به نظر می‌رسد فاصله زیادی با اقتصاد ایران دارد. در این‌جا با وجود آن که بورس پتانسیل زیادی دارد، اما سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به گونه‌ای بوده است که سرمایه‌ها در خیلی از مواقع ترجیح داده‌اند به بازارهای موازی و غیرمولد پناه ببرند. این اتفاق درست در شرایطی رخ داده است که بدون شک این روزها همه می‌دانند که برای بزرگ شدن شاخص‌های اصلی اقتصاد بهتر آن است که بورس پناهگاه سرمایه‌های مختلف و محل حضور بنگاه‌های سرمایه‌گذاری باشد. به همین دلیل است که در میان توسعه یافته‌ها، بورسی‌ها یک پای ثابت تصمیم‌سازی‌های اقتصادی هستند، اما در ایران این گونه نیست و این می‌تواند یکی از گره‌های اصلی برای توسعه باشد. با این رویکرد یک روز به خیابان حافظ رفتیم و از برخی فعالان بازار سرمایه پرسیدیم که چرا اهالی بازار سرمایه در تصمیم‌گیری‌ها آن گونه که باید و شاید دیده نمی‌شوند؟ مثلاً این روزها سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دوباره در حال احیا شدن است، اما آن طور که باید تاثیر این اتفاق در بازار سرمایه دیده نمی‌شود و فعالان بورس نیز هنوز رویکرد مشخصی در این باره نداشته‌اند. شک نباید کرد که اگر این تغییر و تحول در یک کشور توسعه یافته رخ می‌داد، بورس حتماً یک سمت اصلی واکنش در این ماجرا را بر عهده داشت.

ارزیابی رابطه بورس با احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در گفت‌وگو با فعالان بازار سرمایه

سازمان برنامه جدید

نیازمند اتاق فکر برای بازار سرمایه است

خیر؟ اکنون نیز که می‌خواهند سازمان مدیریت را دوباره احیا کنند، از کارشناسان زیادی نظر گرفته‌اند، ولی من نشنیده‌ام مثلاً مدیر یک بنگاه سرمایه‌گذاری بگوید نظر فعالان بورس را نیز در این باره جویا شده‌اند. اگر قرار است که این سازمان برای همه مجموعه‌های توسعه در ایران تصمیم عقلانی بگیرد، حتماً باید راهی پیدا کند که به فرض بورس‌ها عمدتاً به جای بانک‌ها محل جذب سرمایه باشند. چون بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند، اما بورس تنور اقتصاد مولد را گرم می‌کند. حتماً برای چنین کاری بازار سرمایه باید در تدوین راهبردهای برنامه‌سازی و احیای نهاد عقلانیت در اقتصاد مشارکت کند.»

اتاق فکر بورس در سازمان مدیریت

به نظر می‌رسد آن طور که این فعال بورس می‌گوید، برنامه‌ریزان اقتصادی با وجود آن که می‌گویند به بورس اهمیتی مطابق با اندازه و قد و قواره‌اش می‌دهند، اما در اجرا به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند که بورس در جایگاه اصلی خود قرار بگیرد. یکی دیگر از فعالان بازار سرمایه که خودش را یک مشاور سرمایه‌گذاری می‌نامد، می‌گوید: «در چند وقت گذشته بانک‌ها نشان دادند که زورشان از بورس

مدیریت و برنامه‌ریزی اتفاقی است که باید صاحب‌نظران بورس و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بازار سرمایه در مورد آن نظر بدهند. زمانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اگر قرار باشد با کارکردی جدید شکل بگیرد، باید یک بار برای همیشه از سمت نفت به سمت تولید برود و بورس و شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند برای رسیدن به این هدف کارکرد ویژه‌ای داشته باشند

منحل کردند و از هیچ کارشناسی آن‌طور که شایسته است، نپرسیدند آیا این کار به صلاح اقتصاد است یا

نظیر بنگاه‌داری بانک‌ها خلاص شویم. اگر می‌خواهیم به توسعه واقعی نزدیک شویم، باید ضرورت‌ها و ملزومات آن را فراهم کنیم. سازمان مدیریت به‌درستی یکی از اصلی‌ترین ضرورت‌های نزدیک شدن به توسعه در یک کشور نفتی است، اما فراموش نکنیم همین سازمان برنامه اگر بخواهد چرخ سرمایه‌گذاری را فعال کند و سرمایه‌های داخلی و خارجی را وارد گردونه فعالیت‌های مولد کند، بدون تکیه بر بورس نمی‌تواند. برای همین مدیران اقتصادی کشور در ابتدای راه احیای سازمان بهتر است بنگاه سرمایه‌گذار بورسی، شرکت‌های صنعتی و در کل بورس را جدی بگیرند.»

بورس نوعی سازمان مدیریت است

فضای تالار بورس، فضای جالبی است. وقتی در میان فعالان بورسی، از کوچک و بزرگ قدم می‌زنی و با آن‌ها صحبت می‌کنی، این حس درون آدم سرک می‌کشد که انگار در لابی یکی از دانشکده‌های بزرگ اقتصاد دنیا ایستاده است، راه می‌رود و با همه حرف می‌زند. در تالار بورس فقط کافی است یکی از فعالان بورسی حوصله کند و وارد بحث‌های اقتصادی شود، آن وقت به‌وضوح مشخص است که هر کدام از آن‌ها چه توان مطلوبی در بحث‌های اقتصادی دارد. برای همین می‌توان این‌گونه هم در نظر گرفت که سازمان بورس بزرگراه اقتصاد کشور نیز محسوب می‌شود. در این محیط سعی کردیم ماجرای احیای سازمان مدیریت و نقشی را که بورس می‌تواند در این بازگشت ایفا کند، با برخی از فعالان بورسی در میان بگذاریم. جالب این‌جاست که همه آن‌ها با قاطعیت می‌گفتند که احیای سازمان مدیریت اتفاقی است که حتما باید صاحب‌نظران بورسی در آن ایفای نقش کنند، یا حداقل خوراک فکری این بازگشت را تقویت کنند. استدلال آن‌ها را به‌سختی می‌شد نپذیرفت، چون بر اساس عقلانیت نوین توسعه، بورس بهترین ابزار برای تامین مالی فعالیت‌های تولید و تخصیص منابع به بخش‌های واقعی اقتصاد است. به عبارتی سرمایه‌ها در بورس جمع می‌شوند و به وسیله کارآمدی سازمان بورس به جای آن‌که در بازارهای حاشیه‌ای، دلالی و واسطه‌گری رها شوند، صرف تقویت اقتصاد صنعتی می‌شوند. بر همین اساس سازمان مدیریتی که می‌خواهد درآمدهای نفتی را مدیریت کند تا صرف هزینه‌های بی‌بهره نشوند و در نهایت اقتصاد را از زیر سایه نفت بیرون بکشد، چگونه می‌تواند نسبت به بازار سرمایه که با همین هدف به وجود آمده است، بی‌تفاوت باشد. این دقیقاً پرسشی است که فعالان بازار سرمایه در مقابل پرسش ما قرار دادند. آن‌ها با تعجب می‌گویند که هنوز نشنیده‌اند یک تئورسین بورسی یا یک جریان سرمایه‌گذاری در بورس در احیای سازمان مدیریت نقش داشته باشد و با حیرت از این اتفاق یاد می‌کنند. در گفت‌وگو با فعالان بورسی شاید جالب‌ترین نظرات را یکی از سهام‌داران خرد گفت. وقتی از او خواستیم که تعریفی از بورس و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ارائه دهد، پس از چند ثانیه سکوت به‌آرامی و نوعی کنایه گفت، مدیران اقتصادی کشور اگر خوب دقت کنند بورس می‌تواند بهترین سازمان برای برنامه‌ریزی و مدیریت منابع کشور باشد. منتها اگر مورد توجه قرار بگیرد. یعنی اگر پتانسیل‌های بورس تقویت شوند، می‌تواند به نوعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصاد کشور باشد...



سازمان را به اقتصادی‌ها بدهید

شک نباید کرد که تشکیل یک اتاق فکر در سازمان مدیریت که متشکل از عقلای بازار سرمایه باشد، می‌تواند قدمی مثبت برای هدایت این سازمان به سمت تسهیل امور اقتصاد محسوب شود. یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد اقتصاد ایران در چند سال گذشته این بوده است که ارتباط اهالی تولید و بخش‌های مولد اقتصاد با بازار سرمایه یک ارتباط ارگانیک و دائمی نبوده است. نهاد تصمیم‌ساز اقتصاد کشور می‌تواند با کمک اهالی بازار سرمایه این ارتباط را دائمی کند. این مسئله را یکی دیگر از فعالان بورس نیز یادآور می‌شود. او می‌گوید: «از همین حالا دولت باید با خود قرار بگذارد که مدیریت سازمان مدیریت را به اهالی اقتصاد واگذار کند؛ البته اقتصاددانانی که بورس را می‌فهمند. ما اقتصاددانانی داریم که هنوز آگاهی لازم در مورد بازار سرمایه ندارند. این گروه اگر مدیریت سازمان را بر عهده بگیرند، نمی‌توانند از پتانسیل بورس برای برنامه‌ریزی توسعه‌یافته و مدرن منکی بر توزیع بهینه منابع استفاده کنند. به نظر من مدیران دولتی باید به بورس بیایند و در همین تالار با فعالان بورس و نهادهای سرمایه‌گذاری هم‌صحبت شوند. به‌طور حتم بورسی‌ها اقتصاد را بهتر از خیلی از مدیران تصمیم‌گیر ما بلد هستند. برای همین در شورای مشورتی سازمان مدیریت باید جایی برای بورسی‌ها باز کنیم. البته اگر می‌خواهیم از بلای انزوای تولید و اتفاقاتی

بیشتر است و متأسفانه به بازار سرمایه هنوز اهمیت جدی نمی‌دهند. کمی از ایران که دور شویم، بازار سرمایه حرف اصلی را در تامین مالی اقتصاد می‌زند و فعالان و سرمایه‌گذاران بازار سرمایه تعیین‌کننده فعل و انفعالات اقتصادی هستند. برای همین سرمایه‌ها به جایی می‌روند که اقتصاد صنعتی و رقابتی می‌شود، اما در ایران وقتی از یک فعال بازار سرمایه می‌پرسید که چه نظری درباره احیای سازمان مدیریت دارد، با تعجب نگاه می‌کند.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اگر قرار باشد با کارکردی جدید شکل بگیرد، باید یک بار برای همیشه از سمت نفت به سمت تولید برود و بورس و شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند برای رسیدن به این هدف کارکرد ویژه‌ای داشته باشند. کارشناسان سازمان مدیریت باید این مسئله را اجرایی کنند. آن‌ها باید به این پرسش پاسخ بدهند که چه طرح و برنامه‌ای برای بازگرداندن سازمان مدیریت به جایگاه اصلی خود دارند. نمی‌شود که سازمان برنامه فقط برای هزینه کردن پول نفت تصمیم بگیرد. البته این کار هم اتفاق بزرگی است. اگر در سال‌های گذشته نهاد عقلانی برای تخصیص بهتر پول نفت وجود داشت، امروز این بلاها بر سر اقتصاد نمی‌آمد. باید سازمان جدید فراتر برود و من فکر می‌کنم بهترین کار تاسیس یک اتاق فکر متشکل از اهالی بازار سرمایه در سازمان جدید مدیریت و برنامه‌ریزی باشد. این اتاق فکر هم بهتر نبض و دمای اقتصاد را می‌شناسد هم بهتر می‌تواند فکری به حال تخصیص بهینه منابع بکند.»

بررسی تولید و مصرف سوخت در ایران، عربستان و عراق

رقابت میان سه غول نفتی خاورمیانه

هر کشوری در دنیا برای تامین اقتصاد خود، نیازمند انرژی و منابعی است که توسعه را تضمین کند. این موضوع در خاورمیانه که به عنوان منطقه غنی و سرشار از نظر ذخایر انرژی محسوب می‌شود، به نظر چیز مهمی نمی‌آید، اما در عمل این چنین نیست. مصرف انرژی در این منطقه به همین نسبت بالای ذخایر از دیگر نقاط جهان بیشتر شده است، زیرا تراکم جمعیتی و نوع مصرف بهینه در این مناطق در اولویت‌های چندم است. اغلب این کشورها اقتصادهای در حال رشد دارند و برای شکوفایی صنایع خود، نیازمند سوختند، اما از آن‌جا که به دلایل سیاسی و اقتصادی متعدد نتوانسته‌اند به طور کامل ظرفیت پالایش خود را به کار گیرند، همچنان به واردات سوخت وابسته‌اند. ایران، عربستان و عراق سه رقیب دیرینه در این منطقه هستند که هر کدام ذخایر قابل توجهی در اختیار دارند و همیشه در زمینه سوخت نیز با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. هر کدام از این سه کشور به انرژی کلانی نیاز دارند تا بتوانند اقتصادهای خود را بچرخانند و درست به همین دلیل، سوخت موضوع استراتژیکی در منطقه شده است. در همین زمینه در این گزارش تلاش شده است تا نگاهی به مشخصات بازار سوخت سه کشور رقیب منطقه‌ای داشته باشیم.

عربستان بزرگ‌ترین پالایش‌گر نفت منطقه، واردکننده بنزین

عربستان سعودی یا شبه‌جزیره عربستان با اردن، کویت و عراق در شمال و عمان و یمن در جنوب هم‌مرز است. عربستان چهاردهمین کشور بزرگ دنیا و دومین عضو بزرگ اوپک از لحاظ گستره جغرافیایی محسوب می‌شود. این کشور ۳۰ میلیون نفری ۱۸ درصد ذخایر تثبیت‌شده نفت جهان را در اختیار دارد و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان به شمار می‌رود. بخش نفت و گاز این کشور ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی عربستان را تولید می‌کند و حدود ۸۵ درصد درآمد صادرات نیز به همین بخش اختصاص دارد. هم‌اکنون عربستان با در اختیار داشتن ظرفیت پالایش ۲،۲ میلیون بشکه‌ای

بزرگ‌ترین پالایش‌گر نفت منطقه خاورمیانه است. ظرفیت پالایش این کشور ۲۵۰۷ بشکه به ازای هر روز است و تولید محصولات پالایش‌شده آن ۱۸۴۱،۷ بشکه در روز محاسبه شده است. این کشور ۹ پالایشگاه تولیدکننده بنزین، سوخت و دیزل، پترولیوم مایع، سوخت جت، کروسین (نفت سفید) و دیگر محصولات نفتی دارد. هم‌چنین یکی از





پانزدهم است. عربستان در سال ۲۰۱۰ میلادی ۲۸۲۰ هزار متریک تن بنزین صادر کرده است. براساس آمار سازمان ملل در ۲۰۱۰ میلادی عربستان نهمین کشور پرمصرف بنزین دنیاست. قیمت بنزین این کشور براساس تخمین‌ها ۰٫۱۶ دلار است. این درحالی است که متوسط قیمت بنزین در سراسر دنیا ۱٫۲۷ دلار است. قیمت یک لیتر بنزین در عربستان ۰٫۱۴ دلار است.

امتیازات عراق به سرمایه‌گذاران صنعت نفت

عراق که در حال حاضر دومین تولیدکننده بزرگ اوپک به حساب می‌آید، با جمعیت ۳۵ میلیون نفری با ایران، کویت و عربستان سعودی هم‌مرز است. عراق علاوه بر نفت، گاز طبیعی، فسفر و سولفور نیز تولید می‌کند. طبق آمار اوپک ظرفیت پالایش این کشور ۸۳۰ بشکه در روز است و تولید محصولات پالایش‌شده آن ۶۰۱٫۳ بشکه در روز محاسبه می‌شود. آمار موجود برای میزان تولید بنزین این کشور نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۰ میلادی این کشور ۷۰ هزار بشکه در روز بنزین تولید کرد. اما در سال ۲۰۰۰ میلادی تولید سوخت این کشور به ۵۵ هزار بشکه در روز کاهش یافت. در این زمان عراق درگیر تحریم‌های متعدد و هم‌چنین در آستانه جنگ بود. اما در سال ۲۰۱۰ میلادی به دنبال تثبیت سیاسی این کشور و سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش تولید و استخراج نفت میزان تولید بنزین آن به ۷۱٫۷۹ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به سال قبل از آن ۸٫۸۶ درصد افزایش یافته بود. براساس آمار سازمان ملل، عراق یکی از واردکنندگان بنزین به حساب می‌آید و در ۲۰۱۰ میلادی سالانه ۱۶۷۷ هزار متریک تن بنزین وارد کرده است. این کشور ۲٫۴۷۲ هزار متریک تن در ۲۰۱۰ بنزین تولید کرد. این درحالی است که تولید بنزین ایران در همین سال ۱۲٫۰۸۴ و عربستان سعودی ۱۶٫۰۷۰ هزار متریک تن بود. هدف برنامه استراتژیک ۱۰ ساله عراق (۱۷-۲۰۰۸) افزایش ظرفیت پالایش از ۶۰۰ هزار بشکه در روز به ۱٫۵ میلیون بشکه در روز است. زیربنای پالایش کنونی بسیار قدیمی است و انگیزش‌هایی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید و کنونی اعلام شده است. برای مثال دولت برای ایجاد انگیزش سرمایه‌گذاری در این بخش به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد بهای محصولات پالایش‌شده را خود تعیین کنند. وزارت نفت، حداقل به مدت ۵۰ سال نفت خام را با تخفیف در اختیار آنان قرار می‌دهد. وزارت اقتصاد زمین موردنیاز برای احداث پالایشگاه را به مدت ۵۰ سال در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاران می‌توانند ایستگاه‌های نفت را داخل عراق بسازند و عملیاتی کنند و از همان محصولاتشان را بازاریابی کنند. در حال حاضر این کشور ۱۲ پالایشگاه دارد که ۶ واحد آن کوچک هستند و روزانه ۳۰ تا ۱۸۰ میلیون بشکه در روز را پالایش می‌کنند. بزرگ‌ترین پالایشگاه این کشور واحد صلاح‌الدین نام دارد که روزانه ۳۱۰ میلیون بشکه در روز را پالایش می‌کند. هم‌چنین ظرفیت پالایش ۷۰ میلیون بشکه در روز را در حال احداث دارد. قیمت یک لیتر بنزین در عراق ۰٫۴۰ دلار است.

ایران در گیرودار بنزین استاندارد یورو

براساس آخرین آمار، ایران سومین تولیدکننده بزرگ نفت در کارتل اوپک محسوب می‌شود.

پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در زمینه پالایش محسوب می‌شود که بیشتر محصولات خود را صادر می‌کند. سرمایه‌گذاری عظیم دولتی در بخش پالایش یک مورد از دلایل این امر است. برای مثال در می ۲۰۰۵، شرکت آرماکو اعلام کرد پالایشگاه جدیدی در یانبو با ظرفیت ۴۰۰ بشکه در روز خواهد ساخت. عربستان هم‌چنین در کشورهایی مانند کره جنوبی، فیلیپین، یونان، هند و چین وارد بخش پایین دست تولید نفت شده است. با وجود چنین ظرفیتی عربستان هنوز هم به واردات سوخت نیاز دارد تا اقتصاد خود را گسترش دهد. براساس آمار موجود این کشور نهمین واردکننده بزرگ

بنزین در دنیاست که در سال ۲۰۱۰ میلادی ۳٫۶۸۸ هزار «متریک تن» بنزین وارد کرده است. این روند تا سال ۲۰۱۲ ادامه داشت، اما در ماه ژوئن ۲۰۱۳ عربستان ۴۵ درصد از واردات سوخت خود کاهش داد و آن را به ۴٫۵ میلیون بشکه در همین ماه رساند. عربستان سعی دارد استفاده از نفت و سوخت‌های فسیلی را در کشور خود کم کند تا ذخایر بیشتری در اختیار داشته باشد. به همین دلیل پروژه‌های عظیمی در زمینه انرژی خورشیدی و سوخت هسته‌ای دارد.

اما رده این کشور در بخش صادرات بنزین

طبق آمار سازمان اوپک میزان صادرات نفتی ایران به ۶۱۹۲۳ میلیون دلار در سال می‌رسد. ظرفیت پالایش ایران ۱۷۱۴ هزار بشکه در روز است که البته ظرفیت تولید محصولات پالایش‌شده آن ۱۹۱۸٫۴ بشکه در روز است. هشت سال جنگ و تحریم‌های ممتد سبب شد صنعت نفت و پالایش ایران رشد چندانی نداشته باشد. ایران در سال‌های گذشته هم‌چنان یکی از واردکنندگان بزرگ بنزین بوده است. در سال ۲۰۰۸ ایران تقریباً ۴۰ درصد نیاز سوخت خود را از طریق واردات تأمین می‌کرد و به دلیل فقدان ظرفیت پالایش در ۲۰۰۹ ایران حدود ۱۱ میلیارد دلار صرف واردات سوخت کرد و حتی براساس آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ میلادی کشورمان ششمین واردکننده بزرگ بنزین بوده و ۵۰٫۳۳ هزار متریک تن بنزین وارد کرده است. پس از تحریم‌های ۲۰۱۰ میلادی وضع بنزین در ایران وخیم‌تر شد و ایران تصمیم به تولید سوخت گرفت. ظرفیت پالایشگاهی ایران در آن زمان روزانه ۱٫۸۵۰ میلیون بشکه در روز بود. در سال‌های اخیر ایران چهار طرح جدید بنزین‌سازی و توسعه در پالایشگاه‌های نفت لاوان، اصفهان، بندرعباس و تبریز را در مدار بهره‌برداری قرار داد تا روزانه ۱۲۷ تا ۱۳۰ هزار بشکه دیگر به ظرفیت پالایش طلای سیاه ایران افزوده شود. بر همین اساس بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ میلادی ظرفیت پالایش نفت خام و کاندنسیت گاز از یک میلیون و ۶۰۰ هزار به سه میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسید. در ۲۰۱۰ میلادی واردات بنزین به ۳۰ درصد رسید. از ژوئیه ۲۰۱۰ میلادی ایران ۲۸۰ تا ۲۸۵ هزار بشکه در روز بنزین تولید می‌کند. دولت در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد واردات بنزین را متوقف کرده و ظرفیت داخلی را افزایش داده است. اما در دولت جدید و در سال ۲۰۱۴ میلادی اعلام شد ایران ۱۰ تا ۱۱ میلیون لیتر بنزین را وارد می‌کند، زیرا بنزینی که از گذشته داخل کشور تولید می‌شود، با استاندارد یورو هم‌خوانی ندارد. در حال حاضر ایران تلاش دارد استاندارد بنزین یورو ۵ را در بنزین تولیدی خود رعایت کند و در واحدهای شازند و اصفهان به این استاندارد عمل می‌شود. قیمت یک لیتر بنزین در ایران ۰٫۳۱ دلار است.



سیری در اندیشه‌های اقتصادی ابن خلدون



سیدمحمدهادی رضوی و امیر وفایی
کارشناس ارشد سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان

برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف بلند پیشرو، بدون بررسی صحیح از داشته‌های گذشته و حال نمی‌تواند مجموعه‌ها را به سرمنزل مقصود برساند. شناخت بزرگان علمی و فرهنگی هر کشور و بررسی آثار و افکار آن‌ها بخشی از داشته‌های هر فرهنگ و تمدنی است که در پی مراجعت به دوران اوج شکوفایی خود است. چنین شناختی می‌تواند از مجرای خودشناسی فرهنگی و تمدنی، آحاد جامعه را مهیای برنامه‌ریزی برای افق‌های آتی گرداند. یکی از این بزرگان در حوزه تمدن اسلامی ابن خلدون است که این مقاله به مرور برخی از مباحث اقتصادی مطرح شده توسط این جامعه‌شناس بزرگ می‌پردازد.

ابن خلدون در خلال بحث‌های جامعه‌شناسانه خود، در کتاب‌هایش موضوعات اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده است. در این مقاله تنها سعی شده است برخی از افکار اقتصادی او که هفت قرن بعد در آغاز هزاره سوم هم‌چنان معتبر هستند، تشریح شود.

نظریات اقتصادی ابن خلدون

عرضه و تقاضا

از خلال بحثی که ابن خلدون پیرامون مسئله علل گرانی و ارزانی کالاها کرده، می‌توان به نظریه او در خصوص عملکرد عرضه و تقاضا در تعیین قیمت پی برد. او کالاهای مورد نیاز مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. کالاهای ضروری مانند مواد غذایی یعنی گندم، جو و حبوبات. ۲. کالاهای تفریحی و کمالی مانند میوه‌ها، اثاثیه منزل و پوشیدنی‌ها (تاوان، ۱۳۸۲). ابن خلدون معتقد است هرگاه شهر توسعه یابد و ساکنان آن افزون شود، بهای مواد ضروری از قبیل اغذیه و نظایر آن ارزان می‌شود و بهای اشیای تفریحی و کمالی رو به گرانی می‌گذارد و هرگاه جمعیت شهری تقلیل یابد و اجتماع و عمران آن ضعیف گردد، قضیه برعکس خواهد بود و علت آن این است که چون حبوب از مواد غذایی ضروری است، برای تولید آن‌ها کوشش فراوان می‌شود، زیرا هیچ فردی از فراهم آوردن مواد خوراکی خود و خانواده‌اش غفلت نمی‌کند و از این رو عموم یا بیشتر مردم در آن شهر یا در نواحی نزدیک آن برای تولید و به دست آوردن آن‌ها به تلاش می‌پردازند و ناچار هستند این‌گونه نیازمندی‌های خود را فراهم کنند و چون همه مردم برای به دست آوردن مواد غذایی خود می‌کوشند، مقدار بسیاری از مواد خوراکی نسبت به میزان نیازمندی آن‌ها زیاد می‌آید که نیاز بسیاری از مردم آن شهر را

اهمیت و جایگاه ابن خلدون آن‌گاه آشکار شد که اندیشمندان غربی در قرن نوزدهم با ترجمه «مقدمه» به زبان‌های مختلف، با او و آرای او آشنا شدند و از آن هنگام نقد و بررسی نظریه او آغاز شد. به گونه‌ای که درباره آثار و نوشته‌های او مطالبی به رشته تحریر درآوردند و روزبه‌روز تا زمان حاضر بر دامنه این تولیدات و آثار افزوده شده و می‌شود. باین‌حال جایگاه ابن خلدون و اندیشه‌هایش در جهان اسلام تا زمان بازترجمه غربی کتاب «مقدمه» او به زبان عربی، درک نشد. در ایران نیز روند مشابهی طی شده است و آشنایی عمومی با ابن خلدون با ترجمه کتاب «مقدمه» از زبان فرانسه در سال ۱۳۳۹ شمسی آغاز شد (ظریفیان، ۱۳۸۸).

ابن خلدون پدر علم جامعه‌شناسی

مهم‌ترین اثر ابن خلدون کتاب «تاریخ العبر» است که مقدمه آن مورد توجه مورخان و اندیشمندان قرار گرفته است. مقدمه اهمیت خاصی در مطالعات جامعه‌شناسی دارد و شامل یک دیباچه و شش باب است. ابن خلدون در مقدمه، پایه علم جدیدی را بنیان‌گذاری کرد که آن را علم عمران نامید. هدف علم جدید، تمدن انسانی و سازمان اجتماعی بود. علم عمران به دنبال تحقیق درباره ماهیت و اسباب و علل اجتماع انسانی است که جنبه‌های باطنی وقایع ظاهری تاریخ را آشکار می‌سازد. مسائلی که ابن خلدون جهت پاسخ‌گویی در این علم طرح می‌کند، عبارت‌اند از: «تاریخ چگونه به وضع کنونی خود رسیده است؟ و چه پدیده‌هایی در تکامل جوامع سیاسی و اجتماعی دخیل‌اند؟» او با رد هرگونه ذهنیت‌گرایی، جواب خود را به این سوال‌ها بر پایه محیط مادی و فیزیکی استوار می‌کند. اهمیت آثار و افکار ابن خلدون در حوزه جامعه‌شناسی به گونه‌ای است که بسیاری از محققان او را پدر علم جامعه‌شناسی می‌دانند، لقبی که چهار قرن بعد در اختیار آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸ میلادی) قرار گرفت (بعلی، ۱۳۸۲، صص ۳۳-۳۷).

ابن خلدون در کتاب مقدمه خویش که ملهم از هیچ‌یک از پیشینیانش نبود، پایه و اساس علم عمران خود را که بعدها علم جامعه‌شناسی نامیده شد، مطرح کرد. او در خلال درک شناخت و تحلیل جامعه و پدیده‌های آن، به تولید اندیشه‌های اقتصادی اصیل نیز پرداخت و در طی آن بذریه‌های نظریات مختلفی نظیر نظریه درآمد، تولید، مصرف، توزیع، عرضه، تقاضا، هزینه، مطلوبیت، ارزش کار، مالیات‌ستانی، رشد و توسعه، سود، قیمت، نقش دولت، پول و تجارت خارجی را کاشت که بی‌تردید او را به‌عنوان پیش‌گام بزرگ در تاریخ اندیشه‌های اقتصادی قرار می‌دهد. باوجود مشارکت او در گسترش دانش بشری، بعضی بدون این‌که افتخار این نظریات را به متفکر اصلی‌اش، ابن خلدون، نسبت دهند، بعدها به آدم اسمیت و دیگران نسبت داده‌اند (تاوان، ۱۳۸۲). با این‌که عنوان پدر علم اقتصاد به آدم اسمیت نسبت داده شده است، بزرگ‌ترین کار علمی او ۳۷۰ سال پس از مرگ ابن خلدون انتشار یافت (اویس، ۱۳۸۰).

زندگی و عصر ابن خلدون

عصر عبدالرحمن ابن خلدون حضرمی تونس، ملقب به ولی‌الدین (۱۴۰۶-۱۳۳۲ میلادی- تونس) تاریخ‌نگار و قاضی مالکی مذهب، دوران شتاب جهان اسلام به سوی تجزیه و انحطاط بود. او در دوران زندگی خود شاهد رخدادهای بزرگی در جهان اسلام چون فروپاشی دولت سلجوقیان در آسیای صغیر و ایلخانیان در ایران و عراق و ظهور تیمور بود. اندوخته و آثار علمی ابن خلدون حاصل صرف تحقیقات علمی نبود، بلکه مرهون دوران فعالیت‌های سیاسی او در شهرهای مغرب بود که ۲۰ سال به طول انجامید. ابن خلدون در مدت خدمت خود چندین بار از سوی حکمرانان مختلف محلی در آفریقای شمالی با بربرها به مذاکره پرداخت و این موضوع، اطلاعات ویژه‌ای را از اختلاف میان جوامع مختلف برای او فراهم کرد.

برطرف می‌کند و از این رو بی‌شک مواد خوراکی بیش از نیاز مردم آن شهر فراهم می‌آید و اغلب بهای آن‌ها تنزل می‌یابد (اخوان، ۱۳۸۹).

دیگر لوازم زندگی مانند میوه‌ها، پوشیدنی‌ها و نظایر آن‌ها چندان مورد نیاز عامه اهالی شهر نیست و مردم شهر یک‌سره در راه به دست آوردن آن‌ها تلاش نمی‌کنند، بلکه اکثریت مردم حتی به آن‌ها توجهی ندارند. گذشته از این، هنگامی که یک شهر از لحاظ عمران توسعه پذیرد و عادات و رسوم تجملی و ثروتمندی در آن بیش از حد رواج یابد، آن وقت این‌گونه لوازم تفننی طالبان فراوانی خواهد داشت و آن‌ها را طبقات مختلف به نسبت رفاه و آسایش زندگی خود بسیار به کار خواهند برد و در نتیجه مقدار موجود این‌گونه لوازم در برابر حوایج طالبان آن‌ها بیش از حد اندک خواهد بود و خریداران آن‌ها به‌طور روزافزون افزایش خواهد یافت. در صورتی که لوازم تفننی بر همان میزان نخست کمیاب باقی خواهد بود و از این رو جویندگان برای به دست آوردن آن‌ها ازدحام می‌کنند و توائگران و آسایش‌طلبان بهای آن‌ها را بیش از اندازه گران می‌پردازند، زیرا بیش از دیگران به آن‌ها نیازمندند و به همین سبب این‌گونه لوازم گران می‌شود.

تقسیم کار

به زعم ابن‌خلدون آنچه اقتصاد شهری را در مقایسه با اقتصاد روستا تحرک و بویایی می‌بخشد، تولید بیش از حد ضرورت یا تولید اضافی است که به واسطه بهره بردن از شیوه‌هایی نظیر کار گروهی، تقسیم کار و تخصصی شدن فنون به آن نائل می‌آیند (زکی، ۱۳۸۸).

تقسیم کار یکی از عوامل تولید اضافی به شمار می‌آید. ابن‌خلدون تقسیم کار را با مثال درو کردن خوشه‌های گندم روشن می‌سازد. کاری که در آن آهنگر، درودگر، گاودار، خوشه‌چین و... در آن با یکدیگر همکاری دارند. سپس نتیجه می‌گیرد که در چنین حالتی میزان کمتری از کارها برای رفع نیازمندی‌ها لازم است. درنهایت او پیشنهاد می‌دهد که کارهای ساکنان شهر بر مقدار ضروریات و نیازمندی‌های آنان تقسیم شود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۹، ص ۷۱۲). تقسیم کار از جمله مباحثی بود که آدام اسمیت به آن پرداخت. او مانند ابن‌خلدون با مثالی در مورد یک واحد سنجاق‌سازی، تولید کارخانه را با تقسیم کار و بدون تقسیم کار مورد مقایسه قرار می‌دهد. نتیجه تقسیم کار نزد هر دو عبارت بود از

کاهش نیروی کار، تخصصی شدن فنون و افزایش تولید (هوشیار، ۱۳۸۸).

منشأ ارزش محصولات

به استثنای جوزف شومپتیر که چند ماه قبل از مرگش به مکتوبات ابن‌خلدون دسترسی پیدا کرد، بیشتر اقتصاددانان غربی، تئوری ارزش را به آدام اسمیت و دیوید ریکاردو نسبت می‌دهند (تاون، ۱۳۸۲). زیرا آن‌ها تلاش کردند تا توجیه معقولی برای پارادوکس ارزش بیابند. طبق نظر آدام اسمیت و نظر پیشرفته‌تر دیوید ریکاردو، ارزش مبادله کالاها برابر مقدار کار صرف‌شده در تولید آن‌هاست. با بررسی مجموع نظریات ابن‌خلدون در زمینه ارزش، ملاحظه می‌شود که گرچه او ارزش را منحصر در کار نمی‌داند، اما اکثریت نزدیک به تمامی آن را ناشی از کار می‌داند. یکی از محققان در تاریخ عقاید اقتصادی خود، ابن‌خلدون را پیشاهنگ طرح تئوری ارزش کار می‌داند و معتقد است که او قرن‌ها قبل از آدام اسمیت، ریکاردو و مارکس در مورد اهمیت ارزش کار در تعیین ارزش اقتصادی تاکید کرده و ارزش کالا را معادل با کار متبلور در آن دانسته است (تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۴۱). او خود ابن‌خلدون پس از توضیحات مفصلی که درباره ارزش در موارد گوناگون (خدمات، کالا، بازرگانی و تجارت) می‌دهد، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «بنابراین آشکار شد که کلیه یا بیشتر سودها و اضافات عبارت است از ارزش کارهای انسانی.» یعنی در بسیاری موارد نظیر خدمات (مامایی، پزشکی و نویسندگی)، به‌طور کلی ارزش ناشی از کار است. اما در مورد کالاها، ارزش کار، یک عامل مهم است، هر چند ارزش مواد اولیه و طبیعت نیز بایستی لحاظ گردد. در مورد فعالیت‌های تجاری و بازرگانی، ابن‌خلدون علاوه بر کار، عامل سرمایه را نیز در ارزش کار داخل می‌کند و ارزش آن را نیز ناشی از کاری می‌داند که قبلاً انجام شده است. بنابراین منشأ ارزش فعالیت‌های تجاری و بازرگانی نیز درنهایت کار است.

اقتصاد دولتی

از جمله مسائلی که نظر ابن‌خلدون را به خود جلب کرده، نقش دولت و امرا در امور اقتصادی است. دولت پس از ورود به مرحله شهرنشینی هم‌گام با جامعه متحول می‌گردد. اساس تمامی این تحولات، تغییرات اقتصادی است که به دنبال رشد و توسعه شهرها رخ می‌دهد. افزایش تولید و ازدیاد ثروت بر میزان خراج و درآمدهای دولت می‌افزاید. این امر دولت را همانند جوامع به سوی تجملات و رفاه بیشتر سوق می‌دهد. فرجه شدن دولت و افزایش مستمری‌بگیران لشکری و کشوری از دیگر پیامدهای مهم افزایش درآمد دولت است. به این ترتیب افزایش درآمد دولت با افزایش مخارج و هزینه‌ها و کاهش درآمد خزانه همراه است. عدم تعادل میان مخارج و مداخل به‌سرعت دولت را در تامین هزینه‌های خود ناتوان می‌کند و جهت جبران کسری درآمد در پی دخالت در امور اقتصادی برمی‌آید. این امر مهلک‌ترین ضربه را بر اقتصاد وارد می‌کند (هوشیار، ۱۳۸۸). چراکه به زعم ابن‌خلدون هیچ قدرتی قادر به رقابت با دولت نیست، از

آن رو که دولت یگانه مرجع وضع قانون و دارنده ثروت و سرمایه کلان است. او مهم‌ترین راه‌های دخالت دولت در امور اقتصادی را چنین ذکر می‌کند: افزایش باج و خراج و وضع مالیات‌های اضافی، دخالت در خرید و فروش اقلام مورد نیاز مردم و احتکار اجناس، مصادره و دست‌اندازی به ثروت تجار و صاحبان سرمایه (زکی، ۱۳۸۸).

درحالی‌که ابن‌خلدون در جامعه علمی به‌عنوان دانشمند حوزه جامعه‌شناسی شناخته می‌شود، اما در لابه‌لای مهم‌ترین اثر خود (مقدمه) به طرح برخی مباحث اقتصادی پرداخته که در جامعه خود مشاهده کرده است. برخی از مباحث اقتصادی که او مطرح کرد، چهار قرن بعد در اروپا مورد بررسی قرار گرفت و در تاریخ اقتصاد به نام آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و دیگران ثبت شد؛ مباحثی مانند تقسیم کار، نظریه منشأ ارزش، عرضه و تقاضا و دیگر مباحث که هنوز اعتبار خود را پس از گذشت حدود هفت قرن حفظ کرده‌اند.

دانشمندان مهجور زیادی مانند ابن‌خلدون در تاریخ حوزه تمدن اسلامی وجود دارند که باوجود مشارکت و آفری که در پیشبرد مرزهای دانش داشته‌اند، در طول اعصار حتی در مرز و بوم خود نیز ناشناخته مانده‌اند و بعضاً آشنایی با آن‌ها تنها از طریق منابع مجدداً ترجمه‌شده خارجی میسر شده است. بر هر جامعه که در پی برنامه‌ریزی جهت توسعه و رشد همه‌جانبه است، فرض است که شناخت صحیحی از بزرگان و داشته‌های علمی و فرهنگی خود داشته باشد. چنین شناختی می‌تواند درک درستی از مسیری که پیموده شده به دست دهد تا دست‌مایه مسیری که قرار است پیموده شود، باشد.

مراجع

- ۱- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹
- ۲- بعلی، فواد، جامعه، دولت و شهرنشینی، تفکر جامعه‌شناختی ابن‌خلدون، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- ۳- مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه مجید مسعودی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰
- ۴- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، ۱۳۷۲
- ۵- اویس، م. ابراهیم، ابن‌خلدون پدر علم اقتصاد، ترجمه نصرالله خلیلی تیرتاشی، مجله معرفت، شماره ۴۱، ۶۱-۶۹، ۱۳۸۰
- ۶- اخوان، حمید، مقایسه اجمالی نظریات اقتصادی ابن‌خلدون و آدام اسمیت، اندیشه صادق، شماره ۱۰، ۸۳-۹۷، ۱۳۸۹
- ۷- توسلی، غلامعباس، تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی و مالکیت از دیدگاه ابن‌خلدون، ابن‌خلدون و دنیای معاصر، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸
- ۸- زکی، محمدعلی، بررسی بینش جامعه‌شناختی اقتصادی ابن‌خلدون، ابن‌خلدون و دنیای معاصر، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸
- ۹- هوشیار، فریاز، بررسی تطبیقی اقتصاد شهری از منظر ابن‌خلدون و آدام اسمیت با تاکید بر نقش دولت، ابن‌خلدون و دنیای معاصر، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸
- ۱۰- ظریفیان، غلامرضا، ابن‌خلدون و تولید دانش در بستر قدرت، ابن‌خلدون و دنیای معاصر، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸
- ۱۱- جنالی‌زاده چوب دستی، حیدر، جایگاه عوامل اجتماعی در توسعه فعالیت‌های علمی و فنی از دیدگاه ابن‌خلدون، ابن‌خلدون و دنیای معاصر، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸
- ۱۲- تاون، جرج، ابن‌خلدون پدر علم اقتصاد، ترجمه حسن توانیان‌فرد، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۵-۱۵۰، ۱۳۸۲



آرامش به بورس برمی‌گردد | لطفا هیجان زده نشوید

سهام ادامه داد: «به نظر می‌رسد روند قیمت سهام تا پایان سال بازم با نوسان و فراز و فرودهایی همراه باشد، اگر چه گزارش عملکرد شرکت‌ها با توجه به نزدیک شدن به پایان سال مالی آن‌ها، می‌تواند بر روند قیمت سهام در بورس تاثیر بگذارد. این در حالی است که تجربه نشان داده که عملکرد بودجه‌ای شرکت‌ها به مراتب بهتر از پیش‌بینی آن‌هاست، یعنی پیش‌بینی بودجه شرکت‌ها معمولاً محتاطانه است.»

نفت هم مقصر بود

عظیم ثابت، کارشناس بازار، در خصوص ریزش بورس در روزهای گذشته انگشت اتهام را به سوی نتایج مذاکرات نفت و نزول قیمت آن نشانه رفت و گفت: «بهانه افت بورس عدم حصول نتیجه مشخص در مذاکرات هسته‌ای بود که از هفته گذشته آغاز شد، اما ادامه این روند به کاهش قیمت نفت و افزایش قیمت دلار مربوط می‌شود.» به گفته او بورس تهران برای آغاز حرکت صعودی خود به یک محرک اقتصادی قوی نیاز دارد. ثابت افزود: «به طوری که کاهش شدید قیمت نفت که از روز گذشته اتفاق افتاده است، در بازار سرمایه بسیار اثرگذار بود، زیرا نفت بخش زیادی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد و زمانی که قیمت نفت کاهش پیدا کند، طبیعتاً درآمدهای دولت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در کنار آن افزایش قیمت دلار موجب سوق دادن منابع به آن سمت شد. بنابراین عواملی موجب شد تا ترس زیادی در بازار سرمایه ایجاد شود، چون قیمت نفت در کلیه مناسبات اقتصادی تاثیرگذار بوده و کاهش قیمت آن دولت را وارد چالش می‌کند. بر این اساس برخی سهام‌داران به این نتیجه رسیدند که به دلیل مبهم بودن چشم‌انداز بازار سرمایه نسبت به فروش سهام خود اقدام کنند.»

ثابت از دیگر عوامل کاهش قیمت سهام شرکت‌ها در بورس را ابهامات موجود در بودجه سال آینده دانست و گفت: «هر ساله چالش‌هایی در بودجه سالانه کشور وجود دارد و از آنجا که قیمت برخی صنایع مانند معدنی‌ها و پتروشیمی‌ها قرار است در بودجه امسال دیده شود و همچنین به دلیل تعیین قیمت دلار و نفت در بودجه سال ۱۳۹۴ ترس در بازار سرمایه ایجاد شده است. بازار سرمایه برای آغاز حرکت صعودی خود به یک محرک جدید و قوی اقتصادی مانند افزایش قیمت نفت نیاز دارد تا با انگیزه جدید رشد خود را آغاز کند، در غیر این صورت بازار به راحتی به فاز استراحت می‌رود.» او در خصوص پیش‌بینی وضعیت آینده بازار سهام گفت: «به دلیل تغییر و تحولات زیادی که قرار است در روزهای آینده ایجاد شود، نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از وضعیت بازار ارائه داد. این در حالی است که اگر افزایش قیمت فلزات و نفت در روزهای آینده اتفاق بیفتد و همچنین در بودجه سال ۹۴ برای شرکت‌های پتروشیمی و معدنی اخبار خوبی منتشر شود، وضعیت بازار سهام نیز بهبود پیدا می‌کند.»

فعلی مورد بررسی قرار داد. قاسمی خط مقاومت شاخص را هم ۷۰ هزار واحد توصیف کرد و افزود: «احتمالاً بعد از رسیدن به این مرز مقاومت شاخص دوباره به مدار صعود باز خواهد گشت و دامنه نوسان دماسنج بازار هم بین ۷۰ تا ۸۰ هزار واحد خواهد بود.»

عقب‌نشینی بورس طبیعی بود

فرهاد طالب‌زاده، کارشناس بازار سرمایه، در این خصوص معتقد است: «اگرچه توافق سوم آذر و تعلیق تحریم‌ها برای برخی صنایع، امیدوارکننده و اتفاقی مثبت تلقی می‌شود، اما به دلیل جو روانی، قیمت سهام کاهش یافت و صف‌های فروش شلوغی در تالار حافظ شکل گرفت.» به گفته او روند صعودی قیمت سهام در یک ماه گذشته از انتظارات سهام‌داران در خصوص دست‌یابی به توافقات هسته‌ای ناشی می‌شد، آن‌ها بر این باور بودند که تکلیف در همین دور از مذاکرات یک‌سره خواهد شد. طالب‌زاده می‌گوید: «صنایعی که منفعبت بیشتری از رفع



تحریم می‌برند، در این مدت با بالاترین شیب رشد قیمتی همراه شدند. در این خصوص می‌توان از صنعت بانکداری و خودرو نام برد. در چنین شرایطی قطعاً تمدید مذاکرات هسته‌ای تا ۱۰ تیر سال ۹۴ نتیجه‌ای جز افت قیمت سهام به همراه نخواهد داشت.» به گفته او طبیعتاً بخشی از رشد قیمت که حاصل خوش‌بینی‌ها در یک ماه گذشته است، از دست برود، اگرچه رسیدن به سطوح قیمت قبلی سهام نیز بعید به نظر می‌رسد. طالب‌زاده تاکید کرد: «افت قیمت سهام طی چند روز اخیر منطقی است، چون انتظارات مثبت در خصوص نتیجه نهایی مذاکرات، باعث رشد قیمت سهام طی یک ماه اخیر شده بود، در نتیجه به دلیل عدم تحقق انتظارات مذکور شاهد کاهش قیمت سهام هستیم. این در حالی است که اتفاق خاصی نیز به لحاظ اقتصادی حاصل نشده است.» او پیش‌بینی کرد که روند قیمت سهام طی روزهای آینده متعادل شود، این در حالی است که نهایی شدن بودجه سال ۹۴ هم به شفاف‌سازی در خصوص صنایع مختلف می‌انجامد و این روند بر قیمت سهام در بورس تاثیرگذار خواهد بود. این فعال بازار

بازار سرمایه بعد از مدت‌ها نزول و رکود از اواخر مهرماه دوباره رنگ امید و رونق را به خود دید، یعنی اولین ماه پاییز که به آخر رسید، سهام‌داران دوباره به صرافت خریدهای جدید افتادند. در آن روزها حرفه‌ای‌ها سه دلیل عمده را عامل امیدواری سهام‌داران می‌دانستند؛ به نتیجه رسیدن عن‌قریب مذاکرات هسته‌ای، احتمال کاهش نرخ سود بانکی و البته گزارش‌های شش ماهه امیدوارکننده شرکت‌ها. بعضی از کارشناسان هم پیش‌بینی می‌کردند چون هیچ‌یک از این دلایل قطعی نیست، می‌توان در آینده نه‌چندان دور شاهد تغییر مسیر حرکت شاخص بود. در میان موج امیدواری شدید به نتیجه مذاکرات هم سردوگرم چشم‌پوشی‌های بازار به شدت تاکید داشتند که باید از رویابافی آماتورها جلوگیری کرد، چون در غیر این صورت چه اخبار خوشی از مذاکرات مخابره شود چه گزارش‌های نامیدکننده، واکنش بازار چیزی جز هیجان‌زدگی افراطی نخواهد بود، یعنی چند صباحی بازار شاهد سقوط یا نزول شدید شاخص خواهد بود. اما به‌زودی وقتی تب‌وتاب اولیه فروکش کند، همه به مدار تعقل باز خواهند گشت و بورس روندی عادی در پیش خواهد گرفت. مرحله اول پیش‌بینی هم دقیقاً یک روز بعد از اعلام نتیجه مذاکرات وین خودنمایی کرد و شاخص سقوط سه رقی را پشت سر گذاشت و این روند در روزهای بعد هم ادامه پیدا کرد. نتیجه این که بورس و سهام‌داران عجول و آماتور این بار از طرف دیگر بام سقوط کردند، آن هم درحالی که بدبینانه‌ترین نتیجه مذاکرات هم امیدوارکننده به نظر می‌رسید. این بدان معناست که هیجان در روزهای بعد از تمدید مذاکرات علت‌العلل همه رفتار بورسی‌ها بود.

نوسان بین ۷۰ تا ۸۰ هزار واحد

سیامک قاسمی، کارشناس اقتصادی و تحلیل‌گر بازار سهام، معتقد است دلیل نزول شاخص بعد از اعلام خبر تمدید مذاکرات تبعات خوش‌بینی‌های زایدالوصفی است که در هفته‌های گذشته بر بازار حاکم بود. او گفت: «این خوش‌بینی آن‌چنان دامنه‌دار بود که گروهی از سهام‌داران حقیقی حتی اقدام به دریافت وام کردند و سهام خریدند.» با این اوصاف این کارشناس اقتصادی پیش‌بینی می‌کند که شاخص بعد از یک دوره نوسان و هیجان‌زدگی دوباره در مدار صعود قرار خواهد گرفت و این بار شاخص در واکنش به حقایق بازار در فاصله ۷۰ و ۸۰ هزار واحد در حال صعود خواهد بود. او در تشریح همین واقعیت‌ها گفت: «در حال حاضر فضای خوف و رجا بر شرکت‌ها حاکم است که عموماً از افزایش ارزش جهانی دلار و کاهش قیمت نفت ناشی می‌شود.» به گفته او ارزش دلار به شدت در جهان در حال افزایش است و تبعات آن همیشه کاهش شدید قیمت مواد اولیه از جمله نفت، فولاد، مس، محصولات پتروشیمی و گاز است. به گفته او در تحلیل بورس نمی‌توان فقط به شرایط بورس توجه کرد، یعنی باید شرکت‌ها و صنایع بورسی را به‌خصوص در شرایط اقتصادی

سلامت همه آفاق در سلامت توست

نشانه‌های سرطان ریه سیگاری‌ها بخوانند



ریه یا جگرسفید یکی از دوعضو حساس واقع در قفسه سینه است که از زیر استخوان ترقوه تا پایین قفسه دنده‌ها امتداد یافته است. ریه مانند سایر اندام‌های بدن می‌تواند سرطانی شود. سرطان ریه از یک مشکل بهداشتی بی‌اهمیت در ابتدای قرن حاضر و به‌عنوان یک عامل کوچک مرگ‌ومیر در گذشته اکنون به‌عنوان یکی از سرطان‌های اصلی کشنده مطرح است.

علل سرطانی شدن ریه

براساس برخی آمارهای معتبر به‌طور کلی ۹ نفر از ۱۰ بیمار مبتلا به سرطان ریه سیگاری هستند. وقتی فردی سیگار مصرف می‌کند، به جز سرطان‌های لب و مثانه که احتمال شیوع بالایی دارند، دو مسئله در مورد ارگان حساسی مانند ریه مطرح می‌شود؛ یکی بیماری مزمن تنفسی و دیگری سرطان‌های ریه.

فرد هرچه زودتر اقدام به مصرف سیگار کند، ریه او ناکامل‌تر رشد خواهد کرد. تغییرات در مخاط برونش به علت مصرف سیگار ظرف سال‌ها اتفاق می‌افتد و در آن‌هایی که سیگار را قطع می‌کنند، خطر خیلی زود مرتفع می‌شود. بی‌شک افراد غیرسیگاری که با افراد سیگاری زندگی می‌کنند، در خطر ابتلا به سرطان ریه شریک هستند. با بهترین وسایل تهویه و وسایلی که هوا را حرکت می‌دهد، نمی‌توان دود سیگار موجود در هوا را به حدی رساند که بی‌خطر باشد. بنابراین جدا کردن فیزیکی سیگاری‌ها مهم است. باید دانست فرزندان والدین سیگاری نسبت به بچه‌های والدین غیرسیگاری عفونت‌های تنفسی بیشتری می‌گیرند.

ضعف، خستگی و کاهش وزن و کم‌اشتهایی نیز می‌تواند از نشانه‌های عمومی این بیماری باشد.
گرفتگی یا تغییر صدا که بیشتر از دو هفته طول بکشد.

شناسایی و تشخیص بیماری

تکنیک جدید تصویربرداری به نام «سی‌تی اسکن اسپاریدال»، آزمایش خلط، عکس‌برداری از ریه، پرتوگرافی با استفاده از تشدید میدان مغناطیسی و انواع نمونه‌برداری‌ها، توموگرافی، سونوگرافی، آزمایش تنفس و آزمایش خون، از جمله راه‌های شناسایی و تشخیص این بیماری است.

روش‌های درمان پزشکان متخصص سرطان با در نظر گرفتن عوامل متعدد از روش‌های شیمی‌درمانی، رادیوتراپی، جراحی، درمان فتودینامیک، درمان بیولوژیکی یا ایمونولوژیک و سوزاندن ضایعه بدخیم، یا ترکیبی از این موارد برای درمان بیمار اقدام می‌کنند. فراموش نکنید؛ هیچ‌گاه برای ترک سیگار دیر نیست.

گردآوری و تدوین: موسسه همیاران مهیار

دیگر مواردی که تماس با آن‌ها خطر سرطان ریه را افزایش می‌دهد، عبارت‌اند از: تماس با موادی از قبیل گاز رادون، آزبست، گاز خردل، هیدروکربورهای چند حلقه، کلرومیتل اتر، کروم، نیکل، مواد غیرارسینیکی، آکریلو نتریت، مرلیوم، سرب و کادمیوم. ضمناً آلودگی مستمر هوایی که انسان تنفس می‌کند و کمبود ویتامین A نیز از عوامل موثر ایجاد این بیماری هستند.

نشانه‌های سرطان ریه

متأسفانه این بیماری در مراحل ابتدایی هیچ نشانه‌ای از خود بروز نمی‌دهد و اغلب بیماران زمانی به پزشک مراجعه می‌کنند که سرطان در مراحل پیشرفته قرار دارد. باین‌حال شایع‌ترین نشانه‌ها که توجه به آن‌ها می‌تواند موجب تشخیص و درمان به‌موقع شود، عبارت‌اند از:

- افزایش تعداد یا شدت سرفه در فرد سیگاری
- سرفه به همراه خلط خونی حتی به میزان اندک
- درد مبهم یا مشخص در قفسه سینه
- عفونت‌های ریه و مجاری تنفسی
- بروز خس‌خس قفسه سینه
- تنگی نفس در اثر فعالیت



حکایت‌های زمستانی در شب یلدا

شرمین نادری

در قصه‌های قدیمی در شب یلدا، ضحاک جمشید را می‌کشد و به خاطر این گناه بزرگ ایران زمین در شب مطلق فرو می‌رود؛ شب بی‌ایانی که تنها با مرگ ضحاک و آمدن کاهه تمام می‌شود. می‌گویند مردم قدیمی ایران باور داشتند که در این شب نشانه‌هایی برای اهل خرد هست؛ نشانه‌هایی مثل تصویر ستاره‌های عجیب، قارونی که شبانه در خانه‌ها را می‌زند یا گاوی که به جای شیر، عصا نیک و سپیدی تقسیم می‌کند و صدای فریادش سیاهی شب را شکاف می‌دهد. همین هم بود که پدران ما تا دیروقت بیدار می‌ماندند و در شب سیاه ایران زمین منتظر شکاف شمشیر صبحدم می‌نشستند. لابد سرشان را با قصه گرم می‌کردند و با میوه‌های تابستانی که در کاه‌گل قایم کرده بودند و آرزوی آمدن روزهای بلند تابستان را به آسمان می‌فرستادند. همین هم هست که شروع فصل زمستان و بلندترین شب سال بر از قصه است؛ از بس که قدیمی‌ترها قصه گفتند در شب پیش از اولین روز دی‌ماه؛ از بس که دی‌ماه سالگرد و ماجرا و حکایت دارد.

حکایت زمستانی زلزله بم



دیگر ۹ سال آزرگار از شب پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲ می‌گذرد؛ همان شب که سیاهی در ایران به اوج رسید و بم لرزید و قصه تلخ شد. فردای آن روز وقتی خبر به مردم شهرهای دیگر ایران رسید، کسی نمی‌دانست شب‌های بی‌خوابی زیاد دیگری در پیش است؛ شب‌هایی که مردم در صف اهدای خون به صبح می‌رسانند، شب‌هایی که مردم لباس‌های تن و فرش‌های زیر پایشان را برای مردم عزیز بم پیشکش می‌کنند و شب‌هایی که آدم‌ها کورکورانه و با عشق تکه‌سنگ‌ها را از روی خانه‌های ویران برمی‌دارند، به امید این‌که در این تاریکی مطلق، صدای روشنی دل‌تنگی‌شان را تمام کند و دردهایشان را پایان بخشد. همان شب‌هایی که خبرگزاری ایرنا از استقبال کم‌نظیر مردم تهران نوشت برای اهدای خون به زلزله‌زده‌های کویر و از میدان ولی‌عصر بنامده و ایستگاه‌های مالا مال از مردم و کیسه‌های بزرگ لباس و پتویی که از ماشین‌ها درمی‌آمدند و روی دوش‌ها سوار بودند.

«استقبال کم‌نظیر مردم تهران برای اهدای خون به زلزله‌زدگان بم و هم‌وطنان حاشیه کویر لوت، هم‌چنان پابرجاست، به طوری که پایگاه‌های انتقال خون در میدان و نقاط گوناگون جواب‌گوی آنان نیست. به گزارش خبرنگاران ایرنا از سطح شهر در ساعت دو نیمه شب شنبه، به‌ویژه میدان ولی‌عصر و خیابان انقلاب و وصال شیرازی که اکیپ‌های پایگاه‌های انتقال خون در آن مستقر است، حضور بی‌نظیر مردم و صف‌های طولی باعث شده تا کار خون‌گیری با مشکل مواجه شود.»

حکایت زمستانی اولین سانحه هواپیما

ششم دی سالگرد حکایت تلخی دیگر است در تاریخ ما. به قول روزنامه اطلاعات سال ۱۳۳۱ قصه بزرگ‌ترین سانحه تاثرآور هواپیما در ایران...

«حادثه سقوط هواپیمای دو موتور ایران و درگذشتن ۲۳ تن سرنشینان آن بلافاصله پس از وقوع مخابره گردید و روز جمعه تمام ایستگاه‌های رادیویی جهان این واقعه را منتشر ساختند.»

حکایت زمستانی مرگ امیرکبیر

قصه امیرکبیر یک قصه زمستانی است؛ چه ازدواجش با عزت‌الدوله در ۲۶ بهمن ۱۲۲۷، چه برکناری‌اش از کارهای بزرگ و اصلاحاتش و چه مرگ غمگینش در ۱۸ دی ۱۲۲۹.

هرچند می‌گویند برکناری میرزا تقی خان برای میرزا آقا خان نوری و مهد علیا کافی نبود. چون از محبت و دوستی شاه جوان به این مرد دنیاپایده باخبر بودند و می‌توسیدند که همه چیز برگردد سر خانه اولش. پس توی گوشش از قدرت دوستی امیر گفتند و از توانایی‌اش که بی‌راه هم نبود این توانایی و شاه را به فکر انداخت که تنها رقیب قدرت را از میان بردارد و با خیال راحت بنشیند سر تختش. هرچند دلش رضا نمی‌داد به کشتن پدر خواهرزاده‌های کوچکش. این وسط البته موش دواندن جاسوس‌های سفرای روس و انگلیس هم بودند که از نگرانی‌های سران دول خارجی می‌گفتند و تردید شاه را به یقین تبدیل کردند. بعد هم البته آن سیاست خطرناک مهد علیا بود که شخصا چادر و رونده بست و بالیاس مبدل به خانه حاجب‌الدوله فرانش باشی رفت و دستور مرگ امیر را



داد، بعد هم مهمانی مفصلی گرفت و عروسی بی‌ربطی برای اعتضادالسلطنه عموی شاه با سلطان خانم رقاچه راه انداخت و این وسط در عالم مستی و بی‌هوشی با کمک یکی از زنان حرم امضای پسرش را گرفت و حاجب‌الدوله را راهی کاشان کرد. گرچه می‌گویند شاه با چشم گریان فرمان را امضا کرد و دلیلش هم این بود که مستی بهانه‌ای بود برای امضای حکم مرگ مردی که از ته دل دوست می‌داشت.

«چاکر آستان ملایک پاسبان فدوی خاص دولت ابرمدت،

حاجی علی‌خان پیشخدمت خاصه، فرانش باشی دربار سپهر اقتدار، ماموریت دارد به فین کاشان رفته، میرزا تقی‌خان امیرکبیر را راحت نماید و در انجام ماموریت بین الاقران مفتخر و به مراسم خسروانی مستظهر بوده باشد.»

آن روز سرد کاشان هم، حمام فین جای بد و ترسناکی است، چون حاجب‌الدوله فرانش باشی که فرمان قتل امیر را در حمام فین کاشان می‌خواند، حتی نمی‌گذارد که مرد دل‌سوخته برای همسرش یادداشتی بنویسد و فورا رگ‌های امیر را با تیغ می‌گشاید و بعد هم بی‌مروتی دستور می‌دهد دستمال در گلوش فرو کنند. این وسط اما عزت‌الدوله که از دیرکردن شوهر تاب و توان از دست داده، خدمه را به دنبال شوهر می‌فرستد و عاقبت خودش راهی حمام می‌شود و سربازان را می‌بیند و همه چیز را می‌فهمد و فریاد می‌زند و تهدید می‌کند و در سنگ‌چین شده را با دست‌های کوچکش می‌شکند و بالاخره مرگ شوهر را به چشم می‌بیند. به قول کنت گوبینوی سفرنامه‌نویس، «آن در شکسته چوبی قلب هر بیننده‌ای را فرو می‌ریزند.»

حکایت زمستانی گشایش دارالفنون

افتتاحیه مدرسه دارالفنون، اولین مدرسه علوم و فنون در ایران، در هشتم دی‌ماه سال ۱۲۳۰ خورشیدی برگزار شد؛ آن هم درست ۱۲ روز قبل از کشته شدن باعث و بانی‌اش امیرکبیر، به فرمان شاهی که برادرزنش بود. در این افتتاحیه معلمان اتریشی دارالفنون که به دعوت امیر به ایران آمده بودند و شاه و صدراعظم جدیدش میرزا آقا خان و البته ۳۰ نفر دانش‌آموز تازه حضور داشتند. هرچند شنیده‌ها از سردی مهمان‌نوازی ایرانیان بعد از رفتن امیر حکایت دارد. قصه دکتر پولاک پزشک در این میان خواندنی است.

«ما در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱ به تهران وارد شدیم. پذیرایی سردی از ما نمودند. کسی به پیشواز ما نیامد و اندکی پس از آن آگاه شدیم که در این میانه اوضاع دگرگون شده است و چند روز پیش از ورود ما، در پی کارشکنی‌های درباریان و به‌ویژه دسیسه‌های مادر شاه، که از دشمنان سرسخت امیرنظام بود، میرزا تقی‌خان از کار برکنار شده بود. اما همین که امیر از ورود ما آگاه شد، به میرزا داودخان گفته بود این نساوسی‌های بیچاره را من به ایران آورده‌ام. اگر سر کار بودم، اسباب آرامش آن‌ها را فراهم می‌کردم، اما اکنون نگرانم به آنان خوش نگذرد. سعی کن کارشان روبه‌راه شود.»

به بهانه سالروز تولد محمدعلی جمالزاده، پدر داستان‌نویسی ایران

یکی بود، یکی نبود

شعر و شاعری در ایران قدمتی بیش از هزار سال دارد، اما شاید خیلی از کسانی که امروز داستان کوتاه می‌خوانند، ندانند عمر داستان‌نویسی در ایران کمتر از صد سال است. نکته جالب این است که به شکل متناقض و عجیبی، داستان‌نویسی فارسی در خارج از ایران متولد می‌شود! در واقع اولین داستان کوتاه در مجله‌ای در برلین منتشر می‌شود. بیست‌وسوم دی‌ماه سالروز تولد کسی است که این داستان را نوشته و به این بهانه، این شماره از او و درباره او می‌نویسیم تا با محمدعلی جمالزاده، پدر داستان‌نویسی ایران، بیشتر آشنا شویم.

مقدمه‌ای نوشته که از آن به‌عنوان بیانیه نثر معاصر فارسی یاد می‌شود. همه می‌دانیم که در هر شاخه هنری، هر شیوه تازه‌ای با مخالفان و موافقانی همراه است. در مورد این اثر جمالزاده هم بسیاری بر آن نقد نوشتند و با آن مخالفت کردند. به‌رحال او کاری را انجام داد که افرادی زیادی پیش از او قصد داشتند آن را انجام دهند؛ قرار دادن ادبیات فارسی در دسترس همگان و عموم مردم.

مخالفت‌ها و نقدها به اثر او و هم‌چنین به گفته خود جمالزاده «لذت‌های زندگانی» از طرفی دیگر باعث می‌شود تا او در تمام دوران سلطنت رضاخان سکوت کند. برای همین است که بین اولین و دومین اثر داستانی‌اش نزدیک به ۲۰ سال فاصله می‌افتد. بعد از این مدت او داستان‌های دیگری از جمله «حسینعلی میرزا» و «سر و ته یک کرباس» را می‌نویسد. او بر نویسندگان پس از خود مانند صادق هدایت، جلال آل‌احمد و بزرگ علوی تأثیر بسیاری می‌گذارد. از دیگر آثار داستانی جمالزاده می‌توان به «تلخ و شیرین»، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار»، «شورآباد» و «راه‌آب‌نامه» اشاره کرد، هر چند هیچ‌کدام از این آثار نتوانستند موفقیت و اهمیت اولین کتابش را تکرار کنند. باین‌حال او سبک و شیوه مخصوص به خود را در این کارها ادامه داد. او اولین رمانش را با نام «دارالمجانین» در سال ۱۳۲۱ منتشر کرد. ویژگی مهم آثار او، داشتن نثری ساده، روان، صمیمی و همراه با طنز است؛ طنزی که در کنار لحن و روایت خوب، کمک کرد تا داستانش بیشتر با استقبال مردم مواجه شود؛ چیزی که در آثار دیگر نویسندگان ما به‌ندرت دیده شد.

او در حوزه‌های دیگری مانند تاریخ و ترجمه هم به فعالیت پرداخت و کارهای بسیاری در این زمینه انجام داد. جمالزاده در تاریخ‌نگاری هم شیوه جدیدی به کار گرفت؛ او به جای نوشتن تاریخ به شیوه مرسوم، به شکل موضوعی آن را می‌نویسد. به‌طور مثال او در کتاب «روابط تاریخی ایران و روس» یک موضوع را که برای کشور و مردم ما در آن برهه اهمیت داشته، انتخاب می‌کند و به‌طور خاص به آن می‌پردازد. «آزادی و حیثیت انسانی» و «تصویر زن در فرهنگ ایرانی» از دیگر پژوهش‌های تاریخی اوست. با این‌که در حوزه ترجمه به اندازه سایر بخش‌ها پرکار نبود، اما سعی کرد آثار مطرح در جهان را به مردم ما معرفی کند. او اولین کسی بود که درباره جیمز جویس و رمان «اولیس» مقاله نوشت. جمالزاده که بعد از ژوزفین با مارگرت اگرت ازدواج کرده بود، هیچ‌وقت صاحب فرزند نشد. او در روز ۱۷ آبان ۱۳۷۶ در ژنو در کشور سوئیس از دنیا رفت.



مجموعه داستان جمالزاده به نام «یکی بود، یکی نبود» منتشر می‌شود. پیش از این اتفاق، نثرهای ادبی در ایران به شکل‌های مختلفی نوشته می‌شدند، اما با انتشار این کتاب نوع جدیدی از نثر به زبان فارسی شکل گرفت. در آخرین شماره از نشریه کاوه و در یک ویژه‌نامه، کتاب «یکی بود یکی نبود» به‌عنوان اولین مجموعه داستان فارسی به شیوه و سبک جدید معرفی می‌شود. جمالزاده بر این کتاب



سال ۱۲۷۴ بود که جمالزاده در خانواده‌ای مذهبی در شهر نصف جهان به دنیا آمد. پدرش سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی، از رهبران جنبش مشروطه ایران بود. او که برای وعظ و سخنرانی به شهرهای مختلف می‌رفت، بعد از این‌که پسرش به سن ۱۰ سالگی رسید، او را هم با خود می‌برد. یکی از تأثیرات مهمی که او بر جمالزاده گذاشت، شیوه سخنرانی و استفاده از لحنی ساده بود؛ این موضوع سال‌ها بعد به جمالزاده در نوشتن کمک بسیاری کرد. به دلیل اختلاف‌هایی که بین پدرش و حاکم اصفهان وجود داشت، آن‌ها به تهران مهاجرت کردند و سیدجمال‌الدین به فعالیت‌های سیاسی‌اش ادامه داد. جمالزاده در نوجوانی توسط پدرش برای ادامه تحصیل به لبنان فرستاده می‌شود. اما اوضاع باز هم تغییر کرد؛ نام پدر جمالزاده در لیست چهار نفری بود که محمدعلی شاه قاجار درخواست تبعید آن‌ها را از ایران کرده بود. بعد از آن‌که شاه قاجار مجلس را به توپ بست، پدرش سعی می‌کند از ایران خارج شود، ولی حاکم بروجرد به دستور محمدعلی شاه او را می‌کشد.

جمالزاده پس از این‌که تحصیلاتش را در دوره متوسطه تمام کرد، به پاریس رفت، چون اوضاع ایران را برای بازگشتش مناسب نمی‌دید. او در فرانسه در رشته حقوق تحصیلاتش را ادامه داد و پس از فارغ‌التحصیلی‌اش با ژوزفین ازدواج کرد. شاید بتوان گفت ملاقات با رضا افشار که از طرف «کمیته ملیون ایرانی» به دیدنش رفته بود، نقطه مهمی در زندگی جمالزاده بود. بعد از این ملاقات او به آلمان رفت و با اشخاص فرهنگی و سیاسی که در این کمیته بودند، آشنا شد. یکی از فعالیت‌های مهم این گروه، انتشار مجله کاوه بود که البته در آن زمان (دوران جنگ جهانی اول) از سیاست‌های آلمان و عثمانی دفاع می‌کرد. اعضای این روزنامه چهارشنبه شب‌ها دور هم جمع می‌شدند و خاطره تعریف می‌کردند و مطالب ادبی می‌خواندند. در یکی از این جلسه‌ها که نوبت به جمالزاده می‌رسد تا مطلبی بگوید، تصمیم می‌گیرد داستان «فارسی شکر است» را برای جمع بخواند. او با شک و تردید شروع به خواندن می‌کند و هنگام خواندن هم نگاهی به چهره افراد می‌اندازد تا اگر نشانه‌ای از ناراضی‌تی در آن‌ها دید، داستان را ادامه ندهد. اما درست خلاف آن چیزی که فکر می‌کرد، همه با دقت به مطلب او گوش می‌دهند. بعد از این‌که خواندن داستان تمام می‌شود، علامه قزوینی او را تشویق می‌کند و این موضوع باعث می‌شود که جمالزاده نوشتن داستان را ادامه دهد. به این ترتیب، این داستان در دی‌ماه ۱۳۰۰ در نشریه کاوه منتشر شد.

چند ماه پس از چاپ شدن این داستان، اولین

زمستان را به خانه بیاورید

المیرا حصارکی

بالاخره پاییز هم تمام شد، اولین ماه زمستان از راه رسیده است و با پیشنهادهای هیجان‌انگیز همراه شما هستیم. پیشنهادهایی که هیچ کسی نمی‌تواند باور کند حاصل تلاش خودتان است. همیشه سعی کردیم در این صفحه برای شما پیشنهادهای عجیب و غریب داشته باشیم. پیشنهاد بازسازی دوباره وسایلی که شاید احتیاج چندانی به آن‌ها نداشته باشید. راه‌حل‌های عجیب و غریب به شما نشان دادیم و یاد دادیم که چطور می‌توانید از بدترین و به‌دردنخورترین وسایل خانه، چه چیزهایی درست کنید.

هدیه‌های عجیب

همیشه گرفتن کادوهای بی‌مناسبت، هیجان‌انگیز است. اتفاقی که هر دو طرف را خوشحال می‌کند؛ هم کسی که کادو می‌گیرد، خوشحال است و هم آن فردی که کادو می‌دهد، از خوشحالی کادوگیرنده خوشنود می‌شود. یک راه‌حل ویژه برای آن‌هایی داریم که دوست دارند کادوی بی‌مناسبت بدهند. کادوهای غافل‌گیرانه، اگر ظاهر هیجان‌انگیزی داشته باشند، لذت بیشتری را ایجاد می‌کنند. تا جایی که می‌دانیم، اکثر این کادوها، وسایل کوچکی هستند به اندازه یک گردو! تنها کاری که باید انجام دهید، این است که یک گردوی درسته را بردارید، از وسط به دو نیم تقسیم کنید و داخل گردو را به سلیقه خودتان رنگ کنید. می‌توانید برای این کار از لاک‌های ناخن قدیمی یا چسب‌های اکلیل‌دار استفاده کنید، بگذارید خشک شود و بعد از آن هدیه‌تان را داخل گردو بگذارید و با یک روبان، آن را گره بزنید و به فرد مورد نظرتان هدیه بدهید. در وهله اول شاید کسی باور نکند که داخل گردو چه چیزی است و شما می‌توانید با عکس‌العمل‌های عجیب و غریب روبه‌رو شوید.



دکوری‌های خودمانی

همیشه دکوری‌ها وسایل لوکس و البته گران‌قیمتی هستند؛ وسایلی که همیشه با شنیدن قیمت‌ها از خریدشان صرف‌نظر کرده‌ایم و بی‌خیال شده‌ایم. دکوری که می‌خواهیم نحوه درست کردنش را به شما یاد بدهیم، حال‌وهوایی زمستانی برای شما فراهم می‌کند. این روزها در همه خانه‌ها، شیشه‌های ایستک یافت می‌شود. تنها کاری که باید انجام دهید، آن را دور نیندازید. آن‌ها را بشوئید و تمیز کنید. بعد از این‌که حسابی تمیز و خشک شدند، دست به کار شوید. یک کلاف یا حتی چند کلاف کاموا را بیاورید و خیلی ظریف با چسب آکوارיום یا چسب حرارتی روی شیشه را چسب بزنید و کامواها را روی چسب بچسبانید. اگر بخواهید، می‌توانید زمان چسب زدن هر طرحی را که دوست دارید، روی شیشه اجرا کنید و بعد چند ساعتی هیچ کاری به آن‌ها نداشته باشید و بگذارید خشک شود. گلدان‌های تازه شما آماده است. می‌توانید شاخه‌های خشک را داخل گلدان‌ها بگذارید و روی شاخه‌ها دانه‌های قرمز پشمی بچسبانید. یا این‌که گل‌های خشکی را که تا همین امروز نمی‌دانستید باید با آن‌ها چه کار کنید، داخل گلدان‌های تازه زمستانی‌تان بگذارید.



جاشمعی‌های زمستانی

جاشمعی همیشه یکی از بهترین هدیه‌های دنیاست. حالا که زمستان سر رسیده است، شما می‌توانید به راحتی یک هدیه زمستانی درست کنید یا حتی آن را جلوه تازه‌ای برای خانه‌تان در نظر بگیرید. تنها چیزی که شما احتیاج دارید، یک لیوان بزرگ است و مقداری چوب خشک. روی لیوان شیشه‌ای، چسب شیشه بزنید و چوب خشک‌ها را دور لیوان بچسبانید. کار ساده‌ای است، اما جاشمعی هیجان‌انگیزی می‌شود. با روشن کردن شمع در این جاشمعی، سرمای زمستان از بین می‌رود و گرمای طبیعت در خانه‌تان جاری می‌شود.



جاکفشی‌های هیجان‌انگیز

این را که همه خانم‌ها عاشق کفش هستند، همه می‌دانند. علاوه بر این همه می‌دانند که اکثر خانم‌ها به‌سختی از کفش‌های مورد علاقه‌شان دل می‌کنند از سوی دیگر با آمدن زمستان پوتین و چکمه‌ها بیرون کشیده می‌شوند و فضای کافی برای آن‌ها در جاکفشی نیست. به راحتی هر چه تمام‌تر می‌توانید جاکفشی مخصوص خودتان را داشته باشید. تنها چیزی که احتیاج دارید، تعدادی جعبه میوه است و رنگ. جعبه میوه‌ها را رنگ بزنید و هر طور که دوست دارید، روی دیوار میخ کنید. این‌طور است که شما یک جاکفشی تازه دارید که هر چند وقت یک بار می‌توانید کاربری آن را عوض کنید.



غم نان؛ لذت نان

ابراهیم رستمیان

از گوشه و کنار



چند وقت پیش بعد از مدت‌ها هوس نان داغ و کباب داغ کردم، آن هم برخلاف توصیه‌های پزشکی. دل به دریا زدم و رفتم توی یک کبابی. گوشه کبابی، مردی میان سال و خوش‌رو با موهای جوگندمی بیرون زده از زیر کلاهی پارچه‌ای و سفید، پای تنور ایستاده بود و نان داغ تافتون را یکی‌یکی بیرون می‌کشید و با ادب و متانت به سراغ مشتری‌های تازه از راه رسیده می‌رفت و تعارفشان می‌کرد. هنوز سفارش کباب را نداده بودم که نان داغ روی میزم بود... تشکر گرمی کردم. لذت نان داغ را شاید با هیچ غذایی نشود عوض کرد. اندکی بعد با اشتها و البته به سلامتی پزشکان محترم، نان و کباب را تا لقمه‌های آخر بلعیدم. جای دوستان خالی. هنوز لیوان آب را سرنگشیده بودم که کارگر نانوا با تافتون داغ دیگری به سراغم آمد. با صمیمیت تشکر کردم. دیدم زیرلب چیزی می‌گوید. با علاقه گوش تیز کردم. با لهجه‌ای خاص می‌گفت: «اگه از این نون خوشتون اومده، به اون جوون پشت دخل - صاحب کبابی - همینو بگید. می‌خواد تنور رو جمع کنه... می‌گه صرف نداره. مشتری نمی‌پسندنه...»

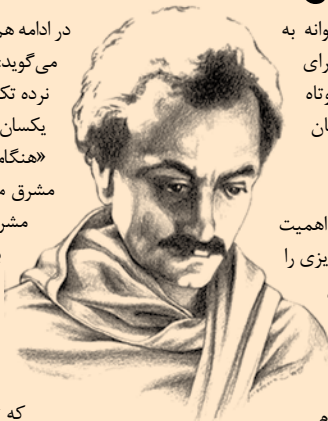
انگار چیزی قلم را فشرده. به‌زور بلخندی زدم و زیرزبانی گفتم: «چشم حتما... بعد هم

که از این به بعد بیشتر مزاحمتون می‌شم...» گفت: «قابل شما رو نداره جناب. می‌تونید از این نون با خودتون ببرید...» خواستم کمی تعارف کنم که صدازد: «جعفر! دوتا از اون نون‌ها بذار توی کیسه بده خدمت این جناب...!» از کبابی که آمدم بیرون، مثل یک بچه که هدیه‌ای گرفته باشه، ذوق‌زده بودم. با خودم گفتم: «مرد گنده، ذوق کردی، که کردی؛ دیگه چرا بغض می‌کنی؟!» کمی بعد زیر آفتاب لذت‌بخش پاییزی، توی پیاده‌رو زیرلب زمزمه می‌کردم: «جام می و خون دل هر یک به کسی دادند...»

زیرچشمی نگاهی به صاحب مغازه انداختم. سرش گرم حساب و کتاب و شمارش اسکناس‌ها بود. با آرتیست‌بازی طوری که کسی نبیند، نان دوم را دوپاره کردم. نصفش را لای دوسه برگ دستمال کاغذی پیچیدم و هلش دادم توی کیف کارم. چند لقمه دیگر را هم با ژست آدمی پراشتها لمباند. اما راستش دیگر مزه نان اول را نمی‌داد. ایراد از احساساتی شدن خودم بود. بلند شدم با قیافه‌ای سرشار از رضایت رفتم سراغ صاحب کبابی. بعد از پرداخت صورت‌حساب گفتم: «دستتون درد نکنه، کبابتون واقعا عالی‌ه. اما من به خاطر اون نون داغه

به بهانه تولد جبران خلیل جبران نویسنده و شاعر زندگی

عارف تنها



مجلد به چاپ رسیده است. کتاب دیوانه به تبع نامش ترتیب و توالی خاصی برای خواندن ندارد. داستان‌های نغز و کوتاه این کتاب همواره تمی رازآلود و عرفانی گونه دارد.

رنج با خویش نبودن

جبران خلیل جبران در جای جای کتاب اهمیت تنهایی را به ما یادآور می‌شود. تنهایی عزیز را که نه تنها قدرش را نمی‌دانیم بلکه از آن می‌گریزیم و همیشه سعی می‌کنیم در سر یکی از چهار راه‌های شلوغ زندگی مان قالمش بگذاریم. به اجتماعاتی می‌رویم و خود را در بین آدم‌هایی که کوچکترین سختی با ما ندارند گم می‌کنیم تا بلکه آن تنهایی کوچک در آن همه‌مه و هیاهوی بزرگ گم شود. انگار فراموش کرده ایم همین تنهایی تجلی خالصانه‌ترین حالات انسانی است. در تنهایی است که راز و نیاز می‌کنیم و رؤیا می‌بافیم، کتاب می‌خوانیم و تفکر خلاقه مان شکوفا می‌شود.

هایکوه‌های لبنانی!

گرچه شخصیت جبران در غرب شکل می‌گیرد، اما آثارش به طرز غریبی با فرهنگ و ادبیات شرق نزدیکی دارد. نکته ای که باعث می‌شود خواندن آثارش برای خواننده شرقی ملموس‌تر و شیرین‌تر شود این هایکوی ژاپنی را با قطعه «دوست من» جبران مقایسه کنید. انگار

غیر ممکن است کتاب خوان باشید اسمی از جبران خلیل جبران لبنانی نشنیده باشد و یا کتابی از او را در دست نگرفته باشید و جادوی جملاتش نشده باشید. جبران خلیل جبران در ۱۶ دی سال ۱۸۸۳ در یک دهکده سرسبز کوهستانی به نام بشری در شمال لبنان به دنیا آمد. در سنین نوجوانی خانواده جبران به همراه بسیاری دیگر از خانواده‌های لبنانی به علت نبود کار و تنگنای اقتصادی لبنان آن دوره، به آمریکا مهاجرت کرد. او پس از چندسال به وطن بازمی‌گردد تا تحصیلاتش را به طور جدی تر ادامه دهد. در بهار سال ۱۹۰۲ برای پیوستن به خانواده اش به آمریکا باز می‌گردد. اولین نمایشگاه هنری‌اش در سال ۱۹۰۴ برگزار می‌شود اما اتفاق مهم تر هنوز در راه است. او با زنی به نام «مری الیزابت هسکل» که ۱۰ سال از خودش بزرگتر است، آشنا می‌شود. زنی که بی تردید تأثیر ژرفی بر جبران می‌گذارد. رابطه ای که تا پایان عمر جبران یعنی سال ۱۹۳۱ ادامه می‌یابد. هر چند مری هسکل به علت تفاوت سنی پیشنهاد ازدواج جبران را رد می‌کند و با مردی دیگر ازدواج می‌کند. نامه نگاری‌ها و روزنوشت‌های مری هسکل از دیدارهایش با جبران اینک مهم ترین منبع برای زندگی نامه نویسان و علاقه مندان به زندگی جبران محسوب می‌شود. جبران با نگارش کتاب شعرگونه اش «پیامبر» به شهرت جهانی می‌رسد. کتاب دیگرش «دیوانه» نام دارد که این دو کتاب در ایران در یک

در ادامه هم سروده شده اند. شاعر ژاپنی می‌گوید: «هر چند بایکدیگر به یک نرده تکیه داده ایم، رنگ کوه‌ها، اما، یکسان نیست.» و جبران می‌گوید: «هنگامی که تو می‌گویی باد به مشرق می‌وزد، من می‌گویم آری به مشرق می‌وزد زیرا نمی‌خواهم تو بدانی که اندیشه من در بند باد نیست، بلکه در بند دریاست. تو نمی‌توانی اندیشه‌های دریایی مرا دریایی و من هم نمی‌خواهم که تو دریایی. می‌خواهم در دریا

تنها باشم. دوست من، تو دوست من نیستی، ولی من چگونه این را به تو بفهمانم؟ راه من راه تو نیست گرچه با هم راه می‌رویم، دست در دست.»

جبران خلیل جبران، نابغه مشهور لبنانی، موفق‌ترین نویسنده و هنرمند معاصر عرب، نه تنها از پیشگامان ادبیات نوین عربی است، بلکه در جهان امروز و در ایران نیز بسیار پرآوازه و اثرگذار بوده است.

او نقاش و نویسنده ای نوآور، عارف و شاعری مبارز و اندیشمندی ممتاز و معنویت‌گرا است که توانست با آثار کم حجم، اما نغز و پرمغز خود، ستاره شرق و پیام‌آور سرزمین پیامبران و سخنگوی وجدان فرهنگی ملت خود باشد.



ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد...

المیرا حصارکی

هر چند زمستان هنوز به شهر ما آن طور که باید و شاید سرک نکشیده و پاییز آخرین زورهای خود را می زند که به یادمان بیاورد. فصل برگریز است، اما اینها چیزی از شلوغی مغازه های فروش لباس زمستانی کم نمی کند. پالتوهای زمستانی همیشه جزو زیباترین لباس ها محسوب می شوند. حالا می خواهیم باهم گشتی در بازار لباس های زمستانی بزنیم....

دامنی پالتو نباید بالا برود و هیچ کشیدگی نباید در آن ناحیه ایجاد شود.

چقدر پول داشته باشیم؟

چه کسی می تواند منکر این نکته بشود که لباس های زمستانی گران هستند؟ به خصوص اگر اهل برند پوشیدن باشید و مغازه های لوکس پاساژهای ونک به بالا را به عنوان مرکز خرید انتخاب کنید. برای خرید یک پالتوی مارک دار زنانه حداقل پولی که باید داشته باشید، حدود ۵۰۰ هزار تومان است. البته این را بگویم که با این پول نمی توانید پالتوی خیلی شیکي پیدا کنید، صرفا می توانید با این پول ادعا کنید که یک پالتوی برند خریده اید. آقایان هم باید یادشان باشد که برای خرید یک پالتوی شیک برند باید حداقل ۷۰۰ هزار تومان داشته باشند.

اما برای خرید یک پالتوی قشنگ که مارک دار نباشد و خوش جنس باشد و پرز نگیرد و مجلسی هم باشد، ۳۰۰ هزار تومان کافی است؛ باور کنید....

لباس های دست یافت از ۷۰ هزار تومان شروع می شود که طبعاً قیمت آن ها از لباس های با بافت ماشینی بالاتر است. هم چنین در بازار پلیورهایی با قیمت های مناسب وجود دارد که از ۱۵ هزار تومان شروع می شود. در این میان پلیورهای مجلسی هم وجود دارند که قیمت آن ها از ۵۰ هزار تومان شروع و تا ۱۵۰ هزار تومان ادامه پیدا می کند، که بستگی به برندهای موجود در بازار دارد؛

برندهای پرطرفداری هم چون تی تی که در فصل زمستان بازارشان بیش از هر فصل دیگری داغ است. بعضی از بلوزهای گرم را می توان با ۱۵ هزار تومان هم تهیه کرد، اما دقت داشته باشید این اجناس حتما الکتريسته ایجاد می کنند و باعث چسبندگی لباس به بدن شما خواهند شد. بنابراین سعی کنید لباس مناسبی زیر پالتو به تن داشته باشید.

پاک کنید. برای این کار، لک را با آب گرم نم دار کنید، سپس کمی پودر پاک کننده روی آن بریزید و با یک ابر آن را پاک کنید. هم چنین برای شستن لباس پشمی لازم نیست آن را مالش دهید. گاهی با قرار دادن پنج تا ۱۰ دقیقه در آب و کف، لباس ها تمیز می شود. به هر حال تا جایی که می توانید، لباس را کمتر مالش دهید، چون مالیدن زیاد لباس باعث می شود لباس کش بیاید و شکل خود را از دست بدهد. پس از خیساندن لباس آب آن را خالی کنید و لباس را آبکش کنید. برای خشک کردن لباس آن را دور از نور خورشید، روی یک روزنامه یا یک حوله پهن کنید تا خشک شود. زمان اتو زدن همیشه از دستمال یا کاغذ روزنامه که بین اتو و لباس بافتنی قرار می گیرد، استفاده کنید، یا از پشت لباس، اتو بکشید. بهتر است لباس های پشمی را اتو نکشید، بلکه اتو را آرام روی لباس فشار دهید و بردارید. هنگام اتو کردن، لباس باید نم دار باشد. می توانید برای اتو کردن لباس های پشمی از اتوی بخار استفاده کنید.

در هر فصلی با تناسب به نوع آب و هوا باید رنگ مناسب برای لباس انتخاب کرد. در پاییز و زمستان همیشه افراد از رنگ هایی مانند خاکستری و مشکی استفاده می کنند. درحقیقت این دو رنگ، جزو خانواده رنگ های تیره هستند و بیشتر افراد می توانند از این رنگ ها استفاده کنند؛ چه آن هایی که پوست روشنی دارند و چه آن هایی که پوستی مات یا تیره دارند. البته رنگ مشکی بیشتر به افرادی می آید که دارای موها و چشم های مشکی هستند و با این رنگ زیبایی خود را افزایش می دهند.

سایز پالتو

هنگام پرو پالتو دست های پتان را چند بار به جلو بکشید یا باز و بسته کنید، در صورتی که احساس کردید قسمت ساعد شما کشیده می شود، شک نکنید انتخابتان اشتباه است. آستین های پالتو باید طوری باشد که بتوانید در زیر آن لباس های آستین دار یا ضخیم بپوشید. اندازه قد آستین هم باید تا روی مچ دست شما بیاید که آستین لباس شما از زیر آن دیده نشود. حواستان باشد که هنگام نشستن و برخاستن، قسمت

در فصل پاییز و زمستان جدای از به تن کردن پالتو، بارانی و کاپشن، باید زیر آن ها هم لباسی گرم بپوشید؛ لباسی که اندام شما را بیش از آن چیزی که هستید، نشان ندهد و این نکته در خرید بافت ها و پولیورها بسیار اهمیت دارد. لباس های زمستانی صرفا نباید بدن را گرم نگه دارند، بلکه باید از زیبایی خاصی هم برخوردار باشند. با این وجود در این گزارش ما سعی داریم تا شما را با مناسب ترین لباس های زمستانی به روز آشنا کنیم.

لباس هایی را مورد استفاده قرار دهید که بدن شما را بدون ایجاد حجم اضافی در برابر سرما، گرم نگه دارد و تهویه خوبی هم داشته باشد. در این صورت می توانید در یک زمستان معتدل از یک یا دو لایه از لباس های خود صرف نظر کنید. هر چه لباس کمتری بپوشید، لاغرتر به نظر می رسید. لباس زیر شما باید تنگ و چسب باشد. فایده لباس زیر زمستانی چسبان این است که تقریباً مانند یک شکم بند و کمربند عمل می کند و از برجسته کردن شکم و چاقی شما جلوگیری می کند و شما را لاغرتر نشان می دهد. اگر قصد دارید که در زمستان دامن یا پیراهن بپوشید، با پوشیدن جوراب های ساق بلند چسبان پشمی پاهای خود را لاغرتر نشان دهید. جورابی به رنگ مشکی یا خیلی تیره انتخاب کنید تا بیشتر تاثیر لاغری داشته باشد. با پوشیدن لباس هایی که از پارچه های گرمتری تهیه شده است، از لایه های لباس کمتری استفاده کنید. به جای لباس های نخی ضخیم و کلفت، لباس های پشمی یا ابریشمی بپوشید. اگر تمایل داشتید از کت استفاده کنید، توجه داشته باشید که یک کت با حجم ناخوشایند و بدمنظره باعث می شود تا چاق تر به نظر برسید. کتی که به خوبی اندازه بدن شماست، اندام شما را متناسب تر نشان می دهد.

چگونه بشویم؟

آبی که برای شستن و آب کشیدن لباس های پشمی استفاده می شود، باید سرد یا ولرم باشد. آب داغ، پشم را چروکیده و پشم سفید را زرد می کند. اگر از پودر استفاده می کنید، پودر را خوب در آب حل کنید. پشم آب زیادی را به خود می گیرد، بنابراین آب و کف زیادی تهیه کنید. اگر لباس پشمی لک شده است، قبل از شستن لباس آن را

پول برایشان علف خرس نیست!

چیا فوادی

حالا که سال ۲۰۱۴ دارد به پایانش نزدیک می‌شود، بهتر است فهرست ۱۰ بازیکن ثروتمند فوتبال جهان را در سال ۲۰۱۴ مرور کنیم. البته منابع مختلفی در این باره وجود داشتند و ارقام مختلفی وجود داشت، اما اعداد و ارقامی که در حال حاضر ارائه می‌شود، پس از تحقیق‌های بسیار منتشر می‌شود و در این آمار کریستیانو رونالدو در صدر فهرست ثروتمندترین بازیکنان فوتبال جهان در سال ۲۰۱۴ قرار گرفته است. جالب این است که در سال گذشته دیوید بکهام صدرنشین این فهرست بود. بکهام، رونالدو و مسی حسابی از تبلیغات تلویزیونی پول درآورده‌اند. بازیکنانی که در این فهرست هستند، نشان می‌دهند که پول برایشان هنوز علف خرس نیست.

رونالدینیو مایه‌دار تر از قدیمی‌ها

رونالدینیو با ۷۸ میلیون یورو هم‌چنان در فهرست پول‌دارهاست. ظاهراً فوتبالیست‌های این دوره زیاد اهل پول جمع کردن نیستند و آن‌قدر خرج می‌کنند که فوتبالیست‌های دیگر در سطح اول فوتبال جهان، هنوز در بین تاب‌تن پول‌دارها جا داشته باشند.

زلاتان ابراهیموویچ با چهره استثنایی‌اش

زلاتان نفر نهم این فهرست است. بازیکن سوئدی پاری‌سن‌ژرمن فرانسه با ۶۹ میلیون یورو نفر هشتم فهرست پول‌دارهاست. زلاتان اهل پول جمع کردن است و البته یک بازیکن خانواده‌دوست هم هست و ظاهراً همسرش حسابی مواظب پول‌هاست.

جیان لونیچی بوفون پ ول‌دارتر از ایتالیایی‌ها

دروازه‌بان یوونتوس با ۶۳ میلیون یورو نفر نهم فهرست است. یک ایتالیایی در فهرست نشان می‌دهد که ایتالیایی‌ها با همه پول خرج کردن‌هایشان فقط معروف نیستند و بوفون حالا با این ۶۳ میلیون یورو سرمایه و املاک و مستغلات در صدر جدول است.

تیری آنری، زیر ۶۰ میلیون یورو

این بازیکن فرانسوی که حالا در آمریکاست و در تیم نیویورک ردبولز بازی می‌کند، با ۵۷ میلیون یورو نفر دهم فهرست پول‌دارهاست. این بازیکن البته زیر ۶۰ میلیون یورو دارد و البته مشخص است که آن زمان که بازی می‌کرد هم پول زیادی جمع می‌کرده است. می‌بینید که چقدر فوتبالیست‌های یک دهه پیش از پول‌هایشان خوب استفاده می‌کردند که حالا با وجود گذشت بیش از یک دهه هنوز در فهرست ۱۰ بازیکن پول‌دار قرار دارند. بهتر است بازیکنان ایرانی هم از این بازیکن‌ها حسابی یاد بگیرند.

اهل سرمایه‌داری و پول جمع کردن است، اما او در سال ۲۰۱۳ هم پس از رونالدو قرار داشت. به نظر می‌رسد لیونل زیاد به فکر مال‌اندوزی نیست. اما مسی با وجود فراز و نشیب‌های فراوانی که در گذشته برایش به وجود آمده است، از جمله حضور در دادگاه به اتهام فرار مالیاتی، مصدومیت‌های پی‌درپی و از دست دادن جایزه توپ طلای فیفا، در مکان دوم فهرست قرار گرفت تا رونالدو هم‌چنان بالای سر او باشد.

ساموئل اتوئو نفر سوم

بازیکن سیه‌چرده تیم اورتون هم یکی از پول‌دارهاست که البته با ۸۵ میلیون یورو در رده سوم است. کل سرمایه‌ها و دارایی‌های ساموئل اتوئو ۸۵ میلیون یورو می‌شود و او هم کلی ماشین و خانه و ویلا دارد. درواقع اتوئو به خاطر میلیون‌ها یورویی که از باشگاه آنژی مآخاچ قلعه روسیه دریافت کرد، نفر سوم است.

وین رونی مایه‌دار

وین رونی، بازیکن تیم منچستر یونایتد، دوران کودکی سختی داشته، اما فوتبال به او روی خوش نشان داده تا در طول سال‌های بازیگری‌اش بتواند ۸۴ میلیون یورو را پس‌انداز کند و نفر چهارم این فهرست باشد. البته برخی معتقدند که رونی می‌توانست مایه‌دارتر باشد، اما امان از ولخرجی همسرش!

کاکا هنوز هم ثروتمند

کاکا، بازیکن برزیلی تیم ساؤپائولو، با ۸۲ میلیون یورو، نفر چهارم این فهرست است. بازیکن سابق رئال مادرید که حسابی خوش‌تیپ هم هست، حسابی از تبلیغات تلویزیونی پول درآورده است؛ درست مثل مسی و رونالدو. نیمار هنوز جا دارد این جوان برزیلی با ۸۰ میلیون یورو حسابی سرمایه‌دار است. او خیلی وقت دارد که ۸۰ میلیون یورو سرمایه‌اش را بیشتر هم بکند. ماشین و خانه و خلاصه کلی درآمدزایی از تبلیغات باعث شده تا او نفر پنجم این فهرست باشد.



کریس در صدر

اما امسال در فهرست ثروتمندترین بازیکنان فوتبال دنیا در سال ۲۰۱۴ رونالدو، فوق ستاره پرتغالی تیم فوتبال رئال مادرید اسپانیا، با ثروتی حدود ۱۴۸ میلیون یورو نفر اول است. این کل ثروت محاسبه‌شده یک بازیکن از زمانی است که پول جمع کرده‌اند و خانه، زمین و ماشین و به قول معروف املاک و مستغلات خریده‌اند. البته رونالدو به‌عنوان بهترین بازیکن سال دنیا در ۲۰۱۳ انتخاب شده بود و همان زمان بود که قرارداد پنج ساله جدیدی را با رئال مادرید امضا کرده بود.

مسی دومیلیون کم آورد

لیونل مسی نفر دوم فهرست است و البته بازیکن بارسلونا، دومیلیون یورو کم آورد تا نفر دوم فهرست باشد. ۱۴۶ میلیون یورو کل دارایی این فوق ستاره است که همه او را به همراه رونالدو یک آدم فضایی می‌دانند که در زمین جادو می‌کند. مسی البته مثل رونالدو زیاد نشان نمی‌دهد که



قاعده‌اش ساده است

هر کس مشکلی از مومنی را بر طرف کند و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می‌گرداند.
امام رضا (ع)

در اتوبوس نشسته‌ام و از همه‌مسافران کلمه‌های آشنایی می‌شود شنید. چیزهایی مثل زیارت، به امید خدا، طلبیده است و ... دیشب در کوچه‌ای قدیمی نشسته بودم و او می‌گفت: «تعارف که نداریم، زندگی همه‌مان یک جاهایی به اوضاعی رسیده که بفهمیم درماندگی یعنی چه؟» می‌گفت: «هر کس بیشتر فهمیده باشد، بهتر می‌داند چطور دست و پایش را گم نکند. اما هر چقدر هم که بلد باشی، وقتی هست که همیشه از دوباره دچار شدن به اوضاعی ترسی ته دلت باشد و دست و پایت را گم کنی.» بی‌سروصدا بود. اگر تازه‌وارد بودی، نمی‌دانستی چرا این‌قدر در محل، اهالی احترامش را نگه می‌دارند. پیرمردی بود که جلوی مغازه کفایش می‌نشست و آرام کفش‌ها را تعمیر می‌کرد یا کفش نو می‌دوخت. اگر کسی کنارش می‌نشست، انگار از اواسط حرف به او پیوسته باشد، شروع می‌کرد به ادامه آن حرف. آن شب دل به دریا زدم و به بهانه تعمیر کفش کنارش نشستم. آن موقع بود که یک‌باره حرف درماندگی را پیش کشید. عادت داشت خورشید را در آسمان دنبال کند و جوری نگاهش می‌کرد که انگار آن هم یک پای صحبت است. بی‌مقدمه گفت: «قاعده‌اش ساده است. از چشم‌هایت پیدا است که حسابت خوب است.» جا خورده بودم. گفت: «مثل عکس توی آینه است. اگر درمانده‌ای دیدی، انگار خودت را می‌بینی. اگر گره کارش را باز کنی، گره کار خودت را باز کرده‌ای.» حرفش قشنگ بود. مثل تمام حرف‌های قشنگ دنیا که گاهی عجیب از آن دل‌سرد می‌شوم. گفت یک جعبه کفش نو دوخته است و می‌خواهد من گره‌ای باز کنم. گفت این جعبه را به یک کفش‌داری تحویل دهم، خودشان می‌دانند چه کنند. تا به حال این‌قدر عجیب راهی سفری نشده بودم. بی‌ساک و چمدان و بی‌مقدمه. تنها با یک جعبه به سمت جایی که خورشید، از آن طلوع می‌کند.

رحمت هر دو جهان

آیا شما را از شبیه‌ترینتان به خودم با خبر نسازم؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمودند: هر کس خوش‌اخلاق‌تر، نرم‌خوتر، به خویشانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی‌اش دوست‌دارتر، بر حق شکیباتر، خشم را فروخورنده‌تر و باگذشت‌تر و در خرسندی و خشم باانصاف‌تر باشد.

پیامبر اکرم (ص)

خداوند اگر خاک را به آدم (ع)، عمر را به نوح (ع)، کلام را به موسی (ع) و روح را به عیسی (ع) بخشید، با آفرینش تو رحمت را به دو جهان هدیه داد. خدا می‌دانست دنیا به محبت و رحمت او و فرستاده‌اش قرن‌ها محتاج خواهد بود. به کسی که انسان بودن را به تمامی زندگی کرده باشد و ۴۰ سال بعد از روز آمدنش به زمین، بتواند مهربانی خدا را به مردمان برساند.

پیامبر مهربانی‌ها! فرستاده‌ای که تا امروز که قرن‌ها از رفتن تو از زمین می‌گذرد، زمین هم‌چنان از یاد تو زنده است. چه خوب زیستی و زیستن را آموختی و چه حیف که روزهایی جهان را گرد فراموشی می‌گیرد. کاش جهان جای بهتری شود برای وقتی که فرزندت بار دیگر مهربانی تو را به زمین هدیه دهد.